



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

تفسیر قرآن مجید

ڈاکٹر علی محمد علی ریاضی، اصفہان، مدرسہ اہل بیت و مدرسہ قرآن

ویسٹ جوائنٹ



جلد ۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	تفسیر قرآن مهر جلد ششم
۶	مشخصات کتاب
۶	یادآوری‌ها
۷	درآمد
۷	سوره‌ی انعام
۷	اشاره
۷	سیمای سوره انعام
۸	اشاره
۸	اهداف
۸	مطالب
۸	دوم: محتوای سوره انعام
۱۲	جهانگردی هدفمند در قرآن و حدیث
۲۷	اهداف پیامبران چیست؟
۳۷	ماجرای ابراهیم (ع)
۴۷	نشانه‌های خدا
۵۲	ادب در قرآن و احادیث
۶۳	غفلت و راه‌کارهای زدودن آن
۷۵	ده فرمان قرآن
۸۰	منابع
۸۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تفسیر قرآن مهر جلد ششم

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور: تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی اصفهانی، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر: قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳ - مشخصات ظاهری: ج. شابک: ۳۴۰۰۰ ریال (ج. ۶) یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس جلد هجدهم □ ۱۳۸۸. یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: **The mehr commentary on the holy Quran**. یادداشت: ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴، ۱۷ □ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت: عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۶. سوره‌ی انعام. عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع: تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره: BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ ی رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق کنندگان و حامیان: حجج اسلام قمی، دکتر کلانتری، دکتر علی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه بر اساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر بر اساس آموزه‌های مذهب اهل بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیه‌الله معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵ بسم الله الرحمن الرحیم وصلى الله على محمد و آله الطاهرين «۱» وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲»؛ و آگاه‌کننده (قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجه‌ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن پژوه و مفسر سترگ حضرت آیه‌الله محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظر علمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلالی محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجه‌الاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصرالله سلیمانی، نعمت‌الله صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد لله رب العالمین قم- ۱۳۸۶ / ۸ / ۲۴ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹

سوره‌ی انعام

اشاره

فراخوان به اصول سیاسی دین ابراهیم بت شکن تاریخ احکام گوشت‌های حلال و حرام ممنوعیت فرزندکشی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱

سیمای سوره انعام

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ به نام خدای مهر گستر مهرورز شمارگان: سوره‌ی انعام در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۶۵ آیه و ۳۸۶۰ کلمه «۱» و ۱۲۲۵۴ حرف است. نزول: این سوره پنجاه و چهارمین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده «۲» (بعد از سوره‌ی حجر و قبل از سوره‌ی صافات) و تاریخ نزول آن را سال چهارم بعثت گفته‌اند؛ یعنی هنگامی که دعوت سَرّی پیامبر صلی الله علیه و آله پایان گرفت و ایشان مأموریت یافتند که به طور علنی مردم را به اسلام فرا خوانند. اما از نظر ترتیب فعلی قرآن، انعام، ششمین سوره است. نام‌ها: تنها نام این سوره، «انعام»، به معنای «حیوانات چهار پا» است. سبب این نام‌گذاری آن است که در آیات ۱۳۶-۱۴۶ این سوره مکرراً از تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲ چهارپایان سخن گفته شده و احکام و قوانین مربوط به آنان بیان شده است. فضایل: در مورد فضیلت این سوره در روایات حکایت شده که سوره‌ی انعام را به هنگام نزول، هفتاد هزار فرشته بدرقه کردند و کسی که آن را بخواند، تمام آن فرشتگان برای او آمرزش می‌طلبند. «۱» البته این پاداش برای کسی است که در پرتو این سوره، جانش را از سرچشمه‌ی توحید سیراب کند و به محتوای آن عمل نماید. ویژگی‌ها: سوره‌ی انعام، در چینش فعلی قرآن، بعد از سوره‌ی حمد، اولین سوره‌ای است که به عنوان سوره‌ی مکی از آن یاد می‌شود و از روایات اهل بیت علیهم السلام و سخنان مفسران استفاده می‌شود که این سوره یک‌باره بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است. در این سوره، نام خدا ۷۰ بار یاد شده است.

اهداف

اهداف اساسی این سوره دعوت به اصول اساسی دین، یعنی توحید، نبوت و معاد است.

مطالب

الف) عقاید: ۱. پافشاری بر یگانگی خدا (در آیات ۱، ۱۲، ۵۹ و ۶۰)؛ ۲. مبارزه با شرک و بت پرستی (در آیه‌ی ۱۵۱ و ...). ۳. اثبات رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بیان جایگاه قرآن (در آیات ۱۹ و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳-۱۱۴)؛ ۴. مباحث مربوط به قیامت و ایمان به روز واپسین (در آیات ۱۲ و ۱۶۴). ب) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به تکذیب و استهزای پیامبران پیشین (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۲. داستان ابراهیم، پیامبر بت‌شکن (در آیات ۷۵ و ۸۳). ج) احکام و قوانین: ۱. احکام مربوط به حلال و حرام بودن گوشت چهارپایان، از قبیل گاو، گوسفند، شتر، و ردّ عقاید خرافی در این موارد (در آیات ۱۳۶-۱۴۶)؛ ۲. ممنوعیت کارهای زشت آشکار و پنهان (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۳. ممنوعیت آدم‌کشی (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۴. ممنوعیت فرزندکشی (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۵. نهی از خوردن مال یتیم (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۶. انصاف در وزن و پیمانه کردن کالاها (در آیه‌ی ۱۵۱). د) مسائل فرعی: ۱. مجادله و بحث با مشرکان با برهان‌های عقلی و آیات تکوینی؛ ۲. لزوم رعایت عدالت در گفتار (در آیه‌ی ۱۵۲)؛ ۳. لزوم وفای به عهد و پیمان (در آیه‌ی ۱۵۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴

دوم: محتوای سوره انعام

قرآن کریم آیه‌ی اول سوره‌ی انعام را با حمد و ستایش خدا آغاز می‌کند و با توجه به آفرینش جهان می‌فرماید: ۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ستایش مخصوص خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و نور را قرار داد؛ سپس کسانی که کفر ورزیدند، برای پروردگارشان، [شریک مساوی قرار می‌دهند. نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. از امام علی و امام صادق علیهما السلام حکایت شده که این آیه به سه گروه از منحرفان پاسخ می‌گوید: الف) با اشاره به خالق هستی، به مادی‌ها، که جهان را ازلی می‌پنداشتند، پاسخ می‌دهد. ب) با اشاره به نور و ظلمت، به دو گانه پرستان پاسخ می‌دهد. ج) با رد عقاید کافران، به مشرکان عرب که برای خدا شریک قایل بودند، پاسخ می‌دهد. «۱» ۲. ظلمت، «عدم» است و چیزی نیست؛ پس تعبیر «قرار دادن ظلمت»، یا به خاطر آن است که ظلمت غالباً به معنای نور بسیار کم و ضعیف، در برابر نور فراوان و قوی به کار می‌رود و یا به خاطر آن است که ظلمت، عدم خاص است تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵ که به تبعیت، خلق می‌شود. «۱» ۳. در آیهی فوق، «ظلمات» جمع و «نور» مفرد است. این اختلاف ممکن است به خاطر آن باشد که منبع نور یکی است و آن خدای متعال است «۲» و نورهای دیگر همه پرتوی از نور اویند، اما ظلمت‌های جهل، خرافات، شرک، کفر، نفاق و گمراهی متعدد هستند و هر کدام منشأی جداگانه دارند؛ نور حق یکی است اما باطل‌ها متعددند. از طرف دیگر، نور همیشه رمز وحدت و اجتماع موجودات زنده، اما ظلمت و تاریکی رمز جدایی‌ها، پراکندگی‌ها و اختلافات است. ۴. توحید یک اصل فطری و عقیده‌ی همگانی بشر بود و بعدها شرک به صورت یک انحراف پیدا شد. این از تعبیرهای آیهی فوق نیز به دست می‌آید. «۳» ۵. آیهی فوق انسان را به آفرینش عالم کبیر یا نظام هستی، آیهی بعد او را به آفرینش عالم صغیر یا انسان، و آیهی بعد از این‌ها، به نظام اعمال و رفتار انسان توجه می‌دهد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل، ستایش پروردگار است و کفرورزی انحراف از اصل به شمار می‌آید. ۲. تمام ستایش‌های خود را نثار خالق هستی کنید. *** قرآن کریم در آیهی دوم سوره‌ی انعام به خلقت انسان و سرنوشت ثابت و متغیر او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّىٰ عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ او کسی است که شما را از گل آفرید؛ سپس سرآمد (غیر حتمی برای عمر شما) مقرر داشت؛ و سرآمد معین (و حتمی عمر شما) نزد اوست؛ سپس شما (در توحید و قدرت او) تردید می‌کنید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آفرینش انسان‌های کنونی، به چند صورت به خاک برمی‌گردد: الف) آفرینش انسان از پدر و مادر است، اما از آن‌جا که آفرینش اولین انسان از خاک بوده، پس صحیح است که به ما بگویند شما را از خاک آفریدیم. «۱» ب) انسان‌ها همگی از مواد و عناصر موجود در خاک، یعنی از طریق تغذیه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم عناصر خاکی به وجود می‌آیند. «۲» ۲. در آیهی فوق «اجل» به دو معنا به کار رفته است: «اجل» اول به معنای عمر و مدت غیر حتمی آن، یعنی اجل مُعَلَّق است و «اجل» دوم به معنای عمر و مدت معین آن است که بر اثر حوادث و تقدیرات و اعمال انسان کم یا زیاد نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷ به عبارت دیگر، انسان بر اساس استعدادها و ساختمان وجودی خود، دارای یک عمر طبیعی است که کم یا زیاد نمی‌شود و آن همان اجل حتمی است. همین عمر انسان ممکن است بر اثر سوء تغذیه، بیماری‌ها، انجام گناهان، خودکشی، حوادث و تقدیرات دیگر کم شود و انسان زودتر از پایان عمر طبیعی از دنیا برود، که به این مرگ زودرس «اجل غیر حتمی یا مُعَلَّق» گفته می‌شود. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به هر دو نوع اجل اشاره شده است. «۱» ۳. در مورد اجل غیر حتمی، در روایات اسلامی حکایت شده که ارتباط با خویشاوندان و صدقه و زکات و دعا، سبب زیاد شدن عمر، و قطع رابطه با خویشاوندان و ظلم سبب کم شدن عمر می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر آفرینش انسان و مدت عمر او، همه به دست خداست، پس (در مبدأ و معاد) شک نکنید. ۲. با مطالعه در منشأ حیات خود و مدت آن، (خداشناس شوید و) تردید نکنید. *** قرآن کریم در آیهی سوم سوره‌ی انعام به علم بی‌کران الهی و الوهیت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳. وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸ و او در آسمان‌ها و در زمین خداست؛ پنهان شما و آشکارتان را می‌داند؛ و آنچه را بدست می‌آورید، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان عرب به «الله» معتقد بودند، اما برای هر دسته از موجودات نیز، خدا و مدبری قایل شده بودند و به خدای باران، خدای جنگ، خدای صلح و خدای آسمان و مانند آن اعتقاد داشتند. آیهی فوق در پاسخ آنان می‌گوید: کسی که خالق است، تدبیر و تصرف همه چیز نیز به دست اوست؛ «۱» خدا در همه جا حاضر است و احاطه به همه‌ی مکان‌ها دارد؛ حضور او حضور

علمی، قیومی و احاطه‌ای است نه حضور جسمی؛ و جایی از آسمان‌ها و زمین از وجود او خالی نیست. هواخواه توام جانا و می‌دانم که می‌دانی که هم نادیده می‌بینی و هم ننوشته می‌خوانی (حافظ) ۲. مقصود از «آنچه به دست می‌آورد»، نتایج اعمال و حالات روحی است که از افعال خوب و بد انسان حاصل می‌شود؛ پس معنای آیه این می‌شود که خدا هم از اعمال و نیات شما آگاه است و هم از آثاری که این اعمال در روح شما می‌گذارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منطقه‌ی فرمان‌روایی خدا تمام هستی است و علم او بی‌کران است. ۲. به فرمان‌روایی و علم بی‌کران الهی توجه کنید (و مراقب کردار و دست‌آوردهای خود باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹ قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی انعام به واکنش مشرکان در برابر نشانه‌های خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر اینکه از آن رویگردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابتدایی‌ترین شرط هدایت و راه‌یابی، تحقیق و جست‌وجوگری است. این شرط نه تنها در مشرکان وجود ندارد، بلکه هر گاه چشمه‌ی آب زلالی بر در خانه‌ی آنها بجوشد، روی برمی‌تابند و به آیات پروردگار توجه نمی‌کنند. روی گردانی و عدم تحقیق در باره‌ی حق، در عصر ما نیز در برخی کافران متعصب و لجوج وجود دارد. غفلت نگر! که پشت به محراب کرده‌اند در کشوری که قبله‌نما موج می‌زند (صائب) ۲. تعبیر «از طرف پروردگارشان» تعبیر لطیفی است و اشاره دارد که مقصود خدا از آیات، تربیت آنهاست و این آیات هم از طرف پروردگار «خودشان» آمده است، ولی از آنها روی می‌گردانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌های لجوج، به هیچ‌گونه دلیل و نشانه‌ای توجه ندارند و از همه‌ی آنها روی برمی‌تابند. ۲. از نشانه‌ها و آیات الهی روی برنتابید که از طرف پروردگار شما و برای تربیت شماست. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۰ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی انعام به تکذیب و مسخره کردن حق توسط مشرکان اشاره می‌کند و ضمن هشدار به آنها می‌فرماید: ۵. فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ و بی‌یقین آنان، هنگامی که حق به سراغشان آمد، تکذیب کردند! پس در آینده اخبار بزرگ چیزی که همواره آن را ریشخند می‌کردند، به آنان خواهد رسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه و آیه‌ی قبل از آن، به سه مرحله از کفر اشاره شده است: الف) اعراض و روی گردانی از آیات الهی؛ ب) تکذیب حق؛ ج) مسخره کردن حقایق و آیات خدا. این مطالب نشان می‌دهد که انسان در راه کفر، در یک مرحله متوقف نمی‌شود و هر چه پیش می‌رود، بر شدت انکار و دشمنی او با حق و بیگانگی‌اش با خدا افزوده می‌شود. ۲. مراحل سه‌گانه‌ی فوق هر کدام در مرحله‌ی بعدی تأثیر می‌گذارد و زمینه‌ی آن را فراهم می‌سازد؛ یعنی کسی که از حق روی می‌گرداند، در نتیجه، آن را نمی‌شناسد و هنگامی که با آن مواجه می‌شود به راحتی انکار و تکذیب می‌کند و کسی که حق را تکذیب کرد، کم‌کم به مسخره کردن آن می‌پردازد؛ یعنی مراحل سقوط را یکی پس از دیگری می‌پیماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای کافران خبرهای تلخی در راه است (پس به آرامش و سرمستی موقت خود دلشاد نباشند). ۲. حق را دروغ نشمارید و ریشخند نکنید که این شیوه‌ی کافران است. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۱ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی انعام به سرنوشت طغیان‌گران پیشین اشاره می‌کند و با هشدار به مشرکان می‌فرماید: ۶. أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ مِمَّا لَمْ يُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ آیا اطلاع نیافته‌اند که پیش از آنان چه بسیار، گروه‌هایی را هلاک کردیم؟! که در زمین به آنان امکاناتی دادیم، که برای شما آنچنان امکاناتی فراهم نکردیم؛ و [باران‌های پی در پی آسمان را بر آنان فرستادیم؛ و نه‌رهایی قرار دادیم، که از زیر (شهرهای) آنان روان باشد؛ و آنان را بخاطر پیامدهای (گناهان) شان هلاک ساختیم؛ و گروه‌های دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قرآن مکرر به این موضوع اشاره شده که امکانات فراوان مادی، سبب غرور و غفلت افراد کم‌ظرفیت می‌شود، به طوری که خود را از پروردگار بی‌نیاز می‌پندارند «۱» و به گناه و نافرمانی روی می‌آورند، در حالی که هر لحظه محتاج خدا هستند. قرآن در این مورد هشدار می‌دهد که این‌گونه رفتارها، سبب نابودی انسان‌ها می‌شود. این هشدار برای انسان عصر حاضر نیز هست. ۲. اگر انسان در تاریخ زندگی فرعون‌های مصر،

پادشاهان سبأ، سلاطین کَلَدَه و آشور، قیصرهای روم، پادشاهان ایران باستان و زندگانی افسانه‌ای آنها و عواقب دردناک کفر و طغیان و بیدادگری آنان بنگرد، به عظمت و اسرار سخنان قرآن در آیه‌ی فوق پی می‌برد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۲۲.

طغیان‌گران تصور نکنند که تنها انسان‌های زمین هستند، بلکه خدا هر گاه ملتی «۱» را نابود می‌کند، مردمی دیگر جای‌گزین آنان می‌نماید؛ بنابراین هر قومی که نافرمانی کند، هلاک می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه سبب هلاکت ملت‌ها می‌شود. ۲. از تاریخ ملت‌های پیشین و سرنوشت شوم گناهکاران عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی و لجاجت مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالُوا الَّذِيْنَ كَفَرُوا اِنْ هَذَا اِلَّا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ وَاِگر (بر فرض) نوشته‌ای در صفحه (کاغذ) بر تو فرو فرستیم، و آن را با دست‌هایشان لمس کنند، حتماً کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند: «این، جز سحری آشکار نیست!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از بت‌پرستان، هم‌چون نصر بن حارث و عبد الله بن امیه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفتند: ما تنها در صورتی ایمان می‌آوریم که نامه‌ای از طرف خدا، با چهار فرشته بر ما نازل کنی؛ آیه‌ی فوق در این باره فرود آمد و بهانه‌تراشی آنان را افشا کرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عوامل انحراف، لجاجت است. این صفت سبب می‌شود که انسان در برابر دلیل روشن تسلیم نشود و حتی امور تجربی و محسوس و بدیهیاتی را که می‌بیند، انکار کند؛ اگر برای کافران لجوج صفحه‌ای کاغذی، «۱» به صورت معجزه آسا، فرود آید، باز هم آن را انکار می‌کنند. ۲. «سحر» از رایج‌ترین تهمت‌هایی است که به پیامبران الهی می‌زدند و آنان را ترور شخصیتی می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی منتظر لجاجت‌ها و تهمت‌ها باشند. ۲. در هنگام لجاجت هیچ دلیل و معجزه‌ای کارساز نیست. ۳. به دنبال قانع کردن کافران لجوج نباشید، که سودی ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی انعام به برخی دیگر از بهانه‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸. وَقَالُوا لَوْ لَا اُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ اَنْزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْاَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ وَاِشرکان گفتند: «چرا هیچ فرشته‌ای بر او فرود نیامد.» و الی اگر (بر فرض) فرشته‌ای فرود می‌آوردیم، حتماً کار تمام شده بود؛ سپس (اگر مخالفت می‌کردند) مهلت داده نمی‌شدند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معجزاتی هم چون قرآن را آورده بود، پس جایی برای بهانه‌جویی در مورد نزول فرشته نبود، علاوه بر آن، قدرت و استعداد فرشتگان برای رسالت و نبوت، از انسان بیش‌تر نبود. ۲. اگر فرشته‌ای بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می‌آمد و به صورت حسی همه او را می‌دیدند، این یک معجزه‌ی شهودی و آخرین مرحله‌ی اتمام حجت بود و در این صورت اگر کسی مخالفت می‌کرد، مجازات او قطعی می‌بود و به او مهلت داده نمی‌شد؛ پس خدا از لطف خود و برای دادن فرصت تجدید نظر به بندگان، معجزات حسی و شهودی را فوراً نمی‌آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران در برابر حق بهانه‌تراشی می‌کنند. ۲. به پیامدهای خطرناک برخی بهانه‌جویی‌ها توجه کنید و از رهبران الهی چیزهایی نخواهید که به زیان خودتان باشد. ۳. بعد از معجزات شهودی، حجت و مهلت تمام می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی انعام پاسخ دیگری به بهانه‌جویی‌های مشرکان می‌دهد و می‌فرماید: ۹. وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَاَلَلْبَسْنَاهُ عَلَيْهِمْ مَا يُلْبَسُونَ وَاِگر (بر فرض) او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [به صورت مردی در می‌آوردیم؛ و مسلماً (به پندار آنها کار را) بر آنان مشتبه می‌ساختیم؛ آنچه (را بر دیگران) مشتبه می‌سازند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد این آیه دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود آن باشد که اگر فرشته‌ای می‌آمد، به صورت مردی می‌آمد، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۵ که در این صورت، فقط کافی بود شکل مرد را داشته باشد. ب) مقصود آن باشد که اگر پیامبر فرشته می‌شد، به صورت مردی می‌آمد که در این صورت باید تمام صفات ظاهری و باطنی انسان را داشته باشد، تا بتواند الگوی انسان‌های دیگر باشد. «۱» البته ظاهر آیه با همان معنا و احتمال اول سازگارتر است. ۲. در این آیه، پرده‌پوشی و اشتباه‌کاری از دیدگاه مشرکان مطرح شده است؛ یعنی اگر فرشته‌ای می‌فرستادیم، می‌بایست به صورت و سیرت انسانی باشد، که در این صورت، به عقیده‌ی مشرکان، ما مردم را به اشتباه انداخته بودیم؛ همان‌طور که آنان افراد بی‌خبر را به اشتباه می‌افکنند و چهره‌ی حقیقت را از

آنان می‌پوشانند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همیشه راه بهانه‌جویی مشرکان باز است (حتی اگر فرشته‌ای نازل شود). ۲. مشرکان فرافکنی می‌کنند و در حالی که خود مشتبه‌نما هستند، دیگران را به مشتبه‌نمایی متهم می‌سازند. ۳. مواظب مشتبه‌نمایی مشرکان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی انعام به ریشخند نمودن پیامبران پیشین و کیفر این کار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۶ و بیقین پیش از تو فرستادگانی ریشخند شدند؛ و [لی آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند، کسانی از آنان را که ریشخند می‌کردند فرو گرفت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی خیرهایی از مجازات کافران را بیان می‌کردند، اما مخالفان آنها را انکار می‌کردند و سرانجام، این مجازات‌ها دامن آنان را می‌گرفت. ۲. روش قرآن آن است که با یادآوری مشکلات و صبر پیشینیان، به مؤمنان دل‌داری می‌دهد و صبر آنان را زیاد می‌کند. ۳. مبلغان دین نباید از ریشخند مخالفان دل‌تنگ شوند؛ این شیوه‌ی همیشگی و نوعی جنگ روانی دشمن است که باید در برابر آن صبر و استقامت کرد. ۴. استهزا و مسخره کردن پیامبران، یکی از گناهان کبیره است که وعده‌ی عذاب بر آن داده شده است. ۵. آیه‌ی فوق نوعی تسلی خاطر برای پیامبر صلی الله علیه و آله است که تزلزل در اراده‌اش واقع نشود؛ و در همان حال، تهدیدی برای مخالفان لجوج است که به عواقب دردناک کارخویش بیندیشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین و مسخره کنندگان رهبران مذهبی مغرور نباشند که سرانجام عذاب الهی دامن آنان را خواهد گرفت. ۲. رهبران الهی منتظر ریشخند مخالفان دین باشند (و در برابر آنها استقامت کنند) که خدا با آنان برخورد خواهد کرد. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۷ قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی انعام مردم را به جهان‌گردی هدفمند و عبرت‌آموز فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۱. قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ بگو: «در زمین گردش کنید! سپس بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان در کتاب‌ها برای انسان بسیار سازنده است، اما مشاهده‌ی عینی آثار باستانی و دیدن سرنوشت اقوام نابود شده، تأثیر بیش‌تری بر انسان دارد؛ زیرا این آثار حقایق تاریخی ملت‌های گذشته را ملموس و محسوس می‌سازد. «۱» در کارگاه کوزه‌گری رفته دوش دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش از دسته‌ی هر کوزه برآورد خروش صد کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش (خیام) ۲. واژه‌ی (سپس) معمولاً برای «عطف همراه با فاصله‌ی زمانی» به کار می‌رود و به کار بردن آن در آیه‌ی فوق، شاید به این هدف باشد که به انسان تذکر دهد که پس از مشاهده‌ی آثار باستانی، در قضاوت خود عجله نکند و با حوصله و دقت بیندیشد و عاقبت کار آنان را با چشم خود ببیند. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که منظور از آیه‌ی فوق، نظر به آثار پیامبران الهی و قرآن کریم است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۸ روشن است که این گونه احادیث مصادیق و موارد آیه را مشخص می‌کند، ولی آیه‌ی فوق و نظر و تفکر و سیر و سیاحت منحصر در این موارد نیست و همه‌ی سفرهای علمی و آموزنده و عبرت‌آور در دیدار از آثار باستانی، ستوده و نیکوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان‌گردی هدفمند و عبرت‌آموز نیکوست. ۲. از آثار باستانی دیدن کنید و عبرت بگیرید. ۳. گردشگری هدفمند داشته باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۹

جهانگردی هدفمند در قرآن و حدیث

الف) فراخوانی به جهان‌گردی: ۱. قرآن کریم در آیات متعدد، انسان‌ها را به جهان‌گردی فرا می‌خواند (آل عمران، ۱۳۷؛ انعام، ۱۱؛ نحل، ۳۶؛ نمل، ۶۹؛ عنکبوت، ۲۰ و روم، ۴۲). ۲. قرآن کریم در آیات متعدد، از افراد پرسش می‌کند که چرا جهان‌گردی نکرده‌اند و درس عبرت نگرفته‌اند؟ (یوسف، ۱۰۹؛ حج، ۴۶؛ روم، ۹؛ فاطر، ۴۴؛ غافر، ۲۱ و ۸۲ و محمد، ۱۰). ب) اهداف جهان‌گردی و گردشگری: ۱. شناخت چگونگی آغاز آفرینش (عنکبوت، ۲۰)؛ ۲. خردورزی و تعقل (حج، ۴۶)؛ ۳. شناخت تاریخ اقوام گذشته و فرجام آنان (یوسف، ۱۰۹ و ...)؛ ۴. عبرت‌آموزی از سرگذشت اقوام نیرومند (غافر، ۲۱ و فاطر، ۴۴)؛ ۵. عبرت‌آموزی از سرگذشت

اقوام تکذیب‌گر (که با راه پیامبران الهی مخالفت کردند) (نحل، ۳۶)؛ ۶. عبرت‌آموزی از فرجام خلافکاران تاریخ (نمل، ۶۹). (ج) مسافرت در احادیث: ۱. مسافرت کنید تا سالم شوید و غنیمت به دست آورید (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۲. اول رفیق (پیدا کنید) سپس راه (و مسافرت را شروع کنید) (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۰. ۳. مسافرت را با صدقه آغاز کنید (امام صادق علیه السلام). «۱» ۴. وقتی سه نفر با هم دیگر مسافرت کردید یک نفر فرمانده (و مدیر) باشد (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۵. از لقمان حکایت شده که به فرزندش سفارش کرد که در مسافرت با همراهان زیاد مشورت کن و به روی آنان لبخند بزنی، به آنان کرامت و بخشش کن، هر گاه تو را خواندند اجابت کن، اگر از تو کمک خواستند به آنان یاری رسان، ... در کارها با آنان هماهنگ باش، مگر در نافرمانی خدا، ... هنگامی که صدقه یا وام می‌دهند تو نیز همراهی کن، به سخن بزرگ‌ترها گوش فراده «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۱ قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی انعام به برهان رحمت در اثبات معاد و رابطه‌ی بی‌ایمانی با زیانکاری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲. قُلْ لِمَنْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَمَّا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَأُؤْمِنُونَ بگو: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست؛» بخشش را بر خویشان مقرر کرده است، (از این رو) قطعاً شما را در روز قیامت، که در آن هیچ تردیدی نیست، جمع‌آوری خواهد کرد. کسانی که به خودشان زیان رسانده‌اند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه با استفهام تقریری آغاز می‌شود؛ یعنی از آن‌جا که در نظر فطرت، مالکیت خدا بر جهان هستی مسلم است و مشرکان نیز بدان اعتراف دارند، از آن می‌پرسد و خود بدان پاسخ می‌دهد. این یکی از شیوه‌های تبلیغی و تربیتی قرآن کریم است. ۲. آیه‌ی فوق به «برهان رحمت» برای اثبات معاد اشاره می‌کند؛ یعنی خدایی که مالک جهان و دارای رحمت وسیع، فیاض و پر جوش است، لازمه‌ی رحمتش آن است که هر موجودی را به تکامل نهایی خویش برساند. رحمت الهی اقتضا می‌کند که انسانی که استعداد زندگی جاوید دارد، پس از مرگ متوقف نشود و سیر ابدی خود را در لباس نوینی در رستاخیز ادامه دهد. این حقیقتی است که تردیدی در آن وجود ندارد. ۳. زندگی جاوید، رحمت رستاخیز و نعمت‌های فراوان برای همه‌ی انسان‌ها آماده شده است، اما برخی از انسان‌ها از سرمایه‌های وجودی خویش در این جهان استفاده می‌کنند و از رحمت آخرت بهره می‌برند و بعضی دیگر راه خویش را کج نموده، زمینه‌های رحمت را به زحمت و عذاب تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۲ تبدیل می‌کنند. ۴. هستی بر اساس رحمت استوار است و رحمت الهی بر همه چیز و در همه جا گسترده است. قرآن کریم در آیات مختلف مظاهر و مصادیق رحمت الهی را بیان کرده است که عبارت‌اند از: قرآن، آزادی، پیامبر، باران، باد و در احادیث آمده است: هر کس رحم نکند، مورد رحمت قرار نمی‌گیرد؛ پس شرط استفاده از رحمت الهی، رحم داشتن به بندگان خداست. «۱» ۵. زیان و ضرر، گاهی به «اصل سرمایه» و گاهی به «سود سرمایه» است؛ البته زیان به سرمایه مهم‌تر است؛ سرمایه نیز گاهی در درون و گاهی بیرون از جان انسان است، و سرمایه‌ی درونی مهم‌تر است؛ پس بزرگ‌ترین زیان آن است که انسان سرمایه‌ی هستی خویش و استعدادهای آن را از دست بدهد. آری، مشرکان لجوج، سرمایه‌های عمر، فکر، فطرت و مواهب روحی و جسمی خویش را از دست می‌دهند و آن را در راه حق و ایمان به کار نمی‌گیرند و به تکامل نمی‌رسانند، در نتیجه، به معاد ایمان نمی‌آورند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیوه‌ی اصلی خدا رحمت بر مردم است (نه خشم بر آنان). ۲. از رحمت الهی به معاد پی ببرید. ۳. بی‌ایمانی، ضرر زدن به خویشان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی انعام به مالکیت خدا بر موجودات در بستر زمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳. وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۳ و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرد، فقط برای اوست؛ و او، شنوا [و] داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تعبیر «شب و روز» در آیه‌ی فوق آن است که جهان مادی، زمان‌مند است و شب و روز مخصوص زمین و منظومه‌ی شمسی نیست، بلکه همه جا یا تاریکی و شب است، یا روشنایی و روز. ۲. ممکن است این آیه به یکی از استدلال‌های توحید اشاره داشته باشد؛ یعنی می‌گوید: اجسام از حرکت و سکون خالی نیستند؛ «۱» و آنچه از حرکت و

سکون خالی نیست، نمی‌تواند ازلی باشد؛ بنابراین تمام اجسام حادث‌اند و هر حادثی نیازمند آفریدگار است. ۳. آیه‌ی فوق با ذکر صفت شنوایی و دانایی خدا، به این مطلب اشاره می‌کند که وسعت جهان و موجوداتی که در افق زمان و مکان واقع می‌شوند، مانع آگاهی خدا از اسرار آنها نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کل نظام هستی در بستر زمان از آن خداست (همان‌طور که علم و نظارت بر آنها نیز با اوست). ۲. با مطالعه در سکون (و حرکت) چیزها در بستر زمان، خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۴ قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی انعام ولایت همه‌ی خدایان دروغین را رد می‌کند و می‌فرماید: ۱۴. قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَلْحَدُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعَمُ وَلَمَّا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَمَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ بگو: «آیا غیر خدا را سرپرست گیرم؟! (خدایی) که شکافنده [و آفریننده آسمان‌ها و زمین است؛ و اوست که غذا می‌دهد، و غذا داده نمی‌شود. بگو: «در واقع، من فرمان داده شده‌ام، نخستین کسی باشم که اسلام آورد؛ و (به من فرمان داده شده که): هرگز از مشرکان مباش!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان مکه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: ای محمد! تو، به خاطر فقر، آیین قوم خود را ترک کردی؛ ما حاضریم اموال خود را با تو تقسیم کنیم تا ثروتمند شوی و دست از خدایان ما برداری و به آیین شرک بازگردی. «۱» آیه‌ی فوق و دو آیه‌ی بعد در این باره فرود آمد و به آنان پاسخ داد. «۲» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان، خدایان و ارباب انواع داشتند؛ یعنی به خدای باران، خدای نور، خدای ظلمت و خدای جنگ و صلح و رزق معتقد بودند و هر کدام از بت‌ها را در مورد یکی از نیازمندی‌های خود تکیه‌گاه و پناهگاه قرار می‌دادند، ولی قرآن همه‌ی این پندارهای غلط را رد کرد؛ با وجود خدای آفریننده‌ی همه چیز، دلیلی وجود ندارد که انسان غیر از او را ولی و سرپرست خود قرار دهد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۵. ۲. خدا شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین است. شاید این تعبیر اشاره به شکافتن توده‌ای کوچک و پیدایش ستارگان، سیارات و کهکشان‌ها از دل آنها باشد که در عصر حاضر به «انفجار بزرگ اولیه» مشهور است. «۱» ۳. بیش‌تر وابستگی‌های بشر به خاطر نیاز مادی اوست و همین نیاز است که انسان را به کرنش در مقابل غیر خدا و می‌دارد و شاید به همین خاطر، آیه‌ی فوق اشاره می‌کند که روزی شما به دست اوست، نه به دست بت‌ها و صاحبان زر و زور. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اولین مسلمان جهان نبود، پیامبران پیشین و امت‌های آنان نیز مسلمان و تسلیم خدا بودند؛ پس مقصود از «اولین مسلمان» بودن پیامبر صلی الله علیه و آله در آیه‌ی فوق، «اولین مسلمان از امت اسلام» است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ولایت سزاوار کسی است که خالق و رازق باشد؛ و او فقط خداست. ۲. رهبر جامعه باید در انجام دستورات الهی از همه پیشگام‌تر باشد. ۳. تسلیم غیر خدا نشوید و شرک نوزید. ۴. با مطالعه در پیدایش جهان هستی و روزی‌دهنده‌ی مردم، خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی انعام از زبان پیامبرش در مورد نافرمانی و عذاب هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵. قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۶ بگو: «در واقع من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قانون الهی برای همه‌ی مردم یکسان است و حتی اگر پیامبر خدا نیز نافرمانی کند، باید از گرفتاری آن بترسد؛ البته احساس مسئولیت پیامبران بیش از احساس مسئولیت دیگران است. ۲. ترس اولیای خدا، ترس از مردم یا طاغوت‌ها نیست که ناپسند باشد؛ ترس از قهر الهی و عذاب خداست که ترسی پسندیده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شناخت رستاخیز و ترس از عذاب آن یکی از عوامل بازدارنده از گناه است. ۲. برای دفع خواسته‌های نابه‌جای دیگران، عذاب قیامت را به یاد آنان بیاورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی انعام به رابطه‌ی رحمت الهی با رستگاری انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ هر کس در آن روز، (عذاب) از او برگردانده شود، پس حتماً [خدا] او را رحم کرده، و این کام‌یابی آشکار است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه آخرین درجه‌ی توحید را بیان می‌کند، که حتی پیامبران نیز، در برابر بارگاه الهی، دستگاه مستقلاً ندارند و نیازمند رحمت او هستند. ۲. در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۷ جانم در دست اوست، هیچ کسی در قیامت با عمل خود به بهشت نمی‌رود.

پرسیدند: حتی شما یا رسول الله! فرمود: حتی من؛ مگر آن که فضل و رحمت خدا مرا دریابد. سپس داستان خود را بر سر نهادند و آیه‌ی فوق را تلاوت کردند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رحمت الهی می‌تواند شما را از عذاب الهی نجات بخشد. ۲. کام‌یابی و رستگاری حقیقی، نجات از عذاب در رستخیز است. ۳. به دنبال جلب رحمت الهی باشید تا رستگار شوید. ۴. برای رستگاری خویش بر رحمت الهی تکیه کنید (نه بر اعمال خودتان). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی انعام اشاره می‌کند که سررشته‌ی همه‌ی امور به دست خداست و می‌فرماید: ۱۷. وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر خدا (برای امتحان یا مجازات) زبانی به تو رساند، پس جز او هیچ بر طرف کننده‌ای برای آن نیست؛ و اگر به تو نیکی رساند، پس او بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. توجه به غیر خدا و کمک خواستن از صاحبان زر و زور و تسلیم شدن در مقابل آنان و پرستش آنها، یا به خاطر آن است که انسان‌ها، غیر خدا را تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۸ سرچشمه‌ی نیکی‌ها می‌دانند و یا معتقدند که غیر خدا می‌تواند مشکلات آنها را برطرف سازد. آیه‌ی فوق این دو عقیده را رد می‌کند و سرچشمه‌ی همه‌ی امور را به دست خدا می‌داند. ۲. این آیه عقیده‌ی دوگانه‌پرستان را که به دو مبدأ خیر و شر معتقد بودند رد می‌کند و می‌گوید همه چیز، چه سود و چه زیان، از ناحیه‌ی خداست. ۳. آیه‌ی فوق خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، اما مفهوم و مطلب آن عام است و شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود؛ یعنی سود و زیان همه‌ی انسان‌ها به دست خداست و پناهگاهی جز او ندارند. یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد (بابا طاهر) ۴. واژه‌ی «زیان»، به کمبودهای انسان، اعم از کمبودهای جسمی، روحی و مالی اشاره دارد؛ مثل نقص عضو و از بین رفتن ثروت و فرزند، که در ظاهر سلب نعمت است، ولی در واقع خیر است؛ زیرا برای بیدارباش و تربیت انسان‌ها و برطرف کردن غرور و خودخواهی آنان یا مصالح دیگر به وجود می‌آید. ۵. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که انسان را بین ترس و امید نگاه می‌دارد؛ یعنی نه امید او را به خدا قطع می‌کند و نه او را رها می‌سازد تا سرکشی کند، بلکه با قهر الهی به او هشدار می‌دهد. این روش حالت تعادل در روح انسان ایجاد می‌کند و برای رشد و تربیت او بسیار مؤثر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیکی‌ها و مشکلات، همه به دست خدای تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۹. ۲. همه‌ی امید شما به خدا باشد و از قهر او بیم داشته باشید. ۳. در مشکلات به خدا پناه ببرید تا آنها را برطرف سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی انعام بر تسلط بی‌رقیب خدا تأکید می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِزِّهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ و او بر بندگان خود، چیره است؛ و او فرزانه آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «فوق» برای نشان دادن تسلط و تأکید بر غلبه‌ی خداست؛ «۱» پس مقصود در این جا فوقیت و برتری مقامی است، نه مکانی؛ زیرا خدا جسم نیست تا مکان داشته باشد. ۲. قدرت و غلبه‌ی خدا همراه با علم و حکمت است و مثل طاغوت‌ها نیست که قدرت را بدون علم و حکمت به کار می‌برند که منتهی به ستمکاری شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت خدا بی‌رقیب است و همگان در برابر او مقهور هستند (پس فقط بر او تکیه کنید و او را بپرستید). ۲. قدرت و غلبه‌ی بر مردم را با حکمت و آگاهی همراه سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۰ قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی انعام به گواهی خدا به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و جهانی بودن پیام قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَنتُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَأَشْهَدَنَّ قُلُوبَنَا هُوَ إِلَهُ وَجِدِّ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ بگو: «گواهی چه چیزی با عظمت تر است». بگو: «خدا، میان من و شما گواه است. و این قرآن بر من وحی شده تا بوسیله آن، شما و هر کس را که (این قرآن به او) می‌رسد هشدار دهم. آیا قطعاً شما گواهی می‌دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «گواهی نمی‌دهم». بگو: «او تنها معبود یگانه است؛ و مسلماً من نسبت به آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان مکه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: تو چه پیامبری هستی که احدی را با تو موافق نمی‌بینیم و حتی یهودیان و مسیحیان نیز بر اساس محتوای تورات و انجیل، به حقانیت تو

گواهی نمی‌دهند؟ پس حداقل کسی را به ما بنما که گواه رسالت تو باشد. «۱» این آیه و آیه‌ی بعد ناظر به این جریان‌اند و پاسخ آنان را می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از این آیه استفاده کرده‌اند که قرآن بزرگ‌ترین و بالاترین گواه صدق رسالت پیامبر است؛ و برخی دانشمندان، خاتمیت نبوت را نیز از این آیه استفاده کرده‌اند؛ زیرا تعبیرات آیه شامل تمام کسانی می‌شود که تا پایان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۱ این جهان به دنیا قدم می‌گذارند. «۱» ۲. تعبیر «کسانی که این سخن به آنها می‌رسد»، رسالت جهانی قرآن و دعوت همگانی آن را اعلام می‌کند؛ یعنی قرآن مخصوص نژاد یا زمان یا منطقه‌ی خاصی نیست. ۳. در آیه‌ی فوق فقط سخن از «هشدار قرآن به مردم» است و به «بشارت» اشاره نشده است؛ زیرا این آیه در برابر کسانی که در مخالفت با اسلام اصرار دارند، موضع‌گیری می‌کند. ۴. از احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که مقصود از ابلاغ قرآن، تنها رساندن عین متن آن به اقوام دیگر نیست، بلکه ترجمه‌ی آن به زبان‌های دیگر نیز مقصود آیه است. «۲» ۵. از آیه‌ی فوق این قاعده استفاده می‌شود که هر گاه قانونی به کسی ابلاغ شود، او در برابر آن مسئولیت دارد، اما وقتی حکمی به او نرسد، در برابر آن مسئولیتی ندارد (مگر آن که در فرا گرفتن آن حکم کوتاهی کرده باشد). ۶. پرسش و پاسخی که در پایان آیه در مورد گواهی به وحدانیت خدا مطرح شد، برای این نکته‌ی روانی است که مشرکان گمان نکنند تزلزلی در روحیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله حاصل شده است؛ و قاطعیت این گفتار، امید آنان را به کلی به یأس تبدیل می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا و قرآن گواه پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. ۲. رسالت قرآن، جهانی و برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و افراد است. ۳. به وسیله‌ی قرآن به مردم هشدار دهید (تا کج‌روی نکنند). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۵۲. ای رهبران الهی و مبلغان دینی! توحید و برائت از شرک را علناً اعلام کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی انعام با اشاره به شناخت اهل کتاب از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۲۰. الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاءَهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ کسانی که کتاب [الهی به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او:] محمد را می‌شناسند؛ کسانی که به خودشان زیان رسانده‌اند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق و آیات دیگر قرآن «۱» به این مطلب اشاره شده که یهودیان و مسیحیان بر اساس نویده‌های تورات و انجیل، از ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خصوصیات ایشان اطلاع داشتند، ولی این اطلاعات را پنهان می‌داشتند. «۲» ۲. انسان فرزندان خود را دقیق‌تر از دوستان و خویشاوندان و دیگر اعضای خانواده‌اش می‌شناسد؛ حتی روز تولد آنان را با تمام خصوصیات زمانی و مکانی می‌داند؛ از این رو در آیه فرمود: مثل شناخت فرزندان، پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌شناسند. ۳. خسارت‌هایی که به انسان می‌رسد اقسامی دارد؛ گاهی به مال، گاهی به خویشان و گاهی به جان انسان خسارت وارد می‌شود. بالاترین زیان آن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۳ است که انسان سرمایه‌ی وجودی خود را از دست بدهد و در مقابل، کمال و سودی به دست نیاورد. کافران دچار این زیان روحی و جانی شده‌اند؛ زیرا سرمایه‌ی عمر خود را آگاهانه از دست داده، ولی ایمان نیاورده و کمالی کسب نکرده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان و مسیحیان به حَقّایت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پی برده‌اند ولی حق‌پوشی می‌کنند. ۲. اگر می‌خواهید گرفتار خسارت روحی و جانی نشوید، ایمان آورید. ۳. چیزی را که شناختید انکار نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی انعام ستمکارترین مردم را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا نشانه‌های او را دروغ انگاشته است؟! برآستی که ستمکاران، رستگار نخواهند شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، با جمله‌ی «کسانی که بر خدا دروغ بسته‌اند»، به منکران توحید، یعنی مشرکان «۱» و با جمله‌ی «کسانی که آیات او را تکذیب کرده‌اند»، به منکران رسالت و نبوت اشاره می‌کند. ۲. شرک از سه جهت ظلم است: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۴ نخست، ستم بر ذات پاک خداست؛ زیرا جماد بی‌ارزش یا انسان ناتوان را همتای او قرار داده است. دوم، ستم بر خویشان است؛ زیرا ارزش و شخصیت وجود خود را تا سر حدّ پرستش سنگ و چوب پایین آورده است. و سوم، ستم بر اجتماع انسانی است؛ زیرا بر اثر شرک گرفتار تفرقه و پراکنندگی شده

است. ۳. قرآن کریم در پانزده مورد ظالم‌ترین مردم را معرفی کرده است «۱» که عبارت‌اند از: مشرکان، منکران آیات خدا و نبوت، منع کنندگان از یاد خدا در مسجدها کتمان کنندگان شهادت، روی گردانندگان از آیات پروردگار، و قوم نوح. اما در بیش‌ترین موارد، قرآن کسانی را ظالم‌ترین مردم معرفی کرده که بر خدا دروغ می‌بندند. اختلاف موارد و مصادیق ظالم‌ترین افراد، شاید به خاطر آن است که ریشه‌ی همه‌ی آنها به شرک برمی‌گردد، که انسان را به کتمان حق و منع از مساجد و روی گردانی از آیات الهی می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ‌پردازی در مورد خدا و نشانه‌های او ممنوع است. ۲. اگر رستگاری می‌طلبید، از ستمکاری نسبت به فرهنگ دینی دست بردارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۵ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی انعام، با اشاره به بازپرسی از مشرکان در قیامت، می‌فرماید: ۲۲. وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمْ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ [یاد کن روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم؛ سپس به کسانی که شرک ورزیدند، می‌گوییم: «کجا ایند شریک‌های شما، (همان) کسانی که همواره (شما آنان را شریکان خدا) می‌پنداشتید؟» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قیامت از عقیده‌ی انسان بازپرسی می‌کنند و او را در یک دادگاه علنی محاکمه می‌کنند؛ پس هر کس آماده‌ی پاسخ‌گویی در مورد عقاید خود باشد. ۲. از آن‌جا که مشرکان بت‌ها را یاور خود در مشکلات می‌دانستند و بیش‌ترین مشکلات مشرکان در قیامت است، جا دارد که بت‌ها کمک خود را در آن‌جا ظاهر کنند، ولی قرآن اشاره می‌کند که در رستاخیز هیچ کمکی از بت‌ها مشاهده نمی‌شود؛ پس شرک و شریک‌قایل شدن برای خدا، خیالی بیش نیست. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از آیه‌ی فوق شریک‌قایل شدن در ولایت علی علیه السلام است. «۱» روشن است که این‌گونه روایات به بطن و تأویل آیه اشاره دارد؛ یعنی با توسعه در معنای آیه، مصادیق جدیدی برای شرک بیان می‌کند؛ و یا اشاره دارد که عدم پذیرش ولایت علی علیه السلام، نافرمانی خدا و رسول صلی الله علیه و آله است و این مرتبه‌ای از شرک است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز، روز گردآمدن افراد و آشکار شدن ناتوانی معبودان مشرکان است. ۲. شرک، پنداری بیش نیست. ۳. برای بازپرسی رستاخیز آماده شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی انعام به پاسخ و پوزش مشرکان در قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. ثُمَّ لَمْ يَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ سپس عذرشان جز این نیست که می‌گویند: «سوگند به خدایی که پروردگار ماست، (ما) مشرک نبودیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از مجموع سخنان و دیدگاه‌های مفسران «۱» به دست می‌آید که مقصود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۷ از فتنه در آیه‌ی فوق، همان سخنان (انکار آمیز یا پوزش خواهانه‌ی) مشرکان است که برای نجات خود می‌گویند، ولی سودی ندارد. ۲. چگونه مشرکان در قیامت اجازه‌ی سخن گفتن و انکار شرک می‌یابند؟ مفسران قرآن در این مورد دو پاسخ داده‌اند: نخست آن‌که در قیامت مراحل وجود دارد؛ در مراحل نخست مردم اجازه‌ی سخن گفتن دارند و مشرکان می‌پندارند با دروغ‌گویی یا انکار و معذرت‌خواهی نجات می‌یابند، اما بعدها پرده‌ها کنار می‌رود و چاره‌ای جز اعتراف ندارند. این پاسخ در برخی از احادیث از امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است. «۱» دوم آن‌که آیه‌ی فوق در مورد کسانی است که واقعاً خود را مشرک نمی‌دانند؛ مانند مسیحیان که قایل به تثلیث هستند و در عین حال خود را موحد می‌دانند؛ و یا کسانی که دم از توحید می‌زنند، اما دستورات خدا و پیامبر را کنار گذاشته، ولایت اولیای الهی را انکار می‌کنند. به این احتمال دوم در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۸ البته هر دو جواب قابل قبول است و ممکن است آیه به هر دو گروه اشاره داشته باشد، ولی پاسخ دوم با آیه‌ی بعد سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در دادگاه رستاخیز، سوگند و فتنه‌گری (و اعتذار) کارساز نیست. ۲. مشرکان قبل از آن‌که رستاخیز فرا رسد، فکر چاره باشند (و دست از شرک بردارند). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی انعام با اشاره به دروغ‌گویی مشرکان می‌فرماید: ۲۴. انظروا كيف كذبوا على انفسهم واصل عنهم ما كانوا يفترون (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند، از (نظر) ایشان گم شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «نگاه کن» در این آیه، نگاه با دیده‌ی

خرد و عبرت‌آموزی است، نه نگاه با چشم و دیده‌ی حسی؛ زیرا صحنه‌های قیامت در دنیا قابل مشاهده نیست. ۲. مقصود از این که می‌فرماید: «آنان بر خودشان دروغ می‌بندند»، یا آن است که مشرکان در دنیا خود را فریب می‌دهند، و یا سخنان انکارآمیز مشرکان در قیامت است که سوگند یاد می‌کنند ما مشرک نبوده‌ایم، در حالی که مسلماً آنان مشرک بوده‌اند. البته معنای دوم با سیاق آیات تناسب بیش‌تری دارد. ۳. تکیه‌گاه‌های غیر الهی و شریک‌هایی که کافران برای خدا می‌گیرند، خیالی بیش نیست و در رستاخیز هنگامی که حقایق آشکار می‌شود، همه‌ی آن معبودان دروغین گم می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان در رستاخیز دچار دروغ‌پراکنی و خودفریبی می‌شوند. ۲. معبودان دروغین، پنداری و گم‌شدنی‌اند. ۳. به حالات منافقان و ناکامی آنان بنگرید و عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی انعام به لجاجت و دشمنی برخی مشرکان با پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأُولِينَ و برخی از آنان کسانی هستند که به (سخنان) تو، گوش فرا می‌دهند؛ در حالی که بر دل‌های آنان پرده‌هایی افکنده‌ایم. تا آن را بطور عمیق نفهمند؛ و در گوش‌های آنان، سنگینی [قرار داده‌ایم]. و اگر هر نشانه [معجزه وار] را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ حتی هنگامی که نزد تو می‌آیند با تو جدال می‌کنند؛ کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «این [قرآن جز افسانه‌های پیشینیان نیست!]» شأن نزول: حکایت کرده‌اند که ابوسفیان با گروهی از مشرکان در کنار کعبه به تلاوت قرآن پیامبر گوش می‌دادند. به «نضر بن حارث» (داستان سرای مشهور) گفتند: چه می‌خواند؟ گفت: به خدای کعبه نمی‌فهمم چه می‌خواند، ولی چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست، که مشابه آنها را برای شما گفته‌ام. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن کریم قصه‌ها و داستان‌هایی آمده که همه واقعی‌اند «۱» و بسیاری از آنها شواهد تاریخی و حتی باستان‌شناسی دارند؛ ولی مشرکان به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند که او اسطوره می‌گوید. «۲» ۲. از آن‌جا که خدا علت‌العلل است و همه‌ی چیزها در نهایت به او ختم می‌شود، پرده افکندن «۳» بر دل «۴» و گوش به خدا نسبت داده شده است، و گر نه این امور نتایج اعمال خود انسان است؛ در اثر کج روی و لجاجت، روح انسان هم‌چون آینه‌ی موج‌داری می‌شود که همه چیز را کج نشان می‌دهد. ۳. مقصود از «پرده» بر قلب و گوش انسان، آن است که تعصب‌های کورکورانه‌ی جاهلی و پیروی از هوس‌ها، هم چون پوششی بر عقل و خرد آدمی چیره می‌شود، به گونه‌ای که نه حقیقتی را می‌شنود و نه درک صحیحی از مسائل و قرآن دارد. در حقیقت این یکی از آثار و مجازات‌های اصرار بر گناه است که دامان گناهکاران لجوج را می‌گیرد. عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز حرفی که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا ۴. چون مشرکان با موضع‌گیری قبلی و با دید منفی و با قصد مجادله و خرده‌گیری با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات می‌کردند، از هدایت او بی‌بهره می‌شدند، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۱ در حالی که اگر به قصد حقیقت‌جویی و بهره‌گرفتن از نور آن حضرت شرف‌یاب حضور ایشان می‌شدند، حتماً هدایت می‌یافتند. ۵. برخی از مشرکان حقایق را نمی‌فهمند، اما همه‌ی مشرکان این گونه نیستند و نباید از هدایت آنها مأیوس باشیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام حقایق را به درستی درک نمی‌کنند؛ از این رو ایمان نمی‌آورند. ۲. منتظر بحث و جدل کافران و مقابله‌ی آنان با قرآن باشید. ۳. انتظار نداشته باشید هر کس مطالب حق را شنید ایمان آورد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی انعام به قرآن‌گریزی و قرآن‌ستیزی مشرکان و فرجام هلاکت بار آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْتَوْنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ و آنان (مردم را) از آن منع می‌کنند؛ و (خود نیز) از آن دوری می‌کنند، و جز خودشان را هلاک نمی‌کنند؛ و [لی با درک حسی متوجه نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان، نه تنها قرآن را اسطوره می‌خوانند، بلکه از آن دوری می‌جویند و مردم را از فهم و عمل بدان منع می‌کنند ولی متوجه نیستند که جز به خودشان زیان نمی‌رسانند. یکی بر سر شاخ بن می‌برید خداوند بستان نگه کرد و دید بگفتا گر این مرد بد می‌کند نه با من که با نفس خود می‌کند (سعدی) ۲. مشرکان متوجه نمی‌شوند که

قرآن‌ستیزی و قرآن‌گریزی آنان موجب هلاکت خودشان را فراهم می‌سازد؛ آنان با این کار خود را از برنامه‌ای تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۲ سعادت‌بخش محروم می‌سازند و فرجامی عذاب‌آلود برای خود فراهم می‌کنند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان همواره در راه کارشکنی و بازداشتن مردم از قرآن تلاش می‌کنند. ۲. دوری از قرآن موجب هلاکت انسان است. ۳. قرآن‌گریز و قرآن‌ستیز نباشید که هلاک می‌شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۳ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی انعام به آرزوی مشرکان برای برگشت به دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ قَبَالُوا يَلَيْتْنَا نَرُدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بَيَّاتٍ رَبَّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و اگر (بر فرض، حال مشرکان را) می‌دید، هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) بازداشت شده‌اند و می‌گویند: «ای کاش (بار دیگر، به دنیا) باز گردانده می‌شدیم، و نشانه‌های پروردگاران را دروغ نمی‌انگاشتم و از مؤمنان می‌شدیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به مشرکان کافر هشدار می‌دهد که حالات خود را در رستاخیز به یاد آورید که در برابر آتش دوزخ قرار می‌گیرید، در حالی که پشیمان شده، تقاضای بازگشت به دنیا و جبران گناهانتان را می‌کنید ولی سودی ندارد؛ پس تا فرصت باقی است، ایمان آورید و دست از تکذیب‌گری بردارید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ انگاشتن نشانه‌های الهی، موجب پشیمانی در رستاخیز است. ۲. مخالفان دین، تا فرصت دنیا باقی است ایمان آورند، و گرنه گرفتار آتش می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی انعام به بیداری زودگذر و دروغ‌گویی مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۴ (ولی در واقع چنین نیست) بلکه آنچه را پیش از [این همواره پنهان می‌کردند، برای آنان آشکار شده؛ و اگر (بر فرض به دنیا) باز گردانده شوند، حتماً به آنچه که از آن منع شده بودند بر می‌گردند؛ و قطعاً که آنان دروغ‌گویانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان دچار فریب وجدان و خودفریبی و مخفی کردن حقایق از خویش شده‌اند. آنان برخی حقایق را نه تنها از مردم، بلکه از خود نیز مخفی می‌دارند تا آرامش کاذبی پیدا کنند، اما در عرصه‌ی قیامت این حقایق آشکار می‌شود. ۲. مقصود از دروغ‌گو بودن مشرکان در «آرزوی بازگشت به دنیا»، آن است که آنان با این آرزوی‌شان، از «تصمیم خود به ایمان آوردن و تکذیب نکردن» خبر می‌دهند. این مفهوم آرزوی آنان است که دروغ است؛ «۱» چون کارهای گناه‌آلود مشرکان شیوه و خلق و خوی آنان شده است به طوری که نمی‌توانند از آن دست بردارند، حتی اگر به دنیا برگردند. ۳. مشرکان هنگامی که نتایج اعمال خودشان را می‌بینند، موقتاً ناراحت و پشیمان می‌شوند و آرزو می‌کنند که بتوانند به دنیا بازگردند و جبران کنند، اما اگر به دنیا بازگردند، همین که مشاهدات عینی‌شان کنار رفت، وضع سابق تکرار می‌شود و به همان کارها بازمی‌گردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در قیامت رازها کشف می‌شود و حتی خودفریبی‌ها روشن می‌شود. ۲. برگشتن از رستاخیز به دنیا محال است «۲» (پس هر چه تلاش دارید در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۵ همین دنیا بکنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی انعام به انکار معاد توسط مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. وَقَالُوا إِنَّا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ و گفتند: «این، جز زندگی پست (دنیا)ی ما نیست؛ و ما برانگیخته نخواهیم شد!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد این آیه دو احتمال داده‌اند: نخست آن که آیه‌ی فوق ادامه‌ی آیه‌ی قبل باشد که مشرکان اگر به دنیا باز گردند اعمال گذشته را تکرار می‌کنند و می‌گویند: زندگی فقط همین حیات دنیا است. و دوم آن که آیه‌ی فوق یک مطلب جدید باشد و حال مشرکان را بیان می‌کند که هم اکنون در دنیا معاد را انکار می‌کنند. «۱» در هر صورت، آیه‌ی فوق بیان حال مشرکان است و سخنان آنان را در مورد انکار معاد در دنیا بیان می‌کند. ۲. مشرکان، منکر رستاخیزند و زندگی را منحصر به دنیا می‌دانند، «۲» اما قرآن کریم انسان را محدود به زندان تن و زندگی پست دنیا نمی‌داند و برای او چند نوع حیات قایل است؛ مثل: حیات دنیا، حیات برزخی و حیات ابدی در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۶ رستاخیز که هر کدام دلیل و منطق خاص خود را دارد «۱».

آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک انسان را به انکار معاد می‌کشاند. ۲. هم‌چون مشرکان، زندگی را محدود به دنیا ندانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی انعام به سرنوشت مشرکان در رستاخیز و اقرار آنان به حقایق معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. وَلَوْ تَرَىٰ

إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ و اگر (بر فرض حال مشرکان را) به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند ببینی، [خدا] گوید: «آیا این حق نیست؟» می‌گویند: «آری، سوگند به پروردگاران (که حق است!)» [خدا] گوید: «پس بخاطر اینکه همواره کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در رستاخیز همه چیز به صورت عینی مشاهده می‌شود و حقیقت دوزخ و بهشت ملموس می‌گردد؛ از این رو مشرکان نیز به حَقَّقَاتِ معاد اقرار می‌کنند، ولی آن روز دیر است و ایمان و اقرار سودی ندارد و روز حساب و مجازات کافران است. ۲. مقصود از «ایستادن در برابر پروردگار»، ایستادن در برابر صحنه‌های مجازات اوست و یا کنایه از حضور در دادگاه الهی «۲» و یا کنایه از اطلاع و آگاهی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۷ از پروردگار است، «۱» نه آن که خدا مکانی دارد و در مقابل آن می‌ایستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز قاضی و بازپرس، خود خداست. ۲. مشرکان در قیامت به حَقَّقَاتِ معاد اقرار می‌کنند، اما دیگر سودی به حال آنان ندارد (پس تا دیر نشده در همین جهان به فکر چاره باشند). ۳. کفر زمینه‌ساز عذاب است. ۴. اگر می‌خواهید از عذاب الهی نجات یابید، دست از کفر و انکار معاد بردارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی انعام به زیانکاری و سخنان حسرت‌آلود منکران معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱. قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرُونَ عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ مسلماً کسانی زیان کردند که ملاقات خدا را دروغ انگاشتند تا هنگامی که ناگهان ساعت [قیامت] به آنان در رسد، گویند: «ای افسوس بر ما، در باره آنچه در آن کوتاهی کردیم!» و آنان بارهای سنگین (گناهان) شان را بر دوششان می‌کشند؛ آگاه باشید! چه بد است آنچه را که بر دوش می‌کشند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «ملاقات خدا» یا ملاقات معنوی است، یا ایمان شهودی (باطنی) و یا کنایه از ملاقات صحنه‌های رستاخیز و پاداش و جزاست. ۲. مقصود از «ساعة» روز قیامت است. سبب نام‌گذاری قیامت به «ساعة»، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۸ یا آن است که حساب‌رسی مردم در آن‌جا به سرعت انجام می‌گیرد، و یا آن است که وقوع قیامت، ناگهانی و برق‌آسا است و در ساعتی، همه‌ی مردم از جهان برزخ به عالم رستاخیز منتقل می‌شوند. «۱» ۳. واژه‌ی «حسرت» به معنای تأسف برای از دست دادن چیزی است، «۲» ولی عرب‌ها هنگام تأثر شدید، حسرت خود را مخاطب قرار می‌دهند، آن‌چنان که گویی حسرت در مقابل آنان مجسم شده است. قرآن این تعبیر مشرکان را حکایت کرده تا شدت تأسف آنان را بنماید. ۴. گناهان انسان در رستاخیز هم‌چون باری بر دوش او سنگینی می‌کند؛ «۳» چرا که دست‌آورد خود اوست و از وی جدا نمی‌شود. برخی از مفسران، تعبیر «بر دوش کشیدن گناهان» را دلیل تجسم اعمال در قیامت دانسته‌اند. «۴» ۵. منکران معاد گرفتار خسران و زیان می‌شوند؛ زیرا ایمان به معاد انسان را آماده‌ی زندگی سعادت‌مند می‌کند و او را به کسب کمالات علمی و عملی سوق می‌دهد و تأثیرات سازنده‌ای برای انسان دارد، اما کسانی که به معاد ایمان ندارند از این کمالات محروم می‌شوند. آری؛ کسانی که قیامت را نمی‌پذیرند، هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده‌اند و این بزرگ‌ترین خسارت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انکار معاد، یکی از عوامل زیانکاری انسان‌ها در رستاخیز است. ۲. قیامت ناگهان فرا می‌رسد (و کسی از زمان وقوع آن باخبر نیست؛ پس باید آمادگی لازم را برای آن روز کسب کنیم). ۳. رستاخیز روز حسرت است؛ پس قبل از آن که گرفتار حسرت شوید، به تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۹ فکر چاره باشید. ۴. در دنیا کوتاهی نکنید تا در رستاخیز گرفتار زیانکاری و حسرت نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی انعام با فراخواندن به خردورزی، دنیا را بازیچه معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ و زندگی پست (دنیا) جز بازی و سرگرمی نیست! و حتماً سرای آخرت، برای کسانی که خود نگهداری می‌کنند بهتر است! پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تشبیه زندگی دنیا به بازی و سرگرمی، «۱» از آن نظر است که بازی‌ها و سرگرمی‌ها معمولاً کارهای بی‌هدف و بی‌اساس و دور از متن حقیقی زندگی‌اند و پیروزی‌ها و شکست‌های بازی، واقعی نیست و پس از بازی همه چیز به حالت اول بازمی‌گردد. آری؛ دنیا هم‌چون نمایش‌نامه‌ای است که بازیگران آن، مردم هستند و آنان که به دنیا دل

بسته‌اند، در واقع کودکان هوس‌بازی هستند که عمری را به بازی گذارنده، از همه چیز بی‌خبر مانده‌اند. دنیا و بازی هر دو کوتاه‌مدت و زود گذرند، همان‌گونه که هر دو تفریح و خستگی دارند و با تلخی و شیرینی آمیخته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۰. سرای آخرت، برای افراد پارسا و خودنگه‌دار بهتر است؛ زیرا حیاتی جاویدان و فناپذیر و در جهانی وسیع‌تر و در سطحی بالاتر است که نعمت‌هایش خالص و بدون رنج و زحمت است. سرای آخرت آباد کن به حُسن عمل که اعتماد بقا را نشاید این بنیان بس اعتماد مکن بر دوام دولت و عمر که دولتی دگرت در پی است جاویدان (سعدی) ۳. با توجه به فریبندگی دنیا، حقیقت برتر آخرت را فقط متفکران درمی‌یابند و افراد غافل و بی‌هدف بازی می‌کنند و دنیامداری را شغل خویش قرار می‌دهند. ۴. مقصود آیه‌ی فوق مبارزه با وابستگی و دل‌بستگی به مظاهر جهان مادی است که موجب فراموش کردن مقصد نهایی می‌شود، و گر نه آنان که دنیا را وسیله‌ای برای سعادت اخروی قرار می‌دهند، در حقیقت به دنبال آخرت‌اند «۱» آری، دنیایی که مقدمه و مزرعه‌ی آخرت باشد، میدان رشد افراد با تقواست و آخرت برای این‌گونه افراد نیکوست. «۲» چیست دنیا؟ از خدا غافل شدن نه قماش و نقده و میزان و زن (مولوی) ۵. به دنیا دل نبندیم و در اندیشه‌ی آخرت باشیم: امام عارفان در این مورد می‌نویسد: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۱ دامن همت به کمر زن و هر قدر توانی بستگی دل را از این دنیا کم کن و ریشه‌ی محبت را سست کن و این زندگی چندروزه را ناچیز شمار. «۱» من عجالتاً برای جناب عالی فرض می‌کنم در حال خیال - که مایه ندارد - صد و پنجاه سال عمر و فراهم بودن تمام بساط شهوت و غضب و شیطنت و فرض می‌کنم که هیچ ناملامی هم برای شما پیش آمد نکند و هیچ چیز بر خلاف مقصد شما نشود، آیا بعد از این مدت کم، کم مثل باد می‌گذرد، عاقبت شما چیست؟ آیا از این لذات چه ذخیره‌ای کردید برای زندگی همیشگی خود؟ «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیای منهای آخرت بازچه‌ای بیش نیست (که انسان را سرگرم می‌کند و از هدف نهایی بازمی‌دارد). ۲. تقوا و خودنگه‌داری زمینه‌ی استفاده از نعمت‌های اخروی است. ۳. تفکر کنید تا به حقیقت و فواید دنیا و آخرت پی ببرید. ۴. اگر می‌خواهید بازی نخورید، دل به دنیای فانی و پست نبندید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی انعام به پیامبر اسلام دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۳۳. قَدْ نَعَلْمُ إِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِنِآيَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۲ یقین می‌دانیم که آنچه می‌گویند، تو را سخت اندوهگین می‌کند؛ و [لی در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند؛ و لیکن ستمگران نشانه‌های خدا را انکار می‌نمایند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد تعبیر «آنان تو را تکذیب نمی‌کنند»، مفسران قرآن چند احتمال داده‌اند: الف) مقصود از تعبیر فوق آن است که هدف اصلی مشرکان در حقیقت انکار آیات و نشانه‌های خداست، نه تکذیب تو؛ پس ناراحت مباش. ب) مقصود از تعبیر فوق آن است که مخالفان پیامبر در حقیقت به صدق و راستی او معتقدند و نبوت پیامبر را تکذیب نمی‌کنند، هر چند به خاطر حفظ منافعتشان در مقابل حق تسلیم نمی‌شوند. البته ممکن است هر دو معنا مورد نظر باشد و جمع آنها منافاتی ندارد. ۲. شواهد تاریخی زیادی در تاریخ اسلام وجود دارد که مخالفان سرسخت اسلام، هم‌چون ابوجهل و ابوسفیان، در باطن در مورد صدق و راستی پیامبر شک نداشتند و حتی گاهی شبانه و مخفیانه به آیات دل‌انگیز قرآن گوش می‌دادند و آن را تحسین می‌کردند و حتی در مجالس خصوصی به حقایق پیامبر اعتراف داشتند، اما منافع مادی و حفظ مقام، مانع ایمان آوردن آنها می‌شد. «۱» ۳. اندوه انسان در برابر مشکلات، امری طبیعی است و حتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پیش آمده است، ولی مهم آن است که این اندوه، روح یأس و ناامیدی را بر انسان مسلط نکند. ۴. از این آیه می‌آموزیم که لازم است رهبران و افرادی را که در مقابل تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۳ دشمنان، مظلوم واقع شده و دل شکسته شده‌اند، دل‌داری داد و تشویق کرد؛ این نوعی حمایت از مظلوم است. ۵. کسانی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند ستمگرند؛ چرا که به خود ظلم کرده، خودشان را از هدایت محروم کرده‌اند؛ به رسول خدا نیز ستم کرده و او را ناراحت نموده‌اند؛ و به جامعه و نسل آینده و مکتب و دین نیز ستم کرده‌اند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف اصلی دشمنان اسلام، مخالفت با آیات الهی است (نه با شخص رهبر). ۲. انکار آیات و نشانه‌های الهی، ستم (به خویش و جامعه) است. ۳. رهبران الهی در هنگام

هجوم ناراحتی‌ها و تکذیب‌ها، به احاطه‌ی علمی خدا توجه کنند (تا آرام شوند). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی انعام با یادآوری مشکلات پیامبران، به سنت الهی در مورد پیروزی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصِيرُنَا وَلَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَةِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَّبِيِّ الْأُمُوسِيِّينَ وَبِيقِينِ فَرَسْتَادِ كَانِيِ بِيْشِ از تو (نیز) تکذیب شدند؛ و بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند، تا هنگامی که یاری ما به آنان رسید. و هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) خدا نیست؛ و بیقین برخی خبر [های بزرگ فرستادگان [خدا]] به تو رسیده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به این اصل کلی اشاره می‌کند که همیشه رهبران صالح اجتماع که برای هدایت مردم طرح‌های سازنده می‌آورند و با سنت‌های غلط جامعه مبارزه می‌کنند، با مخالفت سرسختانه‌ی گروهی سودجو و زورگو روبه‌رو می‌شوند که به خاطر حفظ منافع خود در مقابل مکتب جدید ایستادگی می‌کنند و به هر نوع حربه‌ای، مثل تکذیب، تهمت، محاصره‌ی اقتصادی، شکنجه و قتل و غارت دست می‌یازند؛ پس این شیوه‌ی جدیدی در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و رهبران الهی نیست. ۲. در آیه‌ی فوق به این قانون و سنت الهی نیز اشاره شده که «حقیقت»، با جاذبه‌ای که دارد، سرانجام خاها را از سر راه برمی‌دارد و مردان الهی در نهایت پیروز می‌شوند، اما شرط اساسی این پیروزی صبر و استقامت است. آری، از نظر قرآن، آینده‌ی جریان حق، روشن و نویدبخش است. ۳. واژه‌ی «کلمات» در اصل به معنای تأثیری است که با چشم و گوش درک می‌شود، سپس توسعه می‌یابد و علاوه بر الفاظ، شامل معانی هم می‌شود و حتی به عقیده، مکتب، روش و سنت نیز «کلمه» گفته می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی نباید انتظار داشته باشند که همه ایمان بیاورند و آزار ندهند، چرا که راه حق هیچ‌گاه هموار نبوده است. ۲. مردان الهی در برابر تکذیب‌گری و دگرآزاری مخالفان دین استقامت کنند که پیروزی نهایی از آن مردان خداست. ۳. با مطالعه‌ی تاریخ پیامبران پیشین عبرت بگیرید و درس شکیبایی بیاموزید. ۴. حق پیروز است، اما شرط آن صبر و تحمل مشکلات است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۵. ۵. قوانین اجتماعی و سنت‌های الهی تغییرناپذیرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی انعام با اشاره به لجاجت مشرکان، پیامبر صلی الله علیه و آله را به آرامش فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۵. وَإِنْ كَانِ كَبْرٌ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اِسْتِطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِي نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَيْلًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِئَاتِيَةٌ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَمَّا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ وَ اِغْرَىٰ رُؤْيِ الْاِنَانِ بِرِ تُو سَنَكِينِ اِسْتِ، پَس اِگَرِ مِي تُوَانِي رِخْنَه‌اِي دَرِ زَمِينِ، يَا نَرْدَبَانِي دَرِ اَسْمَانِ جَسْتَجُو كَنِي. وَ نَشَانَه‌اِي (مَعْجَزَه‌وَارِ) بَرِ اِي اِنَانِ بِيَاوَرِي (پَس چنين كن!) وَ اِگَرِ (بَرِ فَرَضِ) خُدَا مِي خَوَاسْتِ، حَتْمًا اِنَانِ رَا بَرِ هِدَايَتِ جَمْعِ اَوَرِي مِي كَرْدِ؛ پَس هَر كَزِ اَزِ نَادَانَانِ مَبَاشْ! شَأْنِ نَزُولِ: حِكَايَتِ شُدِه كِه پِيَاْمَبَرِ صَلِي اِلله عَلَيْهِ وَ اَلِهْ عِلَاقَه دَاشْت كِه حَرْثِ بِنِ عَامِرِ بِنِ نَوْفَلِ مَسْلَمَانِ شُود وَ دَرِ اِيْنِ مَوْرِدِ تَلَاَشِ زِيَادِي مِي كَرْدِ، وَلِي اُو بَدِ عَاقِبَتِ شُد. آيَه‌ي فَوْقِ دَرِ اِيْنِ بَارَه نَازِلِ شُد. «نَکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به شدت ناراحت وضع مشرکان بود و علاقه داشت که با هر وسیله‌ای شده آنها را نجات دهد و به صف مؤمنان بکشد، «۲» به طوری که اگر می‌توانست از راه‌های زیرزمینی یا آسمانی برای این منظور استفاده می‌کرد. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۶ ولی خدا در آیه‌ی فوق به ایشان آرامش و دل‌داری می‌دهد و یادآوری می‌کند که کوشش‌های تو در برابر مشرکان لجوج به جایی نخواهد رسید؛ پس ناراحت نباش و کارهای جاهلانه نکن. «۱» ۲. اگر خدا بخواهد، می‌تواند همه را به هدایت مجبور سازد، اما ایمان اجباری بی‌هوده است و با فلسفه‌ی آفرینش و تکامل اختیاری بشر سازگاری ندارد و اگر همه‌ی مردم با اجبار ایمان بیاورند و آزادی اراده‌ی انسان نادیده انگاشته شود، ارزش افراد روشن نمی‌شود و راست‌گو و دروغ‌گو، و مؤمن و کافر با هم برابر خواهند بود. آری، خدا می‌تواند همه‌ی مردم را به اجبار هدایت کند، اما حکمت او اقتضا می‌کند که انسان آزاد باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هیچ نقصی در آموزه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و کوشش‌های هدایت‌گرانه‌ی ایشان نیست (بلکه نقص از ناحیه‌ی مشرکان است که در برابر حق لجاجت می‌کنند). ۲. ای رهبران الهی و مبلغان دینی وقتی وظیفه‌ی تبلیغی خود را در حد توان انجام داده‌اید از روی گردانی مردم ناراحت نباشید. ۳. خدا هدایت

اجباری مردم را نمی‌خواهد؛ پس بیش از اندازه‌ی متعارف تلاش نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی انعام به مردگان زنده‌نما اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۶. إِنَّمَا يَشْتَجِبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرند که گوش شنوا دارند؛ و [لی مردگان را خدا (در قیامت) ایشان را بر خواهد انگیخت؛ سپس فقط به سوی او، باز گردانیده می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «مردگان» در این آیه، مردگان معنوی است، نه جسمانی؛ آری، انسان‌ها دو نوع مرگ و حیات دارند: مادی و معنوی. حیات مادی، مشترک بین انسان و حیوانات، اما حیات معنوی مخصوص انسان است. قرآن کریم بر حیات معنوی انسان‌ها تأکید می‌کند؛ زیرا این زندگی معنوی و انسانی است که مسئولیت‌پذیری، بیداری، آگاهی و احساس دردهای اجتماعی را به دنبال می‌آورد. «۱» از این رو به برخی افراد زنده که چشم و گوش ظاهر دارند، نابینا و ناشنوا و مرده گفته می‌شود؛ چرا که مثل یک انسان زنده، در برابر حقایق از خود واکنش نشان نمی‌دهند. هر آن کس که درین حلقه نیست زنده به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید (حافظ) ۲. افرادی که بر گناه و عقاید انحرافی اصرار می‌ورزند، به مرحله‌ی مرگ معنوی و نابینایی و ناشنوایی معنوی می‌رسند؛ زیرا انسان‌هایی که چشم جان خود را بر حقایق می‌بندند، به تدریج قدرت دید معنوی خویش را از دست می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۷۸. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تسلی و دل‌داری می‌دهد که مردم دو گروه‌اند، شما به دنبال هدایت زنده‌دلان باش و مردگان زنده‌نما را به قیامت و خدا واگذار کن. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شنیدن (و پذیرفتن) حق از نشانه‌های حیات معنوی و زنده‌دلی است. ۲. هر کس حق‌پذیر نیست و حیات معنوی ندارد، در حقیقت مرده‌ای متحرک و زنده‌نماست. ۳. سخن (حق) را بشنوید (و بپذیرید) تا حیات واقعی و معنوی پیدا کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۷. وَقَالُوا لَوْ لَأُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ و گفتند: «چرا نشانه (معجزه‌واری) از طرف پروردگارش بر او فرو فرستاده نمی‌شود؟!» بگو: «درحقیقت خدا تواناست بر اینکه نشانه‌ای فرود آورد؛ ولیکن بیش‌تر آنان نمی‌دانند!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از سران قریش، وقتی از معارضه با قرآن عاجز شدند، خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: این‌ها فایده ندارد، اگر راست می‌گویی معجزاتی همانند عصای موسی و شتر صالح برای ما بیاور. آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد «۱». تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیشنهاد مشرکان و درخواست معجزه‌ی جدید نوعی بهانه‌جویی بود و دلایل و شواهد زیر این مطلب را تأیید می‌کند: نخست آن که قرآن به عنوان یک معجزه‌ی جاویدان بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و بارها آنان را به مبارزه دعوت کرده بود، اما آنها اعتنا نکردند و این پیشنهاد از طرف سران قریش و برای تحقیر و نادیده انگاشتن قرآن مطرح شده بود. دوم آن که مشرکان انسان‌های لجوجی بودند که اگر معجزات مکرری هم برای آنان نازل می‌شد، باز بهانه‌جویی کرده، آن را سحر می‌خواندند و به آن ایمان نمی‌آوردند. قرآن در برخی آیات به این مطلب اشاره کرده است. «۱» سوم آن که طبق تواریخ و احادیث اسلامی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آیات و خوارق عادات مختلفی داشت «۲»؛ پس درخواست مجدد مشرکان در این مورد بهانه‌ای بیش نبود. ۲. اگر معجزات درخواستی مشرکان محقق می‌شد، حجت تمام می‌شد و در صورتی که ایمان نمی‌آوردند، همگی گرفتار عذاب الهی می‌شدند؛ از این رو در پایان آیه اشاره شده که اکثر مشرکان (عواقب و لوازم این درخواست را) نمی‌دانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۰. ۱. مخالفان اسلام بهانه‌جویی می‌کنند (و با وجود قرآن) معجزه می‌طلبند، ولی از قدرت خدا و پیامد این بهانه‌تراشی‌ها آگاه نیستند. ۲. به بهانه‌جویی‌های مشرکان پاسخ منفی دهید (اگر چه قدرت بر انجام آنها داشته باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی انعام به وجود امت‌هایی در بین حیوانات و رستخیز آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۸. وَمِمَّا مِنْ دَابَّهِ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ نَعْمَ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، و هیچ پرنده‌ای که با دو بالش پرواز می‌کند، مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند؛ (ما) هیچ چیز را در کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس

(همگی) فقط به سوی پروردگارشان گردآوری خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حیوانات «۱» و پرندگان «۲» امت‌هایی «۳» همانند انسان‌ها دارند. در مورد وجه این همانندی و شباهت مفسران احتمالات متعددی داده‌اند؛ از جمله گفته‌اند: الف) از جهت اسرار شگفت‌انگیز خلقت با هم شباهت دارند. ب) از جهت نیازمندی‌های زندگی با هم شباهت دارند. ج) از جهت درک و فهم با هم شباهت دارند؛ یعنی آنان نیز در عالم خود با شعور هستند و خدا را می‌شناسند و به اندازه توانایی خود او را تسبیح تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۱ می‌گویند. «۱» البته ممکن است همه‌ی این احتمالات مقصود آیه باشد و جمع آنها با هم منافاتی ندارد. ۲. از ظاهر آیه‌ی فوق و آیات دیگر قرآن «۲» استفاده می‌شود که حیوانات نیز مثل انسان در قیامت گردآوری شده و محشور «۳» می‌شوند «۴» و حتی جزا و کیفر دارند. البته در برخی احادیث نیز آمده است «۵». که خدا در قیامت میان حیوانات داوری می‌کند و ستمکاری برخی از آنان را قصاص می‌کند. ۳. در آیات زیادی از قرآن مطالبی آمده که بر فهم و شعور برخی حیوانات دلالت دارد؛ مثل سخن گفتن مورچگان در برابر سلیمان، «۶» خبرنگاری هُدهد برای سلیمان «۷» و محشور شدن وحوش. «۸» البته فهم و تربیت برخی حیوانات و وفاداری آنان و شواهد تجربی دیگر، دلیل وجود مرتبه‌ای از شعور در حیوانات است. ۴. مراتب تکلیف در انسان و حیوان بر اساس مراتب شعور و درک آنهاست؛ یعنی حیوانات هم به اندازه‌ی شعور باطنی خود مسائل معینی را تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۲ درک می‌کنند و به همان اندازه هم مسئول هستند. آری، بلوغ و عقل، شرط اساسی تکلیف در مرحله‌ی عالی و کامل آن است، اما در مراحل پایین‌تر، مثل گناهمانی که زشتی‌اش برای کودکان و حیوانات نیز قابل درک است، بلوغ و عقل کامل شرط نیست. ۵. آیه‌ی فوق می‌تواند این هشدار را به مشرکان منکر قیامت بدهد که خدایی که امت‌های حیوانات را آفرید و برای آنان حشر و قیامت قرار داد، چگونه برای شما قرار نمی‌دهد؟! ۶. ممکن است مقصود از واژه‌ی «کتاب» در آیه‌ی فوق، قرآن باشد؛ یعنی تمام کلیات امور مربوط به هدایت و تکامل انسان در قرآن وجود دارد؛ همان‌طور که برخی احکام جزئی نیز در آن آمده است. «۱» و ممکن است مقصود از کتاب، «جهان هستی» باشد؛ یعنی جهان هستی همانند کتاب بزرگی است که همه چیز در آن آمده است «۲». و احتمال سوم آن است که منظور از کتاب لوح محفوظ (علم الهی) باشد؛ «۳» ولی مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نظم و نظام زندگی اجتماعی و حشر قیامت، در حیوانات نیز وجود دارد. ۲. رستاخیز را منکر نشوید؛ که حیوانات نیز رستاخیز دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۳ قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی انعام به گمراهی منکران و اختیار خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُغْمٌ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضِلَّهُ وَمَنْ يَشَأْ يُجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، ناشنویان و گنگ‌هایی هستند که در تاریکی‌ها [قرار دارند]. خدا هر کس را بخواهد (بخاطر کارهای او)، گمراهش می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، بر راه راست قرارش خواهد داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌ها همان‌طور که دارای گوش و چشم جسمانی و طبیعی هستند، گوش و چشم معنوی نیز دارند. گاهی انسان به صورت طبیعی می‌شنود، اما حقایق را درک نمی‌کند؛ یعنی افراد خودخواهی که در تاریکی خودپرستی و لجاجت و جهل غوطه‌ور شده‌اند، نمی‌توانند حقایق را بشنوند و بفهمند و از گوش معنوی محروم‌اند. بر عکس، گاهی افراد گوش طبیعی ندارند، اما حقایق را به خوبی درک می‌کنند و نور معنوی آنان را احاطه کرده است. ۲. برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از افراد ناشنوا در آیه‌ی فوق، مقلدانی هستند که بدون چون و چرا از رهبران گمراه خویش تبعیت می‌کنند و مقصود از افراد گنگ، همان رهبران گمراهی هستند که حقایق را درک می‌کنند، اما برای حفظ موقعیت خویش، مهر سکوت بر لب زده‌اند. «۱» ۳. در برخی احادیث، آیه‌ی فوق را بر تصدیق کنندگان و تکذیب کنندگان اوصیا (پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی ائمه علیهم السلام) تطبیق کرده‌اند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۴ روشن است که این‌گونه احادیث از باب تعیین مصداق «آیات» است. ۴. با توجه به آیات دیگر قرآن «۱» مقصود از جمله‌ی «خدا هر که را بخواهد گمراه یا هدایت می‌کند»، جبر نیست، بلکه اشاره به پیامد کردار نیک و بد انسان است؛ یعنی اعمال زشت، چشم حقیقت‌بین انسان را نابینا و گوش او را ناشنوا می‌سازد و در تاریکی جهل و کفر

سرگردان و گمراهش می‌کند. اما بر عکس، کارهای نیک سبب نورانیت و روشنایی دل و جان انسان می‌شود و موجب می‌شود که او حقایق را درک کند و به هدایت و راه مستقیم برسد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر و انکار آیات الهی، مانع حق‌شنوی و حق‌گویی می‌شود. ۲. اگر می‌خواهید در تاریکی (جهل و کفر) گرفتار نشوید، آیات الهی را انکار نکنید. ۳. خدا آزاد است و شما را (براساس اعمالتان) هدایت یا گمراه می‌سازد. *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم و یکم سوره‌ی انعام به خداشناسی فطری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰ و ۴۱. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنْتُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَنْتُمْ السَّاعَةُ أَغَيَّرَ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۵ بگو: «آیا ملاحظه کردی، اگر عذاب الهی به سراغ شما آید، یا ساعت (قیامت) به شما در رسد؛ آیا (کسی) غیر خدا را می‌خوانید؟! اگر راست‌گویی (پس غیر خدا را بخوانید).» * بلکه تنها او را می‌خوانید! و اگر [خدا] بخواهد، آنچه را به خاطر آن (او را) خوانده‌اید، برطرف می‌سازد؛ و آنچه را شریک [خدا] قرار می‌دهید، فراموش می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه خطاب به مشرکان است، اما روح معنای آیه برای همه‌ی انسان‌ها قابل تجربه است. انسان در هنگام مرگ یا در حوادث شدید «۱» همه چیز را فراموش می‌کند و در قلب خود به حقیقت مطلق توکل می‌جوید که همان خداست. ۲. در آیه‌ی فوق به خداشناسی و توحید فطری استدلال شده است و دانشمندان از آن برای اثبات وجود خدا و اثبات یگانگی او استفاده کرده‌اند. ۳. خدا می‌تواند دعا را مستجاب و خطر را برطرف کند، ولی این کار بستگی به اراده‌ی حکیمانه‌اش دارد؛ گاهی مصلحت نمی‌داند که مشکلات برطرف شود و از این رو دعا را مستجاب نمی‌کند. ۴. هر چه غیر خداست، در شرایط عادی جلوه دارد، اما در هنگام خطرهای جدی، همه‌ی آنها فراموش می‌شود و فقط توکل به خدا مفید است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خواستید خدا را بشناسید، در هنگام مشکلات سخت، به دل خود بنگرید که چه کسی را می‌خواند. ۲. انسان به طور فطری خداشناس است و راهی از درون به سوی او دارد. ۳. انتظار نداشته باشید همه‌ی دعا‌های شما مستجاب شود؛ اجابت دعا تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۶ بستگی به اراده‌ی حکیمانه‌ی الهی دارد. ۴. به غیر خدا دل نبندید که در سختی‌ها و مشکلات سخت تنها می‌مانید. *** قرآن کریم در آیات چهل و دوم و چهل و سوم سوره‌ی انعام به مشکلات حکمت‌آمیز ملت‌های پیشین و واکنش منفی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲ و ۴۳. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ * فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و یقین به سوی امت‌هایی که پیش از تو بودند (پیامبرانی) فرستادیم، (و با آنان مخالفت کردند؛) و آنان را با سختی (زندگی) و زیان (جسمی و روحی) گرفتار ساختیم، تا شاید آنان (فروتن و) تسلیم گردند! * پس چرا هنگامی که سختی (مجازات) ما به آنان رسید، (فروتن و) تسلیم نشدند؟! و لیکن دل‌هایشان سخت گردید؛ و شیطان آنچه را همواره انجام می‌دادند، برایشان آراست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یکی از فلسفه‌های مشکلات و زیان‌ها و ناراحتی‌های جسمی و روحی «۱» اشاره می‌کند که همان بیداری و تربیت انسان‌هاست. آری، حوادث دردناک باعث می‌شود که انسان از خواب غفلت بیدار گردد تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۷ و از غرور و سرکشی دست بردارد و تسلیم حق شود «۱» و به سوی خدا بازگردد. ۲. واژه‌ی «لعل» که به معنای شاید و تردید است، اشاره دارد که این حوادث به تنهایی برای بیدار شدن انسان کافی نیست، بلکه زمینه‌ای برای تربیت و توجه دل‌های آماده است. آری، هر مشکلی در زندگی نشانه‌ی قهر الهی نیست، بلکه خدا هم‌چون پدری است که گاهی برای تربیت فرزندان از فشار هم استفاده می‌کند، ولی این به تنهایی کافی نیست و عوامل دیگری، از جمله اراده و پذیرش فرد نیز در این رویکرد تربیتی مؤثر است. ۳. واژه‌ی «شیطان» در قرآن، اعم از جنس انسان و غیر آن است و ابلیس یکی از افراد و مصادیق شیطان است. آری، ابلیس و انسان‌های شیطان‌صفت، کارهای بد را برای انسان زیبا جلوه می‌دهند تا منحرف شود. ۴. قساوت قلب و سختی دل عواملی دارد؛ «۲» از جمله اصرار بر گناهان؛ یعنی گناه روح را کدر می‌کند، به طوری که دیگر حقایق را درک نمی‌کند و با زنگ‌های خطر بیدار نمی‌شود. ۵. در این آیه به دو مانع بیداری و هدایت و بازگشت به سوی خدا اشاره شده است: قساوت قلب و فریب‌های شیطانی، که یکی از بیرون و

دیگری از درون بر انسان هجوم می‌آورند و مانع فروتنی و تسلیم او در برابر حق می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گاهی مشکلات جنبه‌ی تربیتی دارد (و از لطف خداست، نه قهر او). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۸. ۲. سختی دلی و وسوسه‌های شیطانی از موانع تربیت‌پذیری انسان است. ۳. با مطالعه در مشکلات امت‌های پیشین عبرت بگیرید. ۴. در هنگام مشکلات به سوی خدا بازگردید و تسلیم حق شوید. *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم و چهل و پنجم سوره‌ی انعام به آزمایش‌های الهی و سرانجام کافران پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴ و ۴۵. فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و هنگامی که آنچه را بدان یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به روی آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شادمان گردیدند؛ ناگهان (گریبان) آنان را گرفتیم، و ناگهان آنان از ناامیدی اندوهگین شدند. * و دنباله گروهی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خدایی است، که پروردگار جهانیان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نعمت‌های الهی دو نوع است: گاهی برای ابراز محبت و تشویق است و گاهی برای مجازات گناهکاران و ستمکاران؛ یعنی نوعی نعمت استدراجی است که افراد گناهکار را کم کم «۱» در ناز و نعمت فرو می‌برد و یک‌باره همه چیز را از آنان می‌گیرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۹. اگر کسی تذکرات بیدارگر الهی را عمداً به فراموشی بسپارد و بداند عمل نکند، گرفتار مجازات به‌ظاهر شیرین می‌شود. ۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده: هنگامی که می‌بینی خدا در برابر گناهان نعمت می‌بخشد، آگاه باش که مقدمه‌ی مجازات است. سپس حضرت آیه‌ی فوق را تلاوت نمود. «۴». در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام، آیه‌ی فوق بر ترک ولایت علی علیه السلام و به وجود آمدن دولت‌هایی مثل بنی العباس و سپس ظهور ناگهانی امام عصر علیه السلام تطبیق شده است. «۲» روشن است که این گونه روایات از نوع توسعه در معنای آیه و بیان برخی مصادیق آن است؛ یعنی نوعی تأویل و باطن آیه بیان شده است، و گر نه ظاهر آیه در مورد مشرکان پیشین است. ۵. نابود کردن ریشه‌ی ظلم و فساد و ستمکاران، بسیار مهم است و جای سپاس‌گزاری دارد؛ آری، نابودی ستمگران و قطع کارها و حرکت‌ها و نسل آنان، «۳» سبب تربیت دیگران است؛ از این رو این آیه خدا را با صفت «رب» ستایش می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رفاه زندگی، (همیشه نشانه‌ی رحمت الهی نیست، بلکه) گاهی زمینه‌ی عقوبت است. ۲. قهر الهی ناگهان فرا می‌رسد (پس مراقب کردار خود باشید). ۳. از هر نعمتی خوشحال نشوید، شاید مقدمه‌ی عذاب باشد. ۴. تذکرات الهی را فراموش نکنید که گرفتار عذاب و ناامیدی می‌شوید. ۵. ستمکاری در نسل آینده‌ی افراد تأثیر منفی دارد. ۶. هر گاه ستمکاری ضربه خورد، پروردگار را سپاس گوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی انعام نعمت‌های الهی را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ۴۶. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصُدُّونَ بگو: «آیا ملاحظه کردی اگر خدا، شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد، و بر دل‌های شما مهر نهد، چه معبودی غیر از خدا، آن [ها] را به شما می‌دهد؟!» بنگر چگونه نشانه‌ها را بگونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، سپس آنان روی بر می‌تابند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن‌جا که مشرکان خدا را قبول داشتند، ولی بت‌ها را به عنوان شفیع می‌پرستیدند، قرآن به آنان می‌گوید: چرا مستقیماً به خدا روی نمی‌آورید که سرچشمه‌ی همه‌ی نیکی‌هاست؟ آیا فکر نمی‌کنید که بت‌های بدون عقل و چشم و گوش چگونه می‌توانند این نعمت‌ها را به شما ببخشند؟! ۲. این آیه به نعمت‌های چشم و گوش و قلب اشاره شده است؛ این‌ها وسیله‌ی شناخت و سبب هدایت انسان است و اگر خدا آنها را از انسان بگیرد، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۱ راه شناخت او بسته می‌شود و کسی نمی‌تواند این ضرر را از انسان دفع کند. «۱» در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به این مطلب اشاره شده است. «۲» «۳». مقصود از «قلب» در قرآن، همان روح و نفس، یعنی بُعد دوم انسان یا شخصیت واقعی اوست و از آن رو بدان قلب می‌گویند که سریعاً متحوّل می‌شود؛ و مقصود از مهر زدن بر قلب، حالتی است که انسان نتواند به خوبی تفکر کند و حق و باطل را جدا سازد. «۳» «۴». خدا در این آیه و آیات دیگر قرآن، نشانه‌ها و

دلایل را به صورت‌های مختلف بیان می‌کند (۴) تا شاید مشرکان از خواب غفلت بیدار شوند، ولی آنان روی می‌گردانند (۵) و لجاجت می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدر نعمت خداداد شناخت و وسایل آن را بدانید و به سوی غیر خدا نروید. ۲. با مطالعه در وسایل شناخت و منشأ پیدایش آنها، خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۲ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی انعام به عذاب ناگهانی الهی و نابودی ستمگران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَعْتُهُ أَوْ جَهْرَةً هِيلَ يُهْلِكُكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ بگو: «آیا ملاحظه کردی اگر عذاب خدا ناگهان (و پنهان) یا آشکارا به شما در رسد، آیا جز گروه ستمکاران هلاک خواهند شد؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن‌جا که روی سخن سوره‌ی انعام با مشرکان است، منظور آیه‌ی فوق آن است که خدا تنها کسی است که قادر به مجازات و گرفتن نعمت‌هاست و ممکن است مخفیانه یا آشکارا ستمکاران را مجازات کند (۱) و بت‌ها در این میان نقشی ندارند. ۲. از تعبیر «ستمکاران» که در آیه‌ی فوق آمده است استفاده می‌شود که «ظلم» معنای وسیعی دارد و انواع شرک و گناهان را شامل می‌شود، بلکه هر گونه روی گردانی از دعوت پیامبران نیز ستمکاری است. ۳. در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که آیه‌ی فوق به نابودی ناگهانی بنی امیه و نابودی آشکار بنی العباس اشاره دارد. (۲) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاران (از مهلتی که خدا به آنان داده، مغرور نشوند؛ که) ممکن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۳ است عذاب الهی ناگهان در رسد. ۲. (خدا کسی را غیر عادلانه مجازات نمی‌کند و) اگر کسی گرفتار عذاب می‌شود، به خاطر ستمکاری خود اوست. ۳. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب الهی نشوید، دست از ستمکاری (و شرک) بردارید. ***

اهداف پیامبران چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی انعام به اهداف پیامبران و سرانجام مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸. وَمَا نُزِّلَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و (ما) فرستادگان [خود] را، جز مژده آور و هشدار دهنده نمی‌فرستیم؛ و کسانی که ایمان آورند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قسمت اول این آیه بیان شده که اهداف پیامبران بشارت‌گری و هشداردهی است و در قسمت دوم آیه جلوه‌ای از بشارت به مؤمنان به نمایش گذاشته شده و به آنان مژده داده شده که از اندوه و ترس نجات می‌یابند. چنین است فرمان چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند (فردوسی) ۲. شیوه‌ی کلی کار فرستادگان خدا یک‌سان بود و همگی از روش تربیتی «بیم و امید» استفاده می‌کردند. این شیوه‌ی تربیتی مردم را در حالت تعادل روحی نگاه می‌دارد و از گناه بازمی‌دارد و به خدا و آینده امیدوار می‌سازد. ۳. مؤمنی اهل نجات است که در جهت اصلاح گام بردارد و نه تنها صالح، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۴ بلکه اصلاح‌گر نیز باشد؛ یعنی گذشته‌ی خود را جبران و اصلاح کند، همان‌طور که جامعه و دیگران را اصلاح می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و کردار شایسته، انسان را بیمه می‌کند و از ترس و اندوه نجات می‌دهد. ۲. هشدارگری و مژده‌رسانی از اهداف رهبران الهی است. ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی برای هدایت مردم از شیوه‌ی تربیتی «بیم و امید» استفاده کنند. ۴. اگر بهداشت روانی می‌خواهید، مؤمنی اصلاح‌طلب باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی انعام به منکران و فاسقان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۹. وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، بخاطر آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، عذاب (الهی) با آنان تماس یابد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «لمس کردن عذاب» ممکن است اشاره به این باشد که گویا مجازات همه‌جا به دنبال آنان می‌گردد، سپس آنان را فرا می‌گیرد. (۱) «۲- واژه‌ی «فشق» معنای وسیعی دارد و شامل هر گونه نافرمانی، حتی کفر می‌شود. در آیه‌ی فوق نیز به همین معنا به کار رفته است؛ یعنی کسانی که نافرمانی را به حد کفر برسانند، گرفتار عذاب الهی می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فسق و تکذیب نشانه‌های الهی، زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۲. نشانه‌های الهی را دروغ‌نشانید و نافرمانی نکنید تا گرفتار عذاب الهی

نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی انعام با اشاره به نقش راهبردی وحی و تفکر می‌فرماید: ۵۰. قُلْ لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنَّمَا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ بگو: «به شما نمی‌گویم که منابع الهی نزد من است؛ و از (آنچه از حس) پوشیده، آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام؛ [زیرا] جز آنچه به سوی من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا تفکر نمی‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق آیات قرآن، مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهانه‌ها و درخواست‌های عجیبی داشتند: گاهی از پیامبر، خانه‌های طلائی و باغ‌های انگور و خرما و «۱» گاهی نزول فرشته می‌خواستند. «۲» آیه‌ی فوق در حقیقت به بهانه‌جویان پاسخ می‌دهد که منابع الهی «۳» نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۶. ۲. علم غیب دو قسم است: علم غیب بالذات (و استقلالی)، که مخصوص خداست و اوست که از هر چیز، در هر زمان و مکانی با خبر است؛ علم غیب بالعرض، یعنی آگاهی از اسرار جهان که گاهی خدا مصلحت می‌داند آن را در اختیار برخی رهبران الهی بگذارد، تا وظیفه‌ی خویش را بهتر انجام دهند. در آیه‌ی فوق از قسم اول علم غیب سخن گفته شده و در برخی دیگر از آیات قرآن از قسم دوم سخن به میان آمده است. «۱» ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس وحی عمل می‌کرد، نه طبق سلیقه و خیالات و تمایلات و قیاس‌ها. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حتی آنچه را ندارد صریحاً بیان می‌کند و ادعای گزاف نمی‌کند و با شخصیت‌سازی کاذب به مبارزه برمی‌خیزد و در همین راستاست که اهل بیت علیهم السلام نیز مردم را از غلو در باره‌ی خود منع کرده‌اند. ۵. آیه‌ی فوق ممکن است اشاره به این مطلب باشد که دیدن حقایق و فهمیدن دلایل توحید و حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چشم بینا می‌خواهد، که در مشرکان وجود ندارد؛ آری کوردلان با بیداردلان برابر نیستند و حقایق را یک‌سان درک نمی‌کنند. ۶. مقصود از بصیرت، دیدن با چشم معمولی نیست؛ چه بسیار افرادی که چشم ظاهر دارند اما بصیرت ندارند و کور دل‌اند؛ یعنی در اثر تعصبات و جهل و انحراف، حقایق را به خوبی درک نمی‌کنند و چه بسیارند افرادی که به ظاهر نابینا هستند ولی بصیرت دارند. ۷. آیه‌ی فوق اهمیت تفکر را در اسلام می‌رساند حتی مخالفان دین را به تفکر فرامی‌خواند؛ چرا که فکر صحیح، انسان را به راه حق رهنمون می‌شود و خدا و پیامبران را بهتر می‌شناسد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی نگذارند مردم شخصیت کاذب برایشان بتراشند و آنها را بیش از آنچه هستند بپندارند (و راه غلو در پیش گیرند). ۲. منشور اساسی رهبر الهی، وحی است. ۳. رهبران الهی وحی را مبنای حرکت و برنامه‌ی خویش قرار دهند. ۴. افراد با بصیرت بیداردل را با افراد کوردل یک‌سان نپندارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی انعام به زمینه‌های تبلیغ اسلامی و هشدارپذیری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ و بوسیله آن (قرآن) کسانی را که ترس دارند که به سوی پروردگارشان گردآوری شوند، هشدار ده! در حالی که جز او [خدا]، برای شان هیچ یاور (و سرپرست) و شفاعت‌گری نیست؛ تا شاید آنان [خودشان را] حفظ کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برای تربیت و هدایت مردم چند چیز لازم است: الف) یک رهبر لایق مثل پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ب) آمادگی و استعداد در افراد. آری بذر و نور خورشید، هنگامی ثمر می‌دهد که زمین آماده و مساعد باشد. ۲. مقصود از بیم و هراس، همان احتمال زیان است، که هر عاقلی به هنگام قرار گرفتن در برابر دعوت رهبران الهی، احتمال می‌دهد که گفتار آنان به حق باشد و مخالفت با فرستاده‌ی خدا، سبب ضرر و عذاب شود و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۸ سخنان مشرکان در باره‌ی شفاعت بت‌ها و یاری آنان بیهوده باشد؛ از این رو به فکر «دفع ضرر احتمالی» می‌افتد و به مطالعه در باره‌ی دلایل توحید و معاد و نبوت می‌پردازد. «۱» ۳. شفاعت و ولایت دو قسم است: نخست ولایت و شفاعت بالذات (و استقلالی) که مخصوص خداست؛ و دوم ولایت و شفاعت بالعرض که خدا به هر کس بخواهد اجازه‌اش را می‌دهد. در آیه‌ی فوق به قسم اول شفاعت و در برخی آیات دیگر به قسم دوم شفاعت اشاره شده است «۲». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آمادگی روحی و روانی افراد، زمینه و شرط تأثیرگذاری تبلیغات است. ۲. عقیده به معاد و بیم از رستاخیز، زمینه‌ساز تأثیر قرآن و

پارسایی است. ۳. رهبران و مبلغان دینی، قرآن را وسیله‌ی تبلیغ و هدایت مردم قرار دهند. ۴. قبل از تبلیغ و هشدارگری به زمینه‌های هشدارپذیری توجه کنید. ۵. چشم امید به غیر خدا نداشته باشید (که بدون اجازه‌ی او از کسی کاری ساخته نیست). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی انعام طرد کردن مؤمنان عبادتگر را ستمکاری می‌خواند و می‌فرماید: ۵۲. وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْعُدْوَةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۹ و کسانی را مَران، که بامدادان و عصرگاهان پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که ذات او را اراده می‌کنند؛ از حساب آنان هیچ چیزی بر عهده تو نیست، و از حساب تو (نیز) هیچ چیزی بر عهده آنان نیست، تا ایشان را برانی و از ستمکاران شوی. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از قریش از کنار مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گذشتند، که افراد فقیری هم چون بلال و عمار را نزد ایشان دیدند. با تعجب گفتند: ای محمد! آیا به همین افراد قناعت کرده و آنان را از میان ما انتخاب نموده‌ای؟ ما پیرو اینان باشیم؟ آنان را از اطراف خود دور کن، تا شاید ما به تو نزدیک شویم و پیرو تو گردیم. این آیه نازل شد و پیشنهاد آنان را رد کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عبادت و نیایش مؤمنان تهی دست فقط برای ذات خداست «۲» نه بر اساس ریاکاری؛ یعنی خدا را فقط برای خودش می‌خواهند. عبادت به اخلاص نیت نکوست و گرنه چه آید ز بی مغز پوست ۲. تعبیر «صبح و شام» شاید کنایه از آن باشد که مؤمنان بینوا همیشه به فکر خدا هستند و یا کنایه از نمازهای روزانه باشد؛ «۳» خوشا آنان که دایم در نمازند. ۳. مشرکان ثروتمند تفکر طبقاتی داشتند و معیار برتری طبقاتی را «ثروت» می‌دانستند و سعی می‌کردند این امتیاز و سنت غلط را بر مسلمانان هم تحمیل کنند، اما اسلام در مقابل این تفکر غلط ایستاد و آن را به شدت تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۰ سرکوب کرد و معیار برتری «ایمان، تقوا، علم و جهاد» را جانشین آن کرد. ۴. اسلام با تبعیضات ناروا و نظام طبقاتی سرمایه‌داری مخالف است و در اسلام، هیچ امتیازی با ایمان برابری نمی‌کند و حتی طرد مؤمنان محروم، ستمکاری به شمار می‌آید و حرام است و حفظ نیروهای مخلص و فقیر مسلمان مهم‌تر از راضی کردن سرمایه‌داران کافر است. ۵. مقصود از «حساب» در آیه‌ی فوق، حساب رزق و روزی آنهاست؛ یعنی آنان با آن که فقیرند غذایشان به عهده‌ی خداست. و یا این که مقصود حساب اعمال در روز قیامت است؛ یعنی حساب اعمال آنان و قبولی یا رد آنها به عهده‌ی کسی نیست و کسی نباید آنان را براند. ۶. یکی از امتیازات بزرگ اسلام آن است که آموزش گناهان و حساب مؤمنان تنها به دست خداست؛ پس هیچ کس حق بخشیدن گناهان یا طرد افراد را ندارد. ۷. در برخی روایات تاریخی حکایت شده که بعد از نزول آیه‌ی فوق، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مجلس بینویان بر نمی‌خاست، تا آن که اول آنان برخیزند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌توجهی نسبت به مؤمنان محروم مخلص و عبادتگر، نوعی ستمکاری است. ۲. رهبران و مبلغان دینی به مؤمنان مخلص توجه کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی انعام به تفکر طبقاتی و آزمایش انسان‌ها به وسیله‌ی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۱. ۵۳. وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ و بدین گونه برخی آنان را با برخی [دیگر] آزمودیم؛ تا بگویند: «آیا اینانند که خدا از میان ما بر آنان منت نهاده است؟! آیا خدا به (حال) سپاسگزاران داناتر نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، با توجه به شأن نزول آیه‌ی قبل، هشدار می‌دهد به ثروتمندان بی‌درد است؛ یعنی «۱» مشرکانی که سال‌ها با تفکر برتری طبقاتی ثروتمندان عادت کرده‌اند، اینک در برابر یک آزمایش قرار گرفته‌اند؛ آیا می‌توانند زنجیرهای خرافات و غرور طبقاتی را در هم بشکنند و به آیینی بیبوندند که پیشگامان آن از طبقه‌ی فقرا هستند؟ ۲. مؤمنان فقیر، نعمت نبوت را شناخته و شکر آن را به‌جا آورده و اسلام را پذیرا شده‌اند و خدا به حال آنان آگاه است و به آنها نعمت بخشیده و پیش‌گام اسلام قرارشان داده است. ۳. «منت» به نعمت سنگین گفته می‌شود. گاهی منت در فعل و عمل ظاهر می‌شود که همان بخشش نعمت از طرف خداست و گاهی در گفتار ظاهر می‌شود که همان منت‌گذاردن و یادآوری نعمت بر دیگری است که بین مردم رایج است، «۲» که در این جا نعمت عملی خدا مقصود است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان فقیر و عبادتگر مورد لطف الهی هستند

و به آنان نعمت سنگینی داده شده است. ۲. مؤمنان فقیر، وسیله‌ی آزمایش ثروتمندان هستند. ۳. مؤمنان مخلص عبادتگر را تحقیر نکنید (که در امتحان الهی مردود می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی انعام به لطف الهی نسبت به بدکاران جاهل و لزوم برخورد محبت‌آمیز با آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۴. وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ و هر گاه کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند نزد تو آیند، پس بگو: «سلام بر شما باد! پروردگارتان، رحمت را بر خویشان مقرر کرده است؛ که هر کس از شما کار بدی از روی نادانی مرتکب شده، سپس بعد از آن توبه و اصلاح نماید، پس حتماً او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از گناهکاران نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما گناهان زیادی کرده‌ایم. پیامبر سکوت کرد تا آیه‌ی فوق نازل شد «۱». البته برخی مفسران نیز احتمال می‌دهند آیه‌ی فوق ادامه‌ی آیات قبل باشد؛ یعنی در مورد مؤمنان محروم، که به پیامبر دستور داده شد آنان را طرد نکند و اینک فرمان داده شد که با آنها برخورد محبت‌آمیز داشته باشید؛ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۳ البته جمع بین دو احتمال فوق نیز ممکن است؛ چون معنای آیه وسیع است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رهبر مسلمانان، هیچ فرد با ایمانی را، از هر طبقه و نژاد که باشد، از خود نراند و با آغوش باز همه را بپذیرد و حتی افرادی آلوده به گناه را با محبت بپذیرد، تا مقدمات توبه و اصلاح آنان فراهم گردد. ۲. واژه‌ی «سلام» در اصل به معنای سلامت از آفات ظاهری و باطنی است. سلام گاهی لفظی است همان‌طور که مردم به هم سلام می‌کنند که نوعی شعار مسلمانان است. و گاهی عملی است، مثل سلام خدا که «بخشیدن سلامت حقیقی» است که بقای جاویدان و غنای بدون فقر و عزت بدون ذلت و صحت بدون بیماری است. «۱» ۳. اگر گناه انسان از روی نادانی باشد، نه از سر لجاجت و تکبر، بخشودنی است و انسان پس از توبه و اصلاح گذشته مشمول رحمت الهی می‌شود؛ پس گناهکاران از بخشش الهی ناامید نباشند. طمع ز فیض کرامت مبر که خلق کریم گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشد (حافظ) ۴. در اسلام، رابطه‌ی رهبری با مردم رابطه‌ی انس و محبت است و رهبری باید با سلام کردن به مردم، به آنان شخصیت بدهد و پیام مهر و محبت الهی را به مردم ابلاغ کند و آنان را جذب راه خدا کند و راه توبه را به رویشان بگشاید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. باب مهر و لطف و آمرزش الهی بر روی شما گشوده است. ۲. ای رهبران الهی و مبلغان دینی! پیام مهر الهی را به مردم برسانید. ۳. با مردم برخوردی محبت‌آمیز داشته باشید. ۴. راه بازگشت و توبه و اصلاح به روی گناهکاران باز است. ۵. لغزش‌های ناآگاهانه را عفو کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی انعام به جداسازی راه مجرمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ و این چنین آیات [خود] را بیان می‌کنیم، و تا راه خلافکاران آشکار گردد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «مجرمان» در این آیه، گناهکاران سرسختی هستند که به هیچ صورت تسلیم حق نمی‌شوند، و گر نه در آیه‌ی قبل به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که گناهکاران عادی را بپذیرد. «۱» هنگامی که آیات قرآن به تفصیل بیان می‌شود و ویژگی‌های مؤمنان و مجرمان را بیان می‌کند، نوعی افشاگری در مورد مجرمان تحقق می‌یابد و خلافکاری‌های آنان روشن می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد خلافکاران (لجوج) افشاگری کنید. ۲. افشای راه خلافکاران، از ثمرات آیات قرآن است. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۵ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی انعام به موضع‌گیری پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶. قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُمْ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ بگو: «براستی من منع شده‌ام که کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، بپرستم!» بگو: «از هوس‌های شما، پیروی نمی‌کنم؛ آنگاه (اگر چنین کنم)، حتماً گمراه شده‌ام؛ و من از هدایت یافتگان نیستم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات و لحن آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که گویا مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده بودند که به آیین آنان بگروند و پیامبر صریحاً به آنان پاسخ منفی می‌دهد و اشاره می‌کند که بت‌پرستی همواره بر من ممنوع بوده است. «۱» ۲. بت‌پرستی ریشه در هواپرستی دارد و هیچ دلیل منطقی برای آن وجود ندارد و با عقل و خرد سازگار نیست؛ عقل

انسان به خوبی درک می‌کند که موجودات دیگر و جمادات، شرافتی بر انسان ندارند و نباید پرستیده شوند و چیزی که ساخته‌ی دست انسان است، نمی‌تواند معبود او باشد. ۳. منبع موضع‌گیری‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، وحی است و حتی واژه‌ی «قل» (بگو) را هم از خدا حکایت می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هواپرستی سرچشمه‌ی شرک است. ۲. رهبران الهی به طور علنی از شرک و بت‌پرستی بیزاری بجویند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۶. ۳. هواپرستی نکنید که گمراه می‌شوید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی‌ها و عجله‌ی مشرکان برای عذاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷ و ۵۸. قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقْضُ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصْلِينَ * قُلْ لَوْ أَنَّنِي عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقَضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ بگو: «براستی من دلیل روشنی از جانب پروردگارم دارم؛ در حالی که شما آن را دروغ انگاشته‌اید! آنچه را (از عذاب الهی) بدان شتاب می‌ورزید، نزد من نیست! حکم جز برای خدا نیست، در حالی که حق را (از باطل) جدا می‌کند؛ و او بهترین جداکنندگان است.» * بگو: «اگر (بر فرض) آنچه را (از عذاب الهی) بدان شتاب می‌ورزید نزد من بود، حتماً کار میان من و شما پایان گرفته بود؛ و خدا به (حال) ستمکاران داناتر است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلیل روشنی هم‌چون قرآن داشت «۱» که معجزه‌ی الهی بود و کسی نمی‌توانست همانند آن را بیاورد، ولی مشرکان آن را انکار کرده، درخواست معجزه‌ی عذاب‌آلود می‌کردند. ۲. بسیاری از ملت‌های پیشین نیز از پیامبرانشان درخواست عذاب می‌کردند و می‌گفتند «اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را به سراغ ما بفرست!» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۷ برای مثال، قوم نوح «۱» و عاد «۲» و حتی برخی مشرکان و مخالفان اسلام «۳» از پیامبرانشان چنین درخواستی کردند. این درخواست‌های جاهلانه، شاید نوعی ریشخند پیامبران بوده و یا واقعاً به عنوان طلب معجزه صورت می‌گرفته که در این صورت درخواست نابودی خودشان بوده است. ۳. اگر عذاب الهی به سرعت فرا رسد، کافران نابود خواهند شد، اما این با حکمت الهی منافات دارد و سنت خدا آن است که به ستمگران و کافران مهلت دهد تا شاید بیدار شوند. ۴. جمله‌ی «حکم جز برای خدا نیست»، بدین معناست که هر گونه فرمان در جهان تکوین و آفرینش و نیز هر گونه تشریح و قانون‌گذاری به دست خداست و پیامبران هم به دستور خدا کار می‌کردند. اما «خوارج» از این جمله‌ی حق سوء استفاده کردند و آن را شعار خود قرار دادند. آنان گمان کردند معنای این جمله آن است که هر کس غیر از خدا داوری و حکومت کند، کار خلافی انجام داده است، در حالی که اگر حکومت و داوری افراد به دستور خدا باشد، صحیح است؛ و جالب آن است که خود آنان حکمت را بر امام علی علیه السلام تحمیل کردند. برخی نیز از آیه‌ی فوق استفاده‌ی جبر کرده‌اند، در حالی که این معنا خلاف آیات دیگر قرآن است که دلالت بر اختیار انسان دارد. «۴» ۵. مقصود از جمله‌ی «خدا حق را قطع می‌کند»، آن است که خدا حق را کاملاً از باطل جدا می‌سازد و او بهترین جداکنندگان است.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دعوت پیامبر اسلام بر دلیل روشن استوار است (نه خیال و تقلید کورکورانه). ۲. فرستادن عذاب به دست خداست (نه دیگران). ۳. رهبران و مبلغان دینی با دلیل روشن به سراغ مردم بروند و از تکذیب آنان نهراسند. ۴. با شتاب عذاب الهی را درخواست نکنید که هلاکت شما در آن است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی انعام به علم بی‌کران الهی به همه‌ی جزئیات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ و کلیدهای (منابعی که از حسن) پوشیده است تنها نزد اوست؛ جز او کسی آنها را نمی‌داند. و آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ و هیچ برگ‌گی فرو نمی‌افتد، مگر (اینکه) از آن آگاہ است؛ و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و هیچ خشکی نیست جز اینکه در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال از همه‌ی منابع پنهان و کلیدهای «۱» دست‌رسی به آنها تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۹ اطلاع دارد، و نیز از خشکی‌ها و دریاها «۱» آگاہ است که علم بدانها احاطه‌ی علمی خدا بر همه چیز است؛ یعنی او از میلیاردها موجود زنده در اعماق دریاها و خشکی اطلاع دارد، که علم بدانها به صورت عادی غیر ممکن است و او

می‌داند در هر شبانه روز چه تعداد برگ یا دانه بر زمین می‌افتد. ۲. مقصود از آگاهی خدا از تمام تری‌ها و خشکی‌ها، معنای لغوی آن نیست، بلکه این تعبیر نیز کنایه از عمومیت و فراگیری علم الهی به همه چیزها و حالات آنهاست. ۳. مفسران قرآن در مورد «کتاب مبین» احتمالات متعددی را بیان کرده‌اند، «۲» ولی به نظر می‌رسد که مقصود از آن، مقام علم خدا و یا کتاب آفرینش و عالم خلقت و سلسله‌ی علت‌ها و معلول‌هاست که همه چیز در آن ثبت است. ۴. علم خدا منحصر در کلیات نیست، بلکه او به تمام جزئیات جهان آگاه است. یعنی نظام هستی و جزئیات آن برنامه‌ی طراحی شده و یک مرکز اصلی اطلاعات دارد. البته علم خدا به حالات و کارهای ما، دلیل مجبور بودن ما نیست، بلکه ما آزادیم و راه هدایت و گمراهی و هر کار دیگر را خودمان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۰ انتخاب می‌کنیم. ۵. در برخی از احادیث، بیان شده که منظور از دانه، فرزند است و مراد از ظلمت زمین، رحم مادران و ... است. «۱» این گونه احادیث در حقیقت نوعی توسعه در معنای آیه و بیان بطن آن است؛ یعنی مفهوم دانه در آیه‌ی فوق منحصر به دانه‌های گیاهی نیست، بلکه حتی نطفه‌های انسانی را نیز شامل می‌شود که خدا از آنها آگاه است. ۶. اطلاع انسان از علم و آگاهی بی‌کران خدا نسبت به جزئیات، یک اثر تربیتی برای بشر دارد؛ چون موجب می‌شود که انسان مراقبت بیش‌تری از اعمال، افکار و نیت‌های خویش بنماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از همه چیز و همه جا و تمام جزئیات آگاه است (پس مواظب اعمال خودتان باشید). ۲. خدا را آگاه از همه چیز (و ناظر درون و برون خود) بدانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی انعام به مرگ موقت انسان در خواب و نیز علم بی‌کران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ و او کسی است که (روح) شما را در (خواب) شبانگاه می‌گیرد؛ و از آنچه در روز کسب کرده‌اید، آگاه است؛ سپس در آن (روز) شما را برمی‌انگیزد، تا سرآمد معین (مرگ حتمی) فرا رسد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی اوست؛ سپس شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید با خبر می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه خواب را نوعی «باز گرفتن روح» معرفی کرده است. «۱» مرگ تعطیلی کامل دستگاه مغز و قطع پیوند روح با جسم است، اما خواب تعطیلی بخشی از دستگاه مغز و ضعیف شدن آن پیوند است؛ بنابراین، خواب مرحله‌ی کوچکی از مرگ به شمار می‌آید که بعد از آن رستاخیز کوچکی به پا می‌شود و انسان بیدار می‌گردد و تا زمان مرگ حتمی «۲» ادامه‌ی حیات می‌دهد. ۲. خدا از همه‌ی اعمال و چیزهایی که به دست می‌آورد آگاه است «۳» و در رستاخیز که به سوی او بازمی‌گردید، اخبار آنها را برای شما باز می‌گوید و براساس آن کیفر و پاداش می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خوابیدن نوعی مردن موقت است و بیداری نوعی رستاخیز. ۲. خدا از اعمال شما آگاه است و به سوی او بازمی‌گردید (پس مواظب کردار خود باشید). ۳. با مطالعه در نظام مرگ و زندگی خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی انعام به تسلط خدا بر بندگان و فرشتگان محافظ انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرَطُونَ و او بر بندگان چیره است؛ و نگهبانانی بر شما می‌فرستد؛ تا هنگامی که مرگ به یکی از شما برسد فرستادگان ما (جان) او را به صورت کامل می‌گیرند؛ در حالی که آنان کوتاهی نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «قاهر» از ماده‌ی «قهر» و به معنای «غلبه و تسلط کامل بر چیزی است»؛ به طوری که آن چیز، هیچ‌گونه توانایی مقاومت نداشته باشد. این کلمه معمولاً در جایی به کار می‌رود که طرف مقابل دارای عقل باشد؛ آری، خدا تسلط کامل بر انسان‌ها دارد. ۲. مقصود از محافظان در این آیه، فرشتگان مأمور حفظ انسان از حوادث و بلاها «۱» و یا فرشتگان مأمور نگه‌داری حساب اعمال انسان‌ها هستند. «۲» البته این احتمال نیز وجود دارد که هر دو معنا در این آیه مقصود باشد. ۳. فرشتگان مأمور مرگ انسان‌ها کوتاهی نمی‌کنند و لحظه‌ای مرگ را جلو و یا عقب نمی‌اندازند؛ همان‌گونه که فرشتگان مأمور حفظ انسان و اعمال او، کم‌ترین کوتاهی در کار خویش ندارند. «۳» ۴. هر دسته از فرشتگان مأموریت خاصی نسبت به انسان دارند؛ برخی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۳ جان او را حفظ می‌کنند و برخی جانش را می‌ستانند؛ آنان مأمورانی دقیق هستند

و فرمان الهی را اجرا می‌کنند. ۵. اعتقاد به فرشتگان و محافظت انسان و ثبت اعمال، عامل تربیت، دقت و مواظبت بیش ترانسان در کارها و موجب سپاس‌گزاری اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی شما تحت تسلط الهی هستید، همان‌گونه که تحت مراقبت فرشتگان او هستید (پس مواظب کردار خود باشید). ۲. فرشتگان الهی، هم از شما محافظت می‌کنند و هم جانتان را می‌گیرند (تا خدا چه اراده کند). ۳. خود را مستقل و رها ندانید؛ که تحت کنترل شدید هستید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی انعام به فرجام انسان و سرعت حساب‌رسی خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۲. *ثُمَّ رُدُّوْا۟ اِلَی اللّٰهِ مَوْلِیْهِمُ الْحَقُّ اَلَا لَهٗ الْحُكْمُ وَهُوَ اَسْرِعُ الْحٰسِبِیْنَ* سپس (بندگان) به سوی خدا، که مولای بحق آنهاست، باز گردانده می‌شوند؛ آگاه باشید که حکم تنها از آن اوست؛ و او سریع‌ترین حساب‌برسان است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حساب‌رسی خدا به قدری سریع است که در برخی احادیث آمده است: خدا حساب همه‌ی بندگان را در یک لحظه (چشم بر هم زدن) انجام می‌دهد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۴ البته این مطلب با توجه به سرعت‌های زیاد ابر رایانه‌ها در عصر حاضر، چیز بعیدی نیست. و اگر در برخی احادیث آمده که برخی افراد در قیامت معطل می‌شوند، به خاطر آن است که باید پاسخ‌گوی اعمال خویش باشند. ۲. خدا مولای حقیقی انسان است؛ آفرینش، مراقبت، خواب و بیداری، مرگ، رستاخیز و حساب‌رسی انسان به دست اوست؛ پس همه‌ی مولاها و سرپرست‌های دیگر، یا باطل‌اند و یا مجازی. ۳. بازگشت همه به سوی اوست که تنها داور قیامت است و این بازگشت اجباری است و به دنبال آن حساب‌رسی و کيفر و پاداش است (پس مراقب کردار خود باشید). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقصد شما خداست که مولای حقیقی‌تان است. ۲. بازگشتگاه خود را بشناسید و به فکر داور و حساب‌رس باشید. *** قرآن کریم در آیات شصت و سوم و شصت و چهارم سوره‌ی انعام به فطرت خداشناسی انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳ و ۶۴. *قُلْ مَنْ یُنۡجِیۡکُمْ مِّنۡ ظُلُمِۡتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُوۡنَهٗ تَضَرُّعًا وَخُفۡیَةً لِّئِنۡ اُنۡجِیۡنَا مِنْ هٰذِهِ لَنُکُوۡنَنَّ مِنَ الشَّکِرِیۡنَ* * قُلِ اللّٰهُ یُنۡجِیۡکُمْ مِّنۡهَا وَمِنۡ کُلِّ کَذِبٍ *ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِکُوۡنَ* بگو: «چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می‌بخشد؟ در حالی که او را فروتنانه (و آشکارا) و پنهانی می‌خوانید؛ (و می‌گویید): اگر از این‌ها ما را نجات بخشد، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود.» * تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۵ بگو: «خدا شما را از اینها، و از هر اندوهی نجات می‌بخشد؛ سپس شما (برای او) شریک قرار می‌دهید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ظلمت و تاریکی بر دو گونه است: ظلمت حسی که همان حالت کمبود یا عدم نور در فضا است؛ و ظلمت معنوی که همان مصیبت‌هایی هم‌چون، جهل، شرک و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فکری و انحرافات اخلاقی است که عاقبت آنها ناپیدا است. «ظلمت» در این آیه می‌تواند به هر دو معنا باشد. ۲. اگر انسان دچار مشکلات و اندوه «۱» شود و خود را در تاریکی‌ها تنها حس کند، نوری در او می‌درخشد و فطرتش او را به طرف خدا می‌برد و او فروتنانه و در نهان و آشکارا خدا را می‌خواند و دعا می‌کند. «۲» تا نگرید کودک حلوافروش بحر رحمت در نمی‌آید به جوش (مولوی) ۳. در هنگام بروز مشکلات، خداشناسی و خداجویی فطری انسان‌ها ظاهر می‌شود؛ زیرا در این حالت فطرت انسان بیدار می‌شود و روح خدایابی او شکوفا می‌گردد. ۴. برخی مفسران آورده‌اند که آیه‌ی فوق به چهار حالت روانی انسان اشاره می‌کند که هر کدام یک نوع عکس‌العمل در برابر مشکلات است. این چهار حالت عبارت‌اند از: حالت دعا و نیاز، حالت تصرع و فروتنی، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۶ حالت اخلاص و حالت التزام به سپاس‌گزاری به هنگام نجات از مشکلات. ۵. در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار گروهی می‌گذشت که با صدای بلند دعا می‌خواندند. به آنان فرمود شما شخص ناشنوا و پنهان و دوری را نمی‌خوانید؛ کسی را می‌خوانید که هم شنوا و هم نزدیک است. «۱» و در حدیث دیگری آمده است: بهترین دعا، دعای پنهانی است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام مشکلات و ناراحتی‌ها، فطرت خداجو و خداشناس انسان بیدار می‌شود. ۲. در هنگام مشکلات، به فطرت خود مراجعه کنید تا خدا را بشناسید. ۳. روح سپاس‌گزاری و پیمان شکرگزاری خود را فراموش نکنید و شرک نوزید. ۴. نجات بخش خود را بشناسید و شرک نوزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی انعام به قدرت خدا و انواع عذاب‌های الهی اشاره می‌کند و با هشدار می‌فرماید: ۶۵. *قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰی اَنْ یَّبۡعَثَ عَلَیۡکُمْ عَذَابًا مِّنۡ*

فَوْقَكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْأَيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۷ بگو: «او تواناست که از بالای (سر) شما یا از زیر پای شما، غذایی بر شما برانگیزد؛ یا به صورت گروه‌هایی شما را (با هم) بیامیزد؛ و قدرت (جنگ) برخی شما را به برخی [دیگر] بچشاند.» بنگر چگونه نشانه‌ها را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم! تا شاید آنان بطور عمیق بفهمند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «عذاب از طرف بالا و پایین»، ممکن است شامل عذاب‌های آسمانی (صاعقه‌ها و طوفان‌ها) و زمینی (زلزله‌ها و سیل‌ها)، هم چنین فشارها و عذاب‌های طبقات حاکم اجتماع و بلاهای فرومایگان جامعه و نیز سلاح‌های جنگی خطرناک هوایی و زمینی و دریایی و زیر زمینی بشود. «۱» ۲. تعبیر «به صورت دسته‌های پراکنده شما را به هم بیامیزد و قدرت (جنگ) برخی از شما را به برخی دیگر بچشاند.» نشان می‌دهد که مسأله‌ی اختلافات اجتماعی به قدری خطرناک است «۲» که در ردیف عذاب‌های الهی قرار گرفته است؛ گاهی بر اثر تفرقه برخی کشورها به نابودی کشیده می‌شوند و مردم به دست هم دیگر مجازات می‌شوند و این یکی از عذاب‌های الهی است. ۳. در اثر خودخواهی‌ها و سودجویی‌های شخصی مردم، نفاق و تفرقه بین آنان پدید می‌آید، ولی از آن‌جا که، خدا چنین اثری را در این اعمال زشت قرار می‌دهد این مسأله به خدا نسبت داده می‌شود. ۴. جامعه‌ی مشرک، گرفتار اقسام بلاهای آسمانی و زمینی و کشمکش‌های خونین می‌شود- همان‌طور که در جهان امروز می‌بینیم- اما طبق احادیث اهل بیت علیهم السلام که ذیل آیه‌ی فوق آمده است: «همه‌ی این تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۸ کيفرها در بين مسلمانان نیز واقع می‌شود؛ «۱» یعنی اگر مسلمانان نیز از مسیر توحید منحرف شوند و خودپرستی جای اخوت اسلامی را بگیرد و دستورات خدا فراموش شود، جامعه‌ی اسلامی نیز به چنین سرنوشتی گرفتار خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت خدا محدود نیست و او می‌تواند هر گونه که بخواهد شما را مجازات کند. ۲. اختلافات اجتماعی یکی از عذاب‌های الهی است. ۳. در گونه‌های آیات و نشانه‌های خدا دقت کنید تا آنها را به طور عمیق بفهمید. *** قرآن کریم در آیات شصت و ششم و هفتم سوره‌ی انعام به حَقَائِیتِ قرآن و تکذیب آن توسط مخالفان اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۶۶ و ۶۷. وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ * لِكُلِّ نَبِيٍّ مُمِيسَةٌ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ و قوم تو آن (: قرآن) را دروغ انگاشتند، در حالی که آن حق است! (به آنان) بگو: «من حمایتگر (و نگهبان) شما نیستم.»* برای هر خیر بزرگی هنگام استقراری هست؛ و در آینده خواهید دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن و تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله و عذاب الهی «۲» حق است؛ چون دلایل تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۹ گوناگونی از طریق عقل و فطرت و تجربه، آنها را تأیید می‌کند؛ پس انکار و تکذیب مشرکان از اهمیت این حقایق نمی‌کاهد و براساس برنامه‌ای زمان‌بندی شده حقایق الهی بر مردم روشن می‌شود و وعده‌های الهی تحقق می‌یابد. «۱» ۲. در این آیه و آیات متعددی از قرآن آمده «۲» که «پیامبر صلی الله علیه و آله وکیل شما نیست.» مقصود از «وکیل» در این موارد، کسی است که مسئول هدایت عملی و ضامن و حافظ دیگران باشد؛ یعنی این مردم هستند که باید تصمیم‌نهایی را در مورد قبول حقیقت بگیرند و هدایت شوند، و پیامبر فقط مأمور ابلاغ رسالت است، نه وکیل و نگهبان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب مخالفان از ارزش و حَقَائِیتِ حقایق الهی (هم‌چون قرآن) نمی‌کاهد. ۲. رهبران و مبلغان دینی مسئول انجام وظیفه هستند، نه وکیل مردم و ضامن نتیجه. ۳. مخالفان عجله نکنند، که براساس برنامه‌ی زمان‌بندی شده، به زودی حقیقت اخبار الهی برای شما روشن می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۰ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی انعام به یکی از راه‌کارهای نهی از منکر، یعنی دوری از مجالس اهل باطل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸. وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ و هر گاه کسانی را دیدی که (به قصد ریشخند) در آیات ما فرو می‌روند، پس از آنان روی گردان تا به سخنی غیر از آن در آیند؛ و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس بعد از یادآوری، با آن گروه ستمکار منشین. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در مورد دوری از مجالس مشرکان است، اما این حکم اختصاص به ایشان و مشرکان ندارد و شامل تمام مؤمنان و

مخالفان دین می‌شود و یک راه کار عملی برای نهی از منکر به شمار می‌آید. ۲. فلسفه‌ی روی گردانی از مخالفانی که سخنان باطل می‌گویند و آیات الهی را ریشخند می‌کنند «۱» آن است که اگر مسلمانی در مجالس این افراد شرکت کند، آنان به سخنان ناروای خود ادامه می‌دهند، اما اگر به آنان بی‌اعتنایی شود، طبعاً سکوت کرده، یا به مسایل دیگر می‌پردازند. ۳. در این آیه از تسلط شیطان بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به فراموشی انداختن ایشان سخن گفته شده است. آیا این مطلب با عصمت ایشان سازگار است؟ برخی از مفسران گفته‌اند: اگر چه روی سخن آیه‌ی فوق با پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت مقصود پیروان ایشان هستند که گرفتار فراموشی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۱ می‌شوند. «۱» ۴. ترک مجالس باطل یکی از شیوه‌های مبارزه‌ی منفی با زشتکاری و یکی از مراحل نهی از منکر و راه کارهای عملی آن است. ۵. ریشخند کردن آیات و نشانه‌های الهی، ظلم (به خود و جامعه و قرآن) است؛ همان‌طور که گوش دادن به سخنان باطل و شرکت در آن مجالس و سکوت در مقابل آنها نیز نکوهیده است. ۶. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، در مجلسی که به امام (و رهبر مسلمانان) دشنام داده می‌شود، یا غیبت مسلمانی می‌شود، شرکت نکند. سپس آیه‌ی فوق را قرائت کردند. «۲» روشن است که این گونه احادیث مصادیق مجالس باطل و آیات الهی را معرفی می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با ریشخند کنندگان آیات الهی و باطل‌گرایان مبارزه‌ی منفی کنید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۲ ۲. ریشخند کردن آیات الهی، ستمکاری است. ۳. در مجالس ناروا ننشینید (و نهی از منکر کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی انعام یک مورد هم‌نشینی با اهل باطل را جایز می‌شمارد و می‌فرماید: ۶۹. وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ و هیچ چیز از حساب آن (مشرک) ان بر عهده کسانی که (در آن مجالس شرکت می‌کنند و) خودنگهداری می‌نمایند، نیست. و لیکن یادآوری (به مشرکان نمایند) تا شاید که خودشان را حفظ کنند. شأن نزول: حکایت شده که پس از نزول آیه‌ی قبل در مورد دوری از مجالس کافران مسخره‌کننده‌ی آیات الهی، گروهی از مسلمانان گفتند: اگر بخواهیم به این دستور عمل کنیم، باید به مسجد الحرام و طواف نرویم (چرا که در همه جا مشرکان هستند و سخنان مسخره‌آمیز در مورد آیات الهی می‌گویند و ما می‌شنویم). در این هنگام آیه‌ی فوق فرود آمد و یک مورد را استثنا کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به مسلمانان خودنگه‌دار و باتقوا که تحت تأثیر مخالفان دین قرار نمی‌گیرند و می‌توانند بر آنان تأثیر بگذارند اجازه می‌دهد که در مجالس آنها شرکت کنند و به سخنان باطل آنان گوش دهند و به ارشادشان پردازند. آری، پارسایان هم‌چون کسانی هستند که در برابر بیماری‌ها واکسینه شده و مصونیت یافته‌اند، بلکه حالت ضد بیماری دارند. ۲. هر گاه مسأله‌ی مهم‌تری مثل هدایت مردم پیش بیاید، می‌توان از مسأله‌ی مهمی مثل ممنوعیت شرکت در مجالس باطل، صرف نظر کرد. رعایت اهم و مهم از اصول عقلی و اسلامی است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مسایل اجتماعی، حساب مؤمنان خود نگه‌دار را از افراد دیگر جدا کنید. ۲. هنگام هم‌نشینی با مخالفان تذکرات لازم را بیان کنید، شاید اثر کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی انعام به عذاب دین‌بازان و فریب‌خوردگان دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۰. وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَّرَ بِهِ أَنْ تُبْسِلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعِدِلْ كُلُّ عِدْلٍ لَأُؤْخَذَ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ و رها کن کسانی را که دینشان را به بازی و سرگرمی گرفتند! و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داده است. و بوسیله این (قرآن) یادآوری نما، مبدا شخصی به سبب آنچه کسب کرده گرفتار شود؛ در حالی که غیر از خدا، برای او هیچ یاور (و سرپرست) و شفاعت‌گری نیست؛ و اگر هر گونه تاوانی در مقابل پردازد، از او پذیرفته نخواهد شد. آنان کسانی هستند که به سبب آنچه کسب کرده‌اند، گرفتار شده‌اند. نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک برای آنان است، بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «به بازی گرفتن دین»، یا اشاره به آن است که آیین مشرکان، اعمالی پوچ و بی‌محتوا و کودکانه است که نام دین بر آن نهاده‌اند. یا اشاره به آن است که گروهی از کافران، حتی

نسبت به آیین خود به عنوان بازی و سرگرمی می‌نگریستند. و یا اشاره به آیین حق است که به صورت فطری در همه‌ی انسان‌ها وجود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۴ دارد و مشرکان این آیین حق فطری را به بازی گرفتند. «۱» ۲. آیه‌ی فوق اختصاص به مشرکان ندارد و هشدار است به همه‌ی کسانی که مقدسات و احکام الهی را بازیچه‌ی هدف‌های مادی و شخصی قرار می‌دهند، که در دنیا رها می‌شوند و در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد. ۳. مجازات مشرکان بر اثر عوامل خارجی نیست که قابل دفع باشد، بلکه از درون ذات و صفات آنها سرچشمه می‌گیرد. آنان اسیر کارهای زشت و عقاید کفرآمیز خویش‌اند. «۲» ۴. مشرکان در قیامت، هم از درون به وسیله‌ی آب سوزان و هم از برون به وسیله‌ی آتش عذاب می‌شوند. ۵. این سختی‌ها و محرومیت از شفاعت و یاری و نپذیرفتن تاوان آنها، «۳» برای کسانی است که اصرار بر کفر داشته باشند. «۴» ۶. مقصود از «رها کردن مشرکان» در آیه‌ی فوق، قطع رابطه با آنان در شرایط خاص است که گاهی به نبرد با آنان نیز می‌انجامد؛ پس مقصود نفی جهاد با آنان نیست و آیه‌ی فوق با آیات جهاد نسخ نشده است؛ چون هر کدام ظرف زمانی خاص خود را دارد و در همان شرایط قابل اجراست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عامل بدبختی و عذاب انسان، کفرورزی و عمل کرد خود اوست. ۲. دین‌داری با سستی و به بازی گرفتن مکتب سازگار نیست. ۳. فریب دنیای پست را نخورید و دین را به بازی نگیرید که گرفتار عذاب الهی می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی انعام پاسخی دیگر به مشرکان می‌دهد و می‌فرماید: ۷۱. قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ فِي الْأَرْضِ خَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأُمْرًا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و پرستش کنیم) که سودی به ما نمی‌رساند و زیانی (نیز) به ما نمی‌رساند؛ و بعد از اینکه خدا ما را راهنمایی کرد به گذشته‌های (کفرآمیز) مان باز گرداننده شویم؟! همانند کسی که شیطان‌ها او را به سقوط (و گمراهی) کشانده‌اند، در حالی که در زمین سرگردان است. (و) او همراهانی دارد که وی را به هدایت فرا می‌خوانند، (و می‌گویند): به سوی ما بیا! بگو: «براستی رهنمایی خدا، تنها راهنمایی (حقیقی) است؛ و به ما فرمان داده شده: برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به قاعده‌ی «دفع ضرر و جلب منفعت» اشاره می‌کند. معمولاً کارهای انسان دو سرچشمه دارد، یا برای جلب منافع مادی و معنوی است، و یا برای دفع زیان‌های مادی و معنوی؛ و بت‌ها نه نفعی دارند که آن را به دست آوریم، نه ضرری دارند که از آن بترسیم؛ پس شرک و بت‌پرستی کاری تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۶ غیرمنطقی و نامعقول است. ۲. در این آیه بیان شده که انسان بین دو راهی است: از طرفی شیطان او را وسوسه می‌کند و به سوی سقوط می‌کشاند و از طرف دیگر، برخی افراد هدایتگر راه صحیح را به او نشان می‌دهند؛ و این خود انسان است که می‌تواند راه هدایت را انتخاب کند و تسلیم پروردگار شود. ۳. پیامبر اسلام هیچ سابقه‌ی شرک و بت‌پرستی ندارد. آیه‌ی فوق از زبان تمام مسلمانان سخن می‌گوید که برخی سابقه‌ی شرک و بت‌پرستی داشتند؛ از این رو می‌گوید: «بت‌پرستی، ما را به حال سابق بازمی‌گرداند». و به خاطر همین، ضمیرهای آیه را جمع آورده است. ۴. قرآن کریم برای بیان مطالب حق، از مثال و تشبیه استفاده می‌کند؛ هم‌چون آیه‌ی فوق که می‌فرماید: «شیطان، برخی انسان‌ها را به پیروی از هوای نفس و سقوط می‌کشاند، به طوری که در حیرت فرو می‌روند و سرگردان می‌شوند». البته قبلاً بیان کردیم که واژه‌ی «شیطان» به معنای هر موجود شرور، اعم از انسان و جن است. و مقصود از کشاندن انسان، مجبور کردن او نیست؛ چرا که شیطان انسان را وسوسه می‌کند و این خود انسان است که اراده و اختیار دارد و راهی را انتخاب می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک ورزیدن، کاری غیر منطقی، ارتجاعی و نوعی سرگردانی است. ۲. شیطان شما را به سقوط می‌کشاند (پس از او پیروی نکنید). ۳. بر سر دو راهی‌ها، راه هدایت را انتخاب کنید. ۴. تسلیم خدا باشید (نه معبودهای دروغین). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۷ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی انعام، به برپاداشتن نماز و پارسایی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲. وَأَنْ أَوْفُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را به پا دارید؛ و [خودتان را] از [عذاب او حفظ کنید؛ و او کسی است که فقط به سوی او

گردآوری خواهید شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حقیقت آخرین جمله‌ی آیه‌ی قبل و جملات این آیه یک برنامه‌ی چهار ماده‌ای را برای سعادت انسان بیان می‌کنند که عبارت است از: الف) توحید و تسلیم در مقابل خدا؛ ب) توجه به معاد و بازگشت به سوی خدا؛ ج) محکم ساختن پیوند انسان با خدا از طریق نماز؛ د) حفظ خود و پرهیز از زیان‌های گناه. ۲. با توجه به نزول سوره‌ی انعام در مکه، از این آیه روشن می‌شود که دستور خواندن نماز برای مسلمانان، در مکه نیز بوده است. ۳. آیه‌ی فوق، با توجه به آیه‌ی قبل، اشاره دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان تسلیم دستورات الهی هستند و از آن‌جا که معتقد به توحید و معاد و متعهد در برابر نماز و تقوا هستند، نمی‌توانند شرک بورزند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به وسیله‌ی نماز با مبدأ هستی ارتباط برقرار کنید و به معاد و انتهای هستی توجه داشته باشید و مسیر را با تقوا بپیمایید. ۲. توجه به مبدأ و معاد و تقوا داشته باشید (تا گرفتار شرک نشوید). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۸ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی انعام به نشانه‌ها و صفات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۳. وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید؛ و روزی که (خدا) می‌گوید: «باش پس (فوراً موجود) می‌شود.» سخنش حق است؛ و روزی که در «شیپور» دمیده می‌شود، فرمانروایی فقط از آن اوست؛ (او) دانای نهان و آشکار است؛ و او فرزانه آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «حق» در این آیه همان هدف و نتایج و مصالح و حکمت‌هاست؛ یعنی خدا آسمان‌ها و زمین را به خاطر هدف و مصلحتی آفرید «۱» نه بیهوده، بازیچه و بدون هدف؛ همان‌طور که سخن او نیز حق و هدف‌دار است. ۲. مقصود از «باش» این نیست که فرمان لفظی توسط خدا صادر می‌شود، بلکه منظور آن است که هر گاه خدا اراده‌ی آفرینش چیزی را بنماید، بدون نیاز به هیچ عامل دیگری، به اراده‌اش جامه‌ی عمل می‌پوشاند و اگر اراده کند که چیزی، به طور دفعی یا تدریجی به وجود آید، همان‌گونه می‌شود. ۳. مالکیت و فرمانروایی خدا در دنیا و آخرت، هر دو هست؛ در دنیا اسباب و عواملی وجود دارد که انسان را غافل می‌کند، ولی در رستخیز این اسباب از کار می‌افتد و مالکیت و فرمانروایی او روشن‌تر می‌گردد. ۴. در آیه‌ی فوق به صفات «علم و حکمت الهی» اشاره شده است. این که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۹

ماجراهای ابراهیم (ع)

خدا هم آگاه است و هم حکیم؛ یعنی به مقتضای آگاهی‌اش اعمال نهان و آشکار بندگان را می‌داند و به مقتضای حکمتش به هر کس جزای مناسب می‌دهد و در مجازات افراد عجله نمی‌کند. ۵. قرآن کریم در آیه‌ی فوق از یک «نفخ صور» (دمیدن در شیپور رستخیز)، اما در آیه‌ی ۶۸ زمر از دو نفخ صور سخن به میان آورده که یکی ویرانگر و دیگری برانگیزنده‌ی مردم است (ان شاء الله- ذیل آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی زمر این مبحث را پی می‌گیریم). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش جهان هدف‌دار و حکیمانه است. ۲. اراده‌ی الهی هدف‌دار و حتمی است. ۳. خدا از نهان و آشکار شما آگاه است (پس مراقب کردار خود باشید). ۴. با مطالعه در آفرینش هدف‌دار جهان، خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی انعام به مبارزات ابراهیم با شرک و بت‌پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ إِذْ أَرَّزَ أَنْتَخِذْ أَصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم به پدر (مادرش یا عموی) ش «آزر»، گفت: «آیا بت‌هایی را معبودان (خود) می‌گیری؟! در واقع من، تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اب» در لغت عرب غالباً به پدر گفته می‌شود، اما گاهی به جد مادری، عمو، مربی و معلم نیز گفته می‌شود. بنا به دلایلی، در آیه‌ی فوق، مقصود از «پدر ابراهیم»، یا پدر مادری او و یا عموی اوست: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۰ الف) در منابع تاریخی نام پدر ابراهیم «تارح» گفته شده و حتی در کتاب‌های عهدین (تورات و انجیل و ملحقات آنها) نیز «آزر» پدر ابراهیم شمرده نشده است. «۱» ب) از طرفی، قرآن کریم می‌فرماید: مسلمان حق

ندارد برای مشرکان استغفار کند (۲) و از طرفی می‌گوید: ابراهیم در اواخر عمر خویش برای «والد» و پدر خود طلب آموزش کرد؛ (۳) پس معلوم می‌شود که «والد» و پدر ابراهیم غیر از آزر است که از او به عنوان «اب» یاد شده است. (۴) ج در قرآن کریم واژه‌ی «اب» گاهی به عمو نیز گفته شده است؛ مثل آیه‌ی ۱۳۳ سوره‌ی بقره، که از اسماعیل، عموی یعقوب، با عنوان اب (آباء) یاد شده است. (د) در برخی از احادیث که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که همواره خدا مرا از صلب پدران پاک به رحم مادران پاک منتقل می‌ساخت و هرگز مرا به آلودگی‌های دوران جاهلیت آلوده نساخت. (۵) ه تمام دانشمندان و مفسران شیعه و گروهی از دانشمندان اهل سنت گفته‌اند که آزر پدر ابراهیم نبود. (۶) تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۱. ۲. ابراهیم در دعوت خود به سوی خدا، خویشاوندانش را فراموش نکرده است. آری شیوه‌ی صحیح دعوت آن است که رهبران و مبلغان دینی، نخست از نزدیکان خود شروع کنند و با بیانی نرم و آرام عقاید آنان را اصلاح کنند. ۳. بت پرستی گمراهی آشکار است؛ زیرا انحرافی است که وجدان‌های سالم و عقل بشر آن را نمی‌پذیرد؛ و کدام گمراهی از این آشکارتر که انسان مخلوقی را معبود خویش قرار دهد؛ آری، بت پرستی یک انحراف است و باید با آن مبارزه کرد و در این جا سن و کثرت جمعیت طرفداران مطرح نیست، بلکه حق و باطل مطرح است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بت پرستی، کژروی آشکار است (از آن پرهیزید). ۲. اصلاحات عقیدتی را از نزدیکان خود شروع کنید. ۳. در هدایت مردم و نهی از منکر از بیانی نرم استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی انعام به مشاهده‌ی ملکوت توسط ابراهیم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۵. وَكَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ و اینگونه، فرمانروایی مطلق آسمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایاندم؛ (تا بدان استدلال کند) و بخاطر آنکه از یقین کنندگان باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ملکوت، فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است، اما حقیقت تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۲ ملکوت چه بوده است؟ (۱) مفسران قرآن در این مورد دیدگاه‌های متفاوتی دارند: برخی بر آن‌اند که این آیه فشرده‌ای از آیات بعد است که در آن‌جا سخن از مشاهده‌ی وضع خورشید و ماه و ستارگان به میان آمده است. (۲) و برخی دیگر گفته‌اند عالم ملکوت، عالم اسرار و نظم و شگفتی و جهان غیب است. (۳) ۲. در حدیثی از امام باقر علیه السلام حکایت شده: خدا به چشم ابراهیم قدرت و نوری بخشید که عمق آسمان‌ها و زمین را مشاهده کند. (۴) و در برخی از احادیث نیز آمده است که خدا همان‌گونه که به ابراهیم علیه السلام ملکوت را نشان داد، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز نشان داد. (۵) ۳. یکی از آثار دیدن ملکوت، یقین است و یقین عالی‌ترین درجه‌ی ایمان است. ابراهیم علیه السلام یقین استدلالی و فطری بر یگانگی خدا داشت، اما با مطالعه در اسرار آفرینش، یقین او به حد کمال رسید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ملکوتیان اهل یقین می‌شوند. ۲. هم‌چون ابراهیم زندگی کنید تا به اسرار ملکوت دست یابید و اهل یقین شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و ششم سوره‌ی انعام به استدلال منطقی ابراهیم بر توحید از طریق غروب ستاره اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۶. فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ الَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا قَالْ هٰذَا رَبِّيْ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَأَحِبُّ الَّاْفَلِيْنَ و هنگامی که شب بر او پرده افکند، سیاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این پروردگار من است؟» و هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «کوکب» در این آیه چیست؟ شاید کوکب، سیاره‌ی زهره یا مشتری باشد. از روایات تاریخی استفاده می‌شود که این دو سیاره در زمان‌های قدیم پرستیده می‌شدند. (۱) مشتری، ربّ النوع «عدل و علم» به شمار می‌رفت، مریخ ربّ النوع «جنگ»، و خورشید هم پادشاه همه. (۲) در برخی از احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز تصریح شده که مقصود از «کوکب» در آیه‌ی فوق همان زهره است. (۳) ۲. مقصود از این که ابراهیم علیه السلام گفت: «این خدای من است.» چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۴ در این مورد حداقل دو احتمال تفسیری وجود دارد: نخست این که ابراهیم، در عمق فطرت خویش به خدا ایمان داشت، اما می‌خواست خود بیندیشد و از راه دلیل عقلی، مصداق حقیقی آن را بیابد و به مرحله‌ی «حق یقین» برسد؛ پس این جمله‌ی ابراهیم علیه السلام یک خبر قطعی نیست، بلکه یک فرض و احتمال برای تفکر و استدلال و راهی برای تحقیق بیش‌تر و

شناسایی بهتر است. احتمال دوم آن است که ابراهیم این جمله را از باب همراهی با بت پرستان و برای جلب توجه آنان گفت، تا بتواند بر مبنای آنان سخن بگوید و توحید را اثبات کند؛ یعنی در حقیقت می‌گفت: «به اعتقاد شما این خدای من است.» و یا به صورت پرسشی می‌گفت: «آیا این خدای من است؟» در مورد هر دو احتمال فوق احادیثی نیز از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است. «۱» ۳. در حدیثی از امام باقر یا صادق علیهما السلام حکایت شده که ابراهیم این سخن را به عنوان تحقیق در باره‌ی پروردگارش گفت و هرگز سخن او کفر نبود؛ و هر کس در این مورد تفکر و تحقیق کند، همانند ابراهیم خواهد بود. «۲» ۴. شکل استدلال ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی فوق به چند صورت ترسیم می‌شود: الف) پروردگار و ربّی موجودات باید همیشه در ارتباط نزدیک با آنان باشد؛ بنابراین، موجودی که غروب می‌کند و از موجودات زمینی جدا می‌شود، نمی‌تواند پروردگار و ربّ باشد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۵ ب) سیاره‌ای که دارای غروب و طلوع است، خود اسیر قوانین طبیعت است؛ پس این سیاره چگونه می‌تواند حاکم و مالک و ربّ آنها باشد. ج) سیاره‌ای که دارای حرکت است، حتماً حادث است و چیزی که در معرض حوادث است نمی‌تواند یک موجود ازلی و ابدی باشد. «۱» د) استدلال ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی فوق مبتنی بر محبت است؛ یعنی من محبت و کشش درونی به ستارگان غروب کننده و بی‌دوام ندارم؛ محبت و عشق من به موجودی باکمال و دائمی است. ۵. معبود انسان باید محبوب و معشوق او باشد؛ و محبوب واقعی کسی است که اسیر مکان و زمان محدود و متغیر نباشد. آری، روح دین، محبت و عشق است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موجودات ناپایدار را به عنوان معبود و محبوب خود انتخاب نکنید. ۲. با مطالعات کیهان‌شناسی، خداشناس شوید. ۳. برای شناخت معبود، مشاهده و تفکر و استدلال کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی انعام به استدلال ابراهیم علیه السلام بر توحید از طریق غروب ماه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷. فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ و هنگامی که ماه را در حال طلوع دید، گفت: «این پروردگار من است؟» و هنگامی که غروب کرد، گفت: «اگر پروردگار مرا راهنمایی نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان بودم.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام با مشاهده‌ی طلوع ماه تابان، آن را خدای خویش خواند، ولی هنگام غروب ماه، «۱» ماه پرستی را نفی کرد. «۲» این همان شیوه‌ای است که در مورد سیاره‌ی زهره یا مشتری به کار برد، تا شاید عقل و فطرت ستاره‌پرستان بیدار شود و هدایت گردند. ۲. ابراهیم علیه السلام در استدلال خویش برای نفی شرک و اثبات توحید، از روش گام به گام استفاده کرد. در آیه‌ی قبل گفت: سیاره پرستی را دوست ندارم و در این آیه گفت: ماه پرستی، انحراف و گمراهی است. ۳. در راه شناخت، لازم است به فیض و هدایت الهی تکیه کنیم که بدون آن نمی‌توانیم به سرچشمه‌ی زلال معارف برسیم و گمراه می‌شویم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت و نجات از گمراهی، کار خداست. ۲. با مطالعات کیهان‌شناسی، خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی انعام به استدلال ابراهیم علیه السلام بر توحید از طریق غروب خورشید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۸. فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۷ و هنگامی که خورشید را در حال طلوع دید، گفت: «این پروردگار من است؟ این (از همه) بزرگ‌تر است!» و هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم! من! براستی که من نسبت به آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی احادیث از امام رضا علیه السلام حکایت شده که ابراهیم علیه السلام با سه گروه بت پرست روبه‌رو بود: گروهی زهره، گروهی ماه و گروهی خورشید را می‌پرستیدند «۱» (و شاید به همین دلیل سه بار استدلال کرد). ۲. بزرگی و کوچکی اجسام در عبودیت تأثیری ندارد، مهم آن است که این اجسام مادی، ناپایدار و زوال‌پذیرند، پس نمی‌توانند خدا باشند. ولی ابراهیم علیه السلام راه توحید را گام به گام پیمود؛ اول عبادت سیاره، بعد ماه و بعد خورشید را بررسی و نقد کرد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. براثت از شرک، فریادی ابراهیمی است. ۲. اول استدلال کنید و اگر مؤثر نشد، براثت و بی‌زاری بجوید. ۳. در استدلال، گام به گام و از کوچک به بزرگ پیش بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی انعام به

توحید و حق‌گرایی ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۹. اِنِّیْ وَجَّهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۸ برآستی که من حق‌گرایانه روی (وجود) خود را به سوی کسی متوجه کردم، که آسمان‌ها و زمین را شکافته [و آفریده است. و من از مشرکان نیستم]. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام مظهر توحید خالص و حق‌گرایی است. «۱» او با تمام وجود رو به سوی خدا آورد و توحید را فریاد زد و از شرک و بت‌پرستی بیزاری جست، تا الگو و آموزه‌ای برای همه‌ی جهانیان باشد. ۲. «فَطَرَ» به معنای شکافتن از طول است و به خلق و آفرینش هم «فطر» گفته می‌شود؛ زیرا جهان به صورت توده‌ی واحدی بود که شکافته شد و خلق گردید؛ شاید این تعبیر اشاره به انفجار بزرگ در پیدایش جهان باشد. «۲» ۳. واژه‌ی «وَجْه» به معنای ذات و صورت می‌آید و از آن‌جا که در هنگام توجه به کسی یا چیزی، انسان صورت خود را به آن طرف می‌گرداند، این تعبیر نشان‌دهنده‌ی توجه و عنایت به یک‌مطلب است؛ آری، ابراهیم با تمام وجود رو به سوی خدا داشت. ۴. مراحل و منازل سیر و سلوک تا ترنم خلیلی: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: انسان سالک پس از آن‌که، متسنن به سنن الهیه و متلبس به لباس شریعت شد و اشتغال به تهذیب باطن و تصقیل سرّ و تطهیر روح و تزیه قلب پیدا کرد، کم‌کم از انوار غیبیه‌ی الهیه در مرآت (آئینه) قلبش تجلیاتی حاصل شود و با جذب‌های باطنیه و عشق فطری جبلی، مجذوب عالم غیب گردد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۹ و پس از طی این مراحل، سلوک الی الله با دست‌گیری باطنی غیبی شروع شود و قلب، حق‌طلب و حق‌جو شود و وجهی قلب از طبیعت منسلخ و به حقیقت منسلک گردد و با جذوه‌ی نار محبت و نور هدایت که یکی رفرع عشق و یکی براق سیر است، به سوی کوی محبوب و جمال جمیل ازل رهسپار شود و دست و رو از آلودگی توجه به غیر، شست و شو دهد و با قلب پاک از آلودگی به رجز (: پلیدی) شیطان که حقیقت سوائیت (: جدایی) و اصل اصول شجره‌ی منحوسه‌ی خبیثه‌ی غیریت و کثرت است، متوجه مقصد و مقصود گردد و مترنم به «وَجَّهْتُ وَجْهَیْ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ» گردد و خلیل آسا، تفرز آفلین (: غروب کنندگان) که مقارن نقص و رجز است، پیدا کند و توجه به کمال مطلق، نقشه‌ی قلب او گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه صحیح توحید، حق‌گرایی و دوری از شرک است. ۲. هم‌چون ابراهیم علیه السلام، توحید شما همراه با برائت از مشرکین باشد. ۳. هر گاه راه را یافتید، با قاطعیت اعلام کنید و پیش بروید و از تنهایی نهراسید. ۴. با مطالعه در آفرینش جهان، به توحید و خداشناسی برسید. * * * تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۰ قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی انعام به گفت و گوی مشرکان و ابراهیم علیه السلام در باره‌ی خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۰. وَحَآجَّهٗ قَوْمُهُ قَالَ اَتُحْجَبُونَ فِی اللّٰهِ وَقَدْ هَدَانِ وَاَلَا اَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهٖ اِلَّا اَنْ یَّشَآءَ رَبِّیْ شَیْئًا وَسِعَ رَبِّیْ کُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ و [لی قومش به بحث [و جدل با او پرداختند؛] ابراهیم گفت: «آیا در باره خدا با من گفتگو (و جدل) می‌کنید؟! و حال آنکه (خدا مرا) راهنمایی کرده است؛ و من از آنچه شریک او قرار می‌دهید، ترسی ندارم (و به من زبانی نمی‌رسانند)، مگر پروردگارم چیزی را بخواهد؛ علم پروردگارم بر هر چیز گسترده است؛ آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان می‌کوشیدند، ابراهیم علیه السلام را از عقیده‌ی توحیدی‌اش باز دارند و به بت‌پرستی بکشانند، ولی او با شهادت کامل مقاومت کرد و با دلایل منطقی به آنان پاسخ داد. ۲. تعبیر ابراهیم علیه السلام که گفت: «مگر این که خدا بخواهد»، برای آن بود که بگوید: اگر در گیر و دار مبارزه حادثه‌ای برای او پیش آید، ربطی به بت‌ها ندارد، بلکه خواست پروردگار است؛ چرا که بت‌های بی‌شعور و بی‌جان نمی‌توانند به کسی زیان برسانند. ۳. اشاره به علم بی‌کران الهی، دلیل دیگری است بر این که از بت‌ها کاری ساخته نیست؛ یعنی بت‌هایی که علم و آگاهی ندارند، نمی‌توانند منشأ سود و زیان باشند. ۴. مشرکان دچار توهمات و خرافات بودند و از بت‌ها و آسیب رساندن آنها می‌ترسیدند؛ یعنی ترس، عامل شرک‌ورزی آنان بود، اما انسان موحّد از این خرافات و ترس‌ها به دور است. آری، انسان موحّد نه از جمعیت زیاد می‌ترسد و نه از بت‌ها؛ و در مقابل همه می‌ایستد و سخن حق خود را می‌گوید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت و توحید، عامل شجاعت است. ۲. اگر مخالفان با شما بحث کردند، به آنان پاسخ مناسب بدهید. ۳. موحّدان از شرک (و مشرکان) نهراسند (که خدا با

آنهاست). ۴. سود و زیان شما به دست خدای داناست (پس، از مشرکان نهراسید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی انعام مقایسه‌ی منطقی مشرکان با ابراهیم موحد را حکایت می‌کند و می‌فرماید: ۸۱. وَكَيْفَ أَخَافُ مِآ أَسْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ و چگونه از آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بترسم؟ و حال آنکه شما نمی‌ترسید از اینکه چیزی را شریک خدا قرار می‌دهید، که هیچ دلیلی در باره آن بر شما فرو نفرستاده است. پس اگر می‌دانید، کدام یک از دو دسته (بت پرستان و خداپرستان)، به امنیت سزاوارترند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هیچ دلیل و برهانی بر پرستش بت‌ها وجود ندارد؛ زیرا چنین دستوری، یا باید از طریق عقل اعلام شود و یا وحی و نبوت، ولی هیچ یک از این دو نبود؛ پس مشرکان برهان ندارند. «۱» ۲. این آیه مشرکان را سرزنش می‌کند که چرا از خدا نمی‌ترسید و برای او شریک قرار می‌دهید بت پرستان «الله» را به عنوان خالق آسمان‌ها و زمین پذیرفته بودند و فقط بت‌ها را در عبادت او شریک می‌دانستند. منطقی ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی فوق یک منطقی عقلی است که می‌گوید: شما تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۲ مرا تهدید به خشم بت‌هایی می‌کنید که تأثیر وجودی آنها موهوم است، اما از خشم خدایی که من و شما هر دو او را پذیرفته‌ایم، وحشتی ندارید؛ یعنی چرا یک موضوع قطعی را رها کرده و به یک موضوع موهوم چسبیده‌اید. ۳. ابراهیم علیه السلام در بحث و مناظره، وجدان و عقل افراد را به داوری می‌طلبید و تعصب به خرج نمی‌داد و با این که حق با او بود، می‌گفت: «کدام یک از ما به امنیت سزاوارتر است؟». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید امنیت به بار می‌آورد (بر خلاف شرک). ۲. شرک عقیده‌ای بی‌منطق و بی‌دلیل است (بر خلاف توحید). ۳. اگر امنیت می‌خواهید، از شرک دوری گزینید و به سوی توحید روی آورید. ۴. هم‌چون ابراهیم علیه السلام، تابع برهان و دلیل باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و دوم سوره‌ی انعام به شرایط ایمان و نتایج آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۲. الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ کسانی که ایمان آوردند، و ایمانشان را با ستم (شرک) نیامیختند، امنیت تنها برای آنهاست؛ و آنان راه یافتگانند!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام در سخن خویش، که در آیه‌ی قبل بیان شد، اشاره کرد که ایمان موجب امنیت و شرک موجب ترس و ناامنی است و اینکه در این سخن «۱» این قانون کلی را بیان می‌کند که هر کس ایمان آورد و به خویشتن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۳ ستم نکند و ایمانش را با شرک آلوده نسازد، به هدایت الهی دست یافته است و در امنیت خواهد بود. ۲. مقصود از «امنیت» در آیه‌ی فوق، معنای اعم آن است که شامل امنیت از حوادث دردناک اجتماعی و امنیت از مجازات پروردگار و آرامش روحی می‌شود. یعنی زمانی جنگ‌ها، مفاسد، جنایات و ناراحتی‌های روحی از بین می‌رود و بشریت به آرامش دست می‌یابد که دو اصل ایمان و عدالت بر جهان حاکم شود و کفر و شرک و ستم از جهان رخ بر بندد. «۱» ۳. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که منظور از آیه‌ی فوق آن است که امنیت برای کسانی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت ایمان آورند و آن را با ولایت و رهبری دیگران مخلوط نکنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۴ روشن است که این گونه روایات، در حقیقت، بطن آیه‌ی قرآن را بیان می‌کند؛ یعنی در آیه سخن از رهبری و ولایت خدا و آمیخته نکردن آن با رهبری غیر اوست و رهبری علی علیه السلام هم پرتوی از رهبری خدا و پیامبر است؛ پس اگر معنای آیه را توسعه دهیم و ملاک و روح و بطن آیه را به دست آوریم، شامل ولایت علی علیه السلام نیز می‌شود. اما معنای آیه منحصر در این مفهوم نیست و از این روست که در برخی دیگر از احادیث آیه‌ی فوق بر خوارج تطبیق شده که از ولایت خدا بیرون رفتند و تحت ولایت شیطان قرار گرفتند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، ظلم به خویشتن است. ۲. ظلم (و شرک) آفت امنیت و هدایت انسان است. ۳. اگر امنیت و هدایت می‌خواهید، ایمان آورید و از ظلم و شرک دوری کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و سوم سوره‌ی انعام یک نتیجه‌ی کلی از دلایل ابراهیم علیه السلام می‌گیرد و می‌فرماید: ۸۳. وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ و این [ها] دلیل ما بود که آنها را به ابراهیم در برابر قومش دادیم! رتبه‌های هر کس را بخواهیم (و شایسته باشد) بالا می‌بریم؛ براستی که پروردگار تو، فرزانه‌ای داناست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم،

ص: ۱۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. استدلال‌های ابراهیم، جنبه‌ی منطقی داشت و او با نیروی عقل و الهام از فطرت بدانها رسیده بود، ولی چون نیروی عقل و فطرت هم از ناحیه‌ی خداست، همه‌ی این استدلال‌ها از مواهب الهی شمرده می‌شود. ۲. واژه‌ی «تَلْکَ» برای اشاره به دور است، ولی گاهی اهمیت موضوع و بلندپایه بودن آن سبب می‌شود که یک موضوع نزدیک، مثل دلایل ابراهیم علیه السلام بر توحید، با اسم اشاره‌ی دور ذکر شود. «۱» ۳. دو واژه‌ی «حکیم» و «علیم» در پایان آیه، اشاره دارد که خدا درجات افراد را بر اساس آگاهی به شایستگی آنان و موافق موازین حکمت می‌دهد و تبعیضی قایل نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، اراده‌ی الهی تابع علم و حکمت اوست و بدون دلیل درجه‌ی کسی را بالا نمی‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا، با الهام دلایل، به رهبران الهی یاری می‌رساند. ۲. درجات معنوی شما به دست خداست و براساس علم و حکمت تنظیم می‌شود. ۳. در برابر مردم، براساس حقیقت و دلیل سخن بگویید. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و چهارم تا هشتاد و هفتم سوره‌ی انعام به نعمت‌های الهی بر ابراهیم و نسل او و تأثیر نیکوکاری آنها در این باره اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۴-۸۷. وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِيلِيَّاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ * وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ * وَمِنَ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَاسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ رَا بَهُ أَوْ [ابراهيم بخشیدیم؛ در حالی که همگی را راهنمایی کردیم؛ و نوح را پیش از (این) راهنمایی نمودیم؛ و از نسل او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و هارون را (راهنمایی کردیم)؛ و اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم! * و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس (را راهنمایی کردیم)؛ در حالی که همگی از شایستگانند. * و اسماعیل و الیسع و یونس و لوط (را راهنمایی کردیم)؛ و همگی را بر جهانیان برتری دادیم. * و از پدرانشان و نسل آنان و برادرانشان (برخی را بر جهانیان برتری دادیم) و آنان را برگزیدیم؛ و ایشان را به راه راست، راهنمایی کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نسل نیکو و فرزندان صالح، لایق و برومند، یکی از موهبت‌های الهی است که خداوند به افرادی هم‌چون ابراهیم علیه السلام عنایت می‌کند. این عنایت الهی نوعی سپاس‌گزاری نسبت به زحمات ابراهیم علیه السلام و فداکاری او در راه توحید است، هر چند تربیت پدر و شایستگی فرزندان نیز در این باره اثر دارد. ۲. در این آیات اشاره به اسحاق شد، اما به فرزند دیگر حضرت ابراهیم، یعنی اسماعیل، در آیات بعد اشاره می‌شود. شاید این به خاطر تولد عجیب اسحاق بود که از مادری عقیم و پیر به دنیا آمد که خود موهبتی مضاعف بود. ۳. آیات فوق با تأکید بر هدایت فرزندان ابراهیم، «۱» بدین نکته اشاره دارد تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۷ که پیامبرزادگی به تنهایی نمی‌تواند مایه‌ی افتخار باشد، بلکه افتخارات در سایه‌ی هدایت و نیکوکاری حاصل می‌شود. ۴. قبل از ابراهیم علیه السلام نیز پیامبران بزرگی هم‌چون نوح، بودند؛ نوح نخستین پیامبر اولوالعزم و دارای شریعت بود و ابراهیم ادامه دهنده‌ی خط توحیدی پیامبران قبلی بود. ۵. در این آیات نام ۱۷ تن از پیامبران الهی آمده است. در آیه‌ی اول نام پیامبرانی آمده که غالباً حکومت داشتند؛ در آیه‌ی دوم نام پیامبرانی آمده که زاهدانه زندگی کردند؛ و در آیه‌ی سوم نام پیامبرانی آمده که مشکلات و ویژه‌ای داشتند و هجرت کردند. ۶. سنت هدایت بشر توسط پیامبران، همواره جریان داشته است، و هدایت بی‌جهت به افراد داده نمی‌شود، بلکه بر اساس اعمال نیک و شایستگی آنان است. ۷. در این آیات، عیسی علیه السلام از فرزندان ابراهیم شمرده شده است، با این که او پدر نداشت و فقط از طرف مادر به ابراهیم علیه السلام منسوب بود. این دلیل بر آن است که سلسله‌ی نسب از طرف پدر و مادر یکسان است و نوه‌های پسری و دختری هر دو فرزند انسان محسوب می‌شوند. ۸. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام به آیه‌ی فوق استدلال شده که امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان و ذریه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، همان‌طور که عیسی فرزند و ذریه‌ی ابراهیم بود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۸. ۹. «الیسع» نام یکی از پیامبران پیشین، از نسل ابراهیم علیه السلام بود «۱» و حضرت «لوط» برادرزاده یا خواهرزاده‌ی ابراهیم علیه السلام بود، اما در لغت عرب گاهی لفظ «اب» (: پدر) به عمو نیز گفته می‌شود، همان‌طور که لفظ ذریه (: نسل) و فرزند، به برادرزاده و خواهرزاده نیز گفته

می‌شود؛ پس مانعی ندارد که بر اساس ظاهر آیه، لوط را منسوب به ابراهیم بدانیم. (۲) ۱۰. در مورد حضرت «یونس» بین مورخان اختلاف هست؛ برخی او را از نسل ابراهیم شمرده و برخی او را یکی از پیامبران بنی اسرائیل دانسته‌اند، ولی اشکالی ندارد که بر اساس ظاهر آیه، یونس را منسوب به ابراهیم علیه السلام بدانیم. (۳) ۱۱. برخی مفسران تعبیرات «برگزیدن و هدایت نمودن» را در آیه‌ی فوق دلیل بر نبوت گرفته‌اند؛ بنابراین، معنای آیه این می‌شود که برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران را به مقام نبوت برگزیدیم. با توجه به این تفسیر، لازم نیست بگوییم برخی پدران پیامبران هدایت شده و برخی هدایت نشده‌اند، بلکه می‌توان گفت همه‌ی پدران پیامبران با ایمان و هدایت یافته بودند اما برخی از آنان به مقام نبوت نرسیدند. (۴) ۱۲. هدف از بیان داستان‌های پیامبران در قرآن چیست؟ امام عارفان در این مورد می‌نویسند: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۹ عزیزا! این آیات الهیه و تعالی ربانیه برای بیدار کردن ما بیچاره‌های خواب و هشیار نمودن ما سرمستان غافل آمده. این قصص قرآنی که حاصل معارف تمام انبیا و خلاصه‌ی سیر و رشد همه‌ی اولیا و بیان درد و درمان هر عیب و مرض نفسانی و نور هدایت طریق الهی و انسانی است، برای قصه گفتن و تاریخ عالم نیامده. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسل نیکو از مواهب الهی است. ۲. مواهب الهی براساس نیکوکاری و شایستگی افراد عطا می‌شوند. ۳. پیامبران نیکوکار و صالح و برتری آنان را بر جهانیان بشناسید (و راه مستقیم آنها را ادامه دهید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی انعام به هدایت پیامبران توسط خدا و نابودی اعمال به وسیله‌ی شرک اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۸. ذَلِكْ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِي بِهٖ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَلَوْ اَشْرَكُوْا لَحَبَطَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ اِیْنَ، رهنمود خداست؛ که هر کس از بندگانش را (شایسته بداند و) بخواهد، با آن راهنمایی می‌کند! و اگر (بر فرض) شرک ورزند، آنچه همواره انجام داده‌اند حتماً از ایشان تباہ می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی با نیروی عقل در طریق هدایت گام برمی‌داشتند، ولی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۰ اگر توفیق الهی شامل حال آنان نمی‌شد، به نعمت نبوت و هدایت دست نمی‌یافتند. ۲. این آیه به این قانون و سنت الهی اشاره دارد که شرک موجب نابودی اعمال نیک افراد می‌شود؛ چرا که همه‌ی برکات و هدایت‌ها و سعادت‌های دنیوی و اخروی در سایه‌ی توحید به دست می‌آید و اگر کسی از خط راست توحید منحرف شود، تمام تلاش‌های قبلی خود را ضایع ساخته است. ۳. پیامبران نیز مشمول قوانین الهی هستند و از این نظر فرقی با دیگران ندارند و تبعیض در کار خدا نیست؛ پس اگر آنان نیز مشرک شوند، اعمالشان نابود می‌شود؛ البته پیامبران معصوم هستند و مشرک نمی‌شوند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، عامل نابودی اعمال نیک انسان است. ۲. هدایت موهبتی الهی است که با لطف و توفیق خدا شامل حال افراد می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی انعام به سه امتیاز پیامبران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۹. اُولٰٓئِكَ الَّذِیْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ وَالْحٰكَمَ وَالنُّبُوَّةَ فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُوَ لَآءٍ فَقَدْ وَاكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّیْسُوْا بِهَا بِكٰفِرِیْنَ اَنْ (پیامبر) آن کسانی هستند که کتاب [الهی و حکم و نبوت به آنان دادیم؛ و اگر آن (کافر) آن بدان کفر ورزند، پس حتماً گروه (دیگر) ی را حمایتگر (و نگهبان) آن می‌سازیم که بدان کافر نیستند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از آیه‌ی فوق آن نیست که به همه‌ی پیامبران «کتاب» داده شده است، بلکه مقصود آن است که به پیامبران، تعدادی کتاب داده شده است؛ به برخی از پیامبران مستقیم و به برخی دیگر غیرمستقیم. ۲. واژه‌ی «حکم» در اصل به معنای «منع و جلوگیری» است، اما در آیه‌ی فوق ممکن است به معنای «درک و فهم» یا «مقام داوری» یا «زام‌داری» باشد؛ چرا که هر سه مورد مانع اشتباهات و ستم‌هاست. این واژه در قرآن کریم به هر سه معنا به کار رفته است «۱» و مانعی ندارد که در آیه‌ی فوق هر سه معنا مقصود باشد؛ یعنی برخی از پیامبران دارای بعضی از این مقامات بودند. ۳. هر گاه کافران از دین و نبوت سر باز زنند، قومی دیگر به جای قوم عرب می‌آید و دین اسلام را می‌پذیرد «۲» و از آن محافظت می‌کند. برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود آیه، ملت ایران است که زود اسلام را پذیرفتند و در پیشرفت آن کوشیدند و دانشمندان آنها کتاب‌های زیادی در رشته‌های مختلف تألیف کردند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه حق بی‌طرف‌دار نمی‌ماند و ادامه خواهد یافت. ۲. مقامات پیامبران الهی و کتاب‌های آنها را بشناسید و بدانها کفر نورزید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۲ قرآن کریم در

آیه‌ی نودم سوره‌ی انعام پیامبران الهی را الگویی برای رهبر اسلام معرفی می‌کند و با یادآوری زحمات بدون مزد آنان می‌فرماید: ۹۰. *أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِيَهُ قُلْ لَّا أَشْتَرُ بِكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنِّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ* آن (پیامبر) ان کسانی هستند که خدا (آنان را) راهنمایی کرده؛ پس از هدایت آنان پیروی کن! بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم؛ این (رسالت و قرآن چیزی) جز یادآوری برای جهانیان نیست!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصول دعوت پیامبران الهی یکی است، اما از نظر ویژگی‌ها، به تناسب نیازمندی‌های زمان و مکان، متفاوت است و هر دین جدید، نسبت به ادیان قبل کامل‌تر شده تا به برنامه‌ی نهایی اسلام رسیده است؛ بنابراین بر پیامبران و رهبران الهی لازم است که اصول اعتقادی ادیان الهی (مثل توحید و معاد) و اصول اخلاقی (مثل نیکی به دیگران) را بپذیرند «۱» و همان خط را دنبال کنند. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به هدایت پیامبران قبلی اقتدا می‌کرد، با این حال اسلام ناسخ ادیان قبلی است؛ چون اسلام اصول کلی ادیان قبل را نسخ نکرد، بلکه قسمتی از احکام شریعت آنها را نسخ کرد. ۳. در این آیه اشاره شده که اقتدا به هدایت پیامبران پیشین نیز حالت استقلالی ندارد، بلکه هدایت آنان از آن جهت مطلوب است که هدایت الهی است. ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۳ هیچ راهی برای مؤمنان زیرک سالم‌تر از اقتدا نیست؛ چون آن راه واضح‌تر و مقصد استوارتر است. (سپس با ذکر آیه‌ی فوق فرمود) اگر برای دین خدا راهی استوارتر از اقتدا بود، پیامبران و اولیای خود را به آن تشویق می‌کرد. «۱» ۵. ارزش انسان‌ها به خط فکری و سیره‌ی عملی آنان است؛ از این رو فرمود به خود پیامبران اقتدا کن، بلکه فرمود به «هدایت پیامبران» اقتدا کن. ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در برابر رسالت خویش پاداش مادی نمی‌خواست؛ چون اولاً، در این مورد به روش پیامبران قبلی اقتدا می‌کرد «۲» و ثانیاً، رسالت او یک ودیعه‌ی الهی بود و او وظیفه‌ی رساندن آن را داشت و ثالثاً، نعمت قرآن، هدایت و رسالت، یک نعمت همگانی، هم چون نور خورشید و بارش باران است که جنبه‌ی عمومی دارد و خرید و فروش نمی‌شود. این یکی از تفاوت‌های راه پیامبران با سایر رهبران در دنیاست. ۷. رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مایه‌ی بیداری و تذکر جهانیان است. از این تعبیر استفاده می‌شود که آیین اسلام جنبه‌ی قومی و منطقه‌ای ندارد، بلکه یک آیین جهانی و همگانی است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خط همه‌ی پیامبران یکی است و به هدایت الهی ختم می‌شود. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی برنامه‌ی پیامبران پیشین را الگوی خود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۴ قرار دهند. ۳. مبلغ دینی لازم است به مردم بفهماند که در پی دنیاطلبی نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی انعام از کسانی انتقاد می‌کند که خدا را چنان که باید نشناخته‌اند و از این رو به پیامبرش خرده می‌گیرند و می‌فرماید: ۹۱. *وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا بَشْرًا مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ* و هنگامی که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ بشری فرو نفرستاده است!» خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند. بگو: «چه کسی آن کتاب را که موسی آورد، فرو فرستاد؟! در حالی که (آن کتاب) برای مردم، نور و رهنمود بود؛ (و) آن را به صورت صفحه (کاغذ) های پراکنده قرار می‌دهید؛ که (بخشی را) آشکارش می‌کنید، و (بخش) زیادی را پنهان می‌دارید؛ و حال آنکه آنچه را شما و پدرانتان نمی‌دانستید، (بوسیله آن) آموزش داده شدید.» بگو: «خدا!» سپس آنان را در فرو رفتنشان (در باطل) رها کن؛ در حالی که بازی می‌کنند! شأن نزول: حکایت شده که گروهی از یهودیان یا مشرکان «۱» به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفتند: آیا به‌راستی خدا کتابی بر تو فرستاده است؟ و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ مثبت دادند، آنان گفتند: به خدا سوگند که خدا هیچ کتابی از آسمان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۵ فرو نفرستاده است. «۱» آن‌گاه آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یهودیان و مشرکان «۲» را به عقیده‌ی خودشان الزام می‌کند و می‌گوید: شما که منکر نزول وحی هستید، چرا منکر نزول تورات بر موسی نیستید؟ مشرکان نیز دین موسی و تورات را برای یک عصر خاص قبول داشتند و حتی برای جست‌وجوی علایم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به یهود مراجعه می‌کردند. ۲. آیه‌ی فوق یهودیان را مذمت می‌کند که چرا

تورات را روی کاغذهای (۳) پراکنده می‌نوشتند و فقط آنچه به سودشان بود، به مردم عرضه می‌کردند و آنچه به زیانشان بود مخفی می‌کردند. ۳. مقصود از جمله‌ی «خدا را آن چنان که شایسته است شناختند»، چیست؟ این جمله، یا اشاره به صفت حکمت خداست؛ بدین معنا که هر کس خدا را خوب بشناسد می‌داند که حکیم است و انسان را برای هدفی آفریده و در این راه احتیاج به برنامه‌ای خاص دارد که باید از طریق وحی و کتاب تأمین شود. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۶ و یا اشاره به رحمت عام و خاص خداست که هر کس خدا را با صفت رحمت بشناسد، می‌داند که خدا اجازه نمی‌دهد انسان در مسیر سعادت تنها بماند و کسی و برنامه‌ای را برای راه‌نمایی او نفرستد. و برخی مفسران برآن‌اند که منظور آن است که خدا را به حقیقت معرفتش شناختند و یا بزرگی خدا را، چنان که باید، بزرگ نداشتند. (۱) البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از راه‌ها و منابع معرفت بشری وحی است. ۲. منکران قرآن، خدا (و صفات حکمت و رحمت و لطف او) را شناخته‌اند. ۳. با اهل کتاب براساس مبانی خودشان بحث و استدلال کنید. ۴. اگر استدلال‌های شما بر مخالفان اثر نگذاشت، توحید را تذکر دهید و از آنها روی بگردانید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۷ خدای متعال در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی انعام به مبارک بودن قرآن و هدف نزول آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۲. وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صِلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ و این کتابی خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ که آنچه [از کتابهای الهی پیش از آن آمده است را مؤید است. و برای اینکه (مردم) اُمّ القُری [مادر شهرها: مکه و کسانی را که پیرامون آن هستند، هشدار دهی! و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند، به آن [قرآن ایمان می‌آورند، در حالی که آنان بر نمازهایشان محافظت می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تصدیق کتاب‌های آسمانی توسط قرآن چیست؟ منظور آن است که اصول اساسی تعالیم آنها (مثل توحید)، مورد تأیید قرآن است و یا آن که قرآن با نشانه‌هایی که در آن کتاب‌ها آمده بود تطبیق می‌کند. ۲. در این آیه دو نشانه برای حقایق قرآن بیان شده است: یکی از نظر سند تاریخی، یعنی تصدیق و مطابقت با کتاب‌های قبلی، و دیگری از نظر محتوایی که قرآن در بردارنده‌ی خیر و برکت و سعادت بشر است. ۳. در این آیه، «هشدار» هدف قرآن معرفی شده، اما به بشارت و اهداف دیگر قرآن اشاره نشده است؛ چرا که روی سخن قرآن در این جا با منکران و مشرکان سرکش و طغیان‌گر است؛ و هشدار به اشخاص طغیان‌گر از مهم‌ترین برنامه‌های قرآن کریم است؛ و شاید از این روست که در قرآن ۱۲۰ بار هشدار و ۸۰ بار بشارت آمده است. ۵. آیین اسلام جهانی است. دلایل و شواهد زیادی در این باره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۸ الف) آیاتی که پیامبر را دعوت‌کننده‌ی تمام مردم جهان معرفی می‌کند. (۱) ب) نامه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زمام‌داران بزرگ دنیا، مانند کسری و قیصر. ج) تعبیر «کسانی که پیرامون آن هستند» در آیه‌ی فوق، که به معنای تمام مردم روی زمین است که گرداگرد مکه قرار دارند. (۲) «۶. مکه، «ام القُری»، (۳) یعنی مادر شهرهاست؛ پس لازم است که تغذیه‌ی علمی، روحی و امیدبخشی جهان اسلام از آن جا تأمین شود و نقش مادر جهان اسلام را داشته باشد. ۷. شاید تعبیر هشدار به مردم مکه برای آن باشد که تبلیغ و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله مراحل دارد؛ از دعوت خویشاوندان شروع می‌شود و بعد به مردم شهر و منطقه و سپس به همه‌ی مردم جهان می‌رسد. ۸. هر کس ایمان به آخرت دارد، به قرآن ایمان می‌آورد؛ چون این گونه افراد، جهان را مقدمه‌ای برای رسیدن به یک هدف عالی می‌دانند که برای حرکت به سوی آن هدف، برنامه و وحی و کتاب لازم است. ۹. در آیه‌ی فوق از بین تمام دستورات دینی تنها به نماز اشاره شده است؛ نماز که مظهر پیوند با خداست، از همه‌ی عبادات برتر است و به تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۹ عقیده‌ی برخی از مفسران، تنها فریضه‌ی اسلامی در هنگام نزول این آیات، نماز بود. (۱) و منظور از محافظت بر نماز، مراقبت برای انجام آن، یا در مورد وقت نمازهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن بابرکت و هشدارگر است. ۲. عقیده به جهان دیگر، زمینه‌ساز عقیده به قرآن است. ۳. قرآن باوری و

معادباوری افراد را تقویت کنید تا به نماز اهمیت دهند. ۴. اگر برکت می‌خواهید، به محضر قرآن بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی انعام به مدعیان و دروغ‌پردازان حوزه‌ی وحی اشاره می‌کند و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۹۳. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بزند، یا گوید: «به سوی من، وحی فرستاده شده.» در حالیکه به سوی او هیچ چیزی وحی نشده است، و کسی که گوید: «بزودی نظیر آنچه را خدا فرو فرستاده، فرود می‌آورم؟!» و اگر (بر فرض) بینی هنگامی را که ستمکاران در شدايد مرگ فرو رفته‌اند، در حالی که فرشتگان دست‌هایشان را گشوده‌اند، (خواهی دید که وضع آنان بسیار دردناک است و فرشتگان به آنان می‌گویند: جان‌هایتان را بیرون دهید! امروز به [سزای آنچه تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۰ همواره بناحق بر خدا می‌گفتید، و (در برابر) نشانه‌های او همواره تکبر ورزیدید، به عذابی خوار کننده مجازات خواهید شد! شأن نزول: حکایت شده که شخصی به نام «عبد الله بن سعد» که برادر رضاعی عثمان و از نویسندگان وحی بود، خیانت کرد و پیامبر او را طرد نمود. او فرار کرد و ادعا نمود که من می‌توانم همانند آیات قرآن را بیاورم. «۱» آیه‌ی فوق در این مورد فرود آمد و به او و همه‌ی مدعیان نبوت هشدار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان وحی و نبوت سه گروه‌اند: نخست کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند و آیات الهی را تحریف می‌کنند؛ دوم، کسانی که می‌گویند وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل نشد و اصل وحی و نبوت را منکر می‌شوند؛ و سوم، کسانی که به دروغ ادعا می‌کنند که به زودی آیاتی هم‌چون قرآن می‌آورند. گروه اول و سوم مطالب ناحق می‌گویند و گروه دوم در برابر نبوت تکبر می‌ورزند؛ از این رو گرفتار عذابی خوار کننده می‌شوند. ۲. مدعیان دروغین وحی و نبوت، ستم‌کارند؛ زیرا با گمراه شدن و گمراه کردن دیگران بر خود و آنان ستم می‌کنند و چه ستمی بالاتر از این که کسی که لیاقت رهبری ندارد، ادعای رهبری الهی کند. ۳. مضمون و محتوای آیه‌ی فوق یک مطلب کلی و عمومی است و همه‌ی مدعیان نبوت را شامل می‌شود و حتی روح آیه شامل هر کسی می‌شود که به دروغ ادعای مقامی را بنماید که شایسته‌ی آن نیست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۱ و در برخی احادیث نیز آمده است که تأویل آیه آن است که «هر کس ادعای امامت کند در حالی که امام نیست»، «۱» (مشمول این آیه می‌شود). «۲» ۴. تعبیر «جان خود را خارج سازید»، که خطاب به ستمگران است، نوعی تحقیر آنان از طرف فرشتگان مأمور قبض روح است، و گر نه خارج کردن روح به دست خود ستمکاران نیست، بلکه کار فرشتگان است. ۵. مجازات گناهکاران از همان لحظه‌ی جان دادن «۳» و مرگ با گشودن دست‌های فرشته‌های مرگ «۴» و تحقیر آنان آغاز می‌شود و با عذاب خوار کننده ادامه می‌یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ادعای رهبری الهی، از سوی ناهلان، بزرگ‌ترین ظلم (بر بشریت) است. ۲. مرگی سخت و عذابی خوار کننده در انتظار ستمکاران است. ۳. نسبت دادن مطالب غیرحق به خدا و تکبر در برابر آیات الهی از عوامل عذاب است. ۴. ستمکاری نکنید که گرفتار عذاب الهی می‌شوید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۲ ۵. تکبر در برابر آیات الهی، پیامدی خوار کننده دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی انعام به تنهایی انسان در قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۴. وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرْدَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْكُم مَّا حَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ شُفَعَاءَ كُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ و بیقین (به ستمکاران گفته می‌شود): همان گونه که نخستین بار شما را (تنها) آفریدیم، (اکنون نیز) تنها به سوی ما آمده‌اید؛ و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان نهاده‌اید! و شفاعتگران شما را، که می‌پنداشتید در واقع آنان در (کار شفاعت ما نسبت به) شما شریک هستند، با شما نمی‌بینیم! حتماً (پیوند) میان شما بریده شده است؛ و آنچه را همواره می‌پنداشتید از (نظر) شما گم شده است. شأن نزول: حکایت شده که یکی از مشرکان، به نام «نضر»، گفت: در قیامت دو بت «لات» و «عزی» از من شفاعت خواهند کرد. این آیه بدین مناسبت فرود آمد و به او و افرادی که همانند او فکر می‌کنند پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان عرب بر سه چیز تأکید می‌کردند: قبیله،

اموال (۲) و بت‌ها. آیه‌ی فوق با اشاره به هر سه موضوع می‌گوید: در هنگام مرگ همه‌ی این‌ها از انسان جدا می‌شوند و او تنها می‌ماند. ۲. آیه‌ی فوق در مورد مشرکان عرب نازل شده، اما اختصاص به آنان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۳ ندارد و همه‌ی انسان‌ها در قیامت تنها هستند و تمام پیوندها و معبودها و تکیه‌گاه‌ها از انسان جدا می‌شوند. ۳. در برخی احادیث آمده است که مقصود از «فردای همان حالت عریانی است، یعنی انسان در لحظه‌ی تولد و بعد از مرگ، عریان است؛ و در برخی دیگر از احادیث، این آیه بر ستمگران بنی امیه تطبیق شده است. «۱» روشن است که این گونه احادیث از باب بیان مصداق و تطبیق بر موارد است و معنای آیه محصور در این موارد نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز تنهایی و بی‌کسی است. ۲. در اندیشه‌ی روز تنهایی باشید (و برای آن روز چاره بیندیشید). ۳. به اموال و اطرافیان و معبودان غیرخدا دل نبندید که در رستاخیز کاری از آنان ساخته نیست.

نشانه‌های خدا

قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی انعام به سه نشانه‌ی خدا در زمین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۵. إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمَخْرَجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَالِقُ تُوَفِّكُونَ بَرَأْسِي كَمَا خَلَقَ اللَّهُ دَانَةَ وَهَيْسَةَ اسْت؛ زنده را از مرده بیرون می‌سازد و بیرون آورنده مرده از زنده است؛ این خداست! پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات این آیه به مهم‌ترین لحظه‌ی حیات گیاهان اشاره دارد که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۴ لحظه‌ی شکافتن دانه و هسته و تولید گیاه است. «۱» در این لحظات می‌توان به توانایی و عظمت خالق هستی پی برد. ۲. آیه‌ی فوق به نظام «۲» مرگ و حیات و تبدیل یکی به دیگری اشاره دارد. گاهی مواد بی‌جان، چهره‌هایی از حیات را به وجود می‌آورند و گاهی دگرگونی‌ها، حتی موجودات نیرومندی را از پای در می‌آورند و به موجودی بی‌جان تبدیل می‌کنند. مسأله‌ی حیات و مرگ، هنوز هم از پیچیده‌ترین مسائل علم بشر است و اسرار آن حل نشده است. پیامبران بزرگ الهی نیز با یادآوری عظمت پدیده‌ی حیات، بر وجود خدای توانا و حکیم استدلال کرده‌اند. «۳» ۳. در برخی احادیث آمده است که آیه‌ی فوق اشاره به پیدایش انسان‌های مؤمن از انسان‌های کافر و بالعکس دارد. «۴» روشن است که این گونه روایات در حقیقت مفهوم آیه را توسعه داده‌اند، تا شامل حیات و مرگ مادی و معنوی بشود؛ یعنی مؤمن که حیات معنوی دارد، از کافری که از نظر معنوی مرده است، پدید می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توجه به نشانه‌های خدا، از انحراف انسان جلوگیری می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۵ ۲. با مطالعه در پیدایش گیاهان و نظام مرگ و زندگی، خداشناس‌تر شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی انعام به سه نشانه‌ی خدا در آسمان‌ها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۶. فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَفْصِيلُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (خدا) شکافنده صبح است؛ و شب را (مایه) آرامش، و خورشید و ماه را (وسیله) حساب قرار داده است؛ این، اندازه‌گیری (خدای) شکست‌ناپذیر دانا است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه تشبیه جالبی صورت گرفته است؛ یعنی تاریکی شب به پرده‌ی ضخیمی تشبیه شده که روشنایی سپیده دم، آن را می‌شکافد «۱» و توجه به آن انسان را به یاد خدا می‌اندازد. ۲. شب مایه‌ی آرامش است؛ زیرا انسان در برابر نور تمایل به تلاش دارد و سلول‌های او آماده‌ی فعالیت می‌شود، اما در هنگام تاریکی و شب سلول‌های بدن در یک حالت آرامش و استراحت قرار می‌گیرند و جهان طبیعت نیز به خواب می‌رود؛ از این رو مناسب‌ترین زمان برای استراحت، شب است. در احادیث نیز از کار، مسافرت و سر بردن حیوانات در شب سرزنش شده، «۲» اما تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۶ توصیه شده که مراسم ازدواج را در شب قرار دهید. «۱» ۳. «حسبان» به معنای حساب کردن است و شاید مقصود آن باشد که گردش منظم و مرتب خورشید و ماه سبب می‌شود که شما زندگی خود را تحت نظام و حساب درآورید و زمان سال و ماه را محاسبه کنید. و احتمال دیگر در آیه‌ی فوق آن است که مقصود حساب و برنامه و نظام‌مندی خورشید و ماه است که حرکت آنها

میلیون‌ها سال ادامه دارد و یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان، به علم و قدرت الهی پی ببرید. ۲. با مطالعات کیهان‌شناختی، خداشناس‌تر شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی انعام به فواید ستارگان آسمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ و او کسی است که ستارگان را برای شما قرار داد، تا بوسیله آنها در تاریکی‌های خشکی و دریا، راه یابید؛ یقیناً نشانه‌ها (ی خود) را برای گروهی که می‌دانند، تشریح نمودیم. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ستارگان آسمان همیشه راه‌نمای خوبی در سفرهای دریایی و خشکی برای بشر هستند و گاه سبب نجات انسان‌ها از طوفان‌ها و مرگ می‌شوند. همین ستارگان و مطالعه در مورد آنها سبب پیدایش علم هیئت یا کیهان‌شناسی شده است. ۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از ستارگان، رهبران الهی، یعنی امامان هستند. «۱» روشن است که این‌گونه روایات در حقیقت باطن قرآن را بیان می‌کند؛ یعنی معنای آیه را توسعه می‌دهد و ستارگان را اعم از مادی و معنوی و علمی معرفی می‌کند ولی آیه می‌تواند ناظر به هر دو معنای ظاهری و معنوی باشد؛ رهبران الهی نیز مردم را از گمراهی‌ها و تاریکی‌های زندگی نجات می‌دهند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناختی، خداشناس‌تر شوید. ۲. دانشمندان، نشانه‌ها و آیات خدا را به خوبی متوجه می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشتم سوره‌ی انعام آفرینش انسان را یکی از نشانه‌های خدا بیان می‌کند و می‌فرماید: ۹۸. وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَجِدَةٍ فَمُسِيْتَةً وَمُسِيْتَةٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ و او کسی است که شما را از یک شخص پدید آورد. (و شما دو گروه هستید): پایدار و ناپایدار؛ یقیناً نشانه‌ها (ی خود) را برای کسانی که بطور عمیق بفهمند، تشریح نمودیم. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌ها با چهره‌ها، ذوق‌ها، رنگ‌ها، افکار و اندازه‌های متفاوت، بدون هیچ سابقه‌ای، از یک فرد آفریده شده و پرورش یافته‌اند. «۱» این نهایت عظمت آفریدگار را نشان می‌دهد. ۲. در تورات آمده است که حوا، نخستین «مادر» انسان‌ها، از دنده‌ی آدم آفریده شد. «۲» اما آیه‌ی فوق می‌فرماید: همه‌ی انسان‌ها از یک حقیقت واحد آفریده شدند؛ و طبق احادیث اسلامی، آدم و حوا از یک خاک آفریده شد و جنس آنها یکی بود. «۳» مقصود از «مستقر» و «مستودع» «۴» در آیه‌ی فوق چیست؟ مفسران قرآن در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) «مستودع» یعنی افرادی که به صورت نطفه در وجود پدر هستند و آفرینش آنان پایان نیافته است و «مستقر» یعنی انسان‌هایی که آفرینش آنها کامل شده است و در قرارگاه رحم یا روی زمین گام نهاده‌اند. ب) مقصود از «مستودع» نطفه‌ی جنس نر انسان (یعنی اسپرماتوزئید) است که متحرک است و «مستقر» همان نطفه‌ی ماده (یا اوول) است که تقریباً تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۹ ثابت است. ج) مقصود از «مستودع» جسم انسان است که ناپایدار و فانی است و «مستقر» روح انسان است که پایدار است. د) «مستودع» انسان‌هایی هستند که ایمان ناپایدار دارند و «مستقر» انسان‌هایی هستند که ایمان پایدار دارند. این مطلب در برخی احادیث نیز آمده است. «۱» البته ممکن است بگوییم که این معانی نوعی ذکر مصداق است و مفهوم آیه وسیع است و شامل همه‌ی موارد می‌شود. «۲» ۴. انسان‌های نکته‌سنج می‌توانند در آفرینش انسان عمیقاً بیندیشند و خدای خود را بشناسند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. این همه تنوع و نوآوری در آفرینش انسان، نشانه‌ی خداست. ۲. با مطالعه در آفرینش و تنوع انسان‌ها، خداشناس‌تر شوید. ۳. ژرف‌اندیشی کنید تا نشانه‌ها و آیات الهی را بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و نهم سوره‌ی انعام به نشانه‌های خدا در طبیعت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۹. وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ خَبَأٌ مُتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالزَّرَّامَانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَانظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ و او کسی است که از آن آسمان آبی فرو فرستاد؛ و بوسیله آن، گیاهان (گوناگون) هر چیز را رویانندیم؛ و از آن، (ساقه) سبزی، خارج ساختیم، که از آن دانه‌های متراکمی بر می‌آوریم، و از درخت خرما از شکوفه‌اش، خوشه‌هایی نزدیک است و بوستان‌هایی از انگورها و زیتون و انار، همگون و ناهمگون (رویاندیم). هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و (طرز) رسیدنش بنگرید که حتماً در آن، نشانه‌هایی برای

گروهی است که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از معانی واژه‌ی «آسمان» جو زمین و طرف بالاست؛ «۱» یعنی آب باران را از طرف بالا بر شما فرو فرستاد که منبع سایر نعمت‌ها و سبب رشد گیاهان و ادامه‌ی حیات حیوانات و انسان‌ها می‌شود. ۲. مفسران قرآن در مورد «رویدن هر چیز» دو احتمال را بیان کرده‌اند: الف) مقصود انواع گیاهان است که همه از یک آب و خاک به وجود می‌آیند، ولی با ویژگی‌های متفاوتی پرورش می‌یابند. ب) منظور گیاهان مورد نیاز حیوانات و انسان است؛ یعنی هر کدام از آنها، از این گیاهان بهره‌ای دارند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد که هر دو نتیجه‌ی نزول باران و نشانه‌ی قدرت خداست. ۳. واژه‌ی «طَلَع» به معنای خوشه‌ی سر بسته یا شکوفه‌ی خرماست که در غلاف سبز رنگ زیبایی پیچیده شده است و پس از شکافته شدن، از وسط آن رشته‌های باریکی بیرون می‌آید که به آن «قنوان» گویند و از همین رشته خوشه‌های خرما تشکیل می‌شود که به هم‌دیگر نزدیک می‌شوند و به زمین تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۱ متمایل می‌گردند. «۱» ۴. تعبیر «با هم‌دیگر شباهت دارند و شباهت ندارند» که در آیه‌ی فوق آمده است ممکن است در مورد زیتون و انار باشد که این دو درخت از نظر ظاهری و ساختمان شاخه‌ها و برگ‌ها با هم شباهت زیادی دارند، در حالی که از نظر میوه و طعم و خاصیت آن بسیار متفاوت‌اند. و ممکن است مقصود شباهت انواع درختان و میوه‌ها و تفاوت‌های آنها باشد؛ «۲» البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد که هر دو نشانه‌ی علم و قدرت خداست. ۵. پیدایش میوه‌ها، همانند تولد فرزند، مراحل دارد. گرده‌های گیاه نر بر مادگی گیاه قرار می‌گیرد و بعد از لقاح و تغذیه‌ی مناسب، انواع میوه‌ها تولید می‌شوند. قرآن به ما دستور می‌دهد که در این موجودات دقت کنیم و نشانه‌های قدرت و علم الهی را ببینیم. ۶. افراد با ایمان، حقایق و نشانه‌های خدا را می‌بینند؛ زیرا آنان حق‌جو و حق‌باورند، و گرنه اگر با چشم عناد و بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری نظر شود، حقایق این نشانه‌ها و آیات دیده نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رابطه‌ی انسان با طبیعت فقط رابطه‌ی مادی و غذایی نباشد، بلکه رابطه‌ی فکری و توحیدی هم باشد. ۲. با مطالعه‌ی صحنه‌ی طبیعت، خداشناس‌تر شوید. ۳. به نزول باران و فواید آن بنگرید و خداشناس شوید. ۴. حق‌باورانه به جهان بنگرید تا نشانه‌های خدا را ببینید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۲ قرآن کریم در آیه‌ی صدم سوره‌ی انعام با سرزنش شرک و خرافات مشرکان می‌فرماید: ۱۰۰. وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سَبَّحْتَهُ وَتَعَلَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ وَ (مشرکان) برای خدا همتیانی از جن قرار دادند، در حالی که (خدا همه) آنها را آفریده است؛ و بدون هیچ دانشی، برای او، پسران و دخترانی ساختند؛ او منزّه، و برتر است از آنچه وصف می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به مشرکانی اشاره شده است که هر موجود ناپیدا یا گروهی از جن را می‌پرستیدند. «۱» همان‌گونه که در تاریخ عرب جاهلی حکایت شده، شعبه‌ای از قبیله‌ی «خزاعه» جن پرست بودند «۲» و حتی برخی نوشته‌اند که در یونان قدیم و هند نیز جن پرستی وجود داشته است. «۳» و از آیه‌ی ۱۵۸ سوره‌ی صافات استفاده می‌شود که برخی عرب‌های جاهلی بین خدا و جن خویشاوندی قایل بودند «۴» و برخی از قریش نیز معتقد بودند که خدا با جن‌ها ازدواج کرده و فرشتگان ثمره‌ی این ازدواج‌اند. «۵» اما قرآن بر تمام این خرافات خط بطلان می‌کشد و می‌گوید جن مخلوق تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۳ خداست، چگونه می‌تواند هم‌عرض خالق خویش باشد. ۲. برخی خدا را صاحب پسر و برخی صاحب دختر می‌پنداشتند. در آیات دیگر قرآن، عقیده‌ی اول را به مسیحیان، در مورد عیسی، و به یهودیان، در مورد عزیر، «۱» نسبت داده‌اند. و برخی از مشرکان عرب فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند، «۲» اما قرآن خط بطلان بر تمام این خرافات می‌کشد. ۳. تعبیر «بغیر علم» به باطل بودن عقاید خرافی اشاره دارد؛ یعنی مشرکان هیچ دلیلی بر خرافات و موهومات خود نداشتند، بلکه دروغ‌های بی‌حساب در مورد خدا می‌ساختند. «۳» آری؛ جهل، ریشه‌ی اصلی خرافه‌گویی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خرافات و شرک، دلیل علمی ندارد. ۲. بدون علم در مورد خدا سخن نگویند. ۳. مخلوقات خدا را شریک او قرار ندهید، که خدا از این امور منزّه است. *** قرآن کریم در آیات صد و یکم و صد و دوم سوره‌ی انعام به دلایل بطلان شرک و صفات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۱ و ۱۰۲. بَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ * ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ

إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۴ (خدا) پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است؛ چگونه ممکن است برایش فرزندی باشد؟! و حال آنکه برایش همسری نبوده؛ و همه چیز را آفریده؛ و او به هر چیزی داناست.* این خدا پروردگار شماس است! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار هر چیزی است؛ پس او را پرستید؛ و او بر هر چیزی کارساز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، به سه دلیل برای فرزند نداشتن خدا استدلال شده است. الف) کسی که همه‌ی آسمان‌ها و زمین را ایجاد کرده است، همه مخلوق و نیازمند اویند و او نیازمند کسی نیست تا فرزندی بخواهد. ب) خدایی که همسر ندارد و نیازی نیز به همسر ندارد، چگونه دارای فرزندی باشد. ج) کسی که خالق همه چیز است، کسی هم‌تراز او نیست تا شریک او قرار گیرد. ۲. همسر داشتن خدا از چند جهت اشکال دارد: اولاً، او نیازی به همسر ندارد. ثانیاً، کسی نیست که همسر او باشد؛ زیرا همه مخلوق اویند. ثالثاً، همسر داشتن از عوارض جسمانی است و اصولاً در عالم مجردات، مذکر و مؤنث معنا ندارد و خدا از این عوارض منزّه است. ۳. خدا علت اساسی همه‌ی موجودات است؛ از این رو همه چیز به او نسبت داده می‌شود ولی این به معنای جبر نیست و انسان در کارهای خود آزاد و مختار است. ۴. «بدیع» به معنای به وجود آورنده‌ی چیزی بدون سابقه است؛ یعنی خدا آسمان‌ها و زمین را بدون سابقه و طرح و نقشه‌ی قبلی ایجاد کرد، اما «خلق» به معنای ایجاد چیزی بدون سابقه یا ایجاد چیزی از چیزی است و در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۵ اصل، همان تقدیر و اندازه زدن صحیح چیزهاست «۱». ۵. هم آفرینش به دست خداست و هم بقا و ثبات و حفظ هر چیز به اراده‌ی اوست؛ پس کلید حل مشکلات شما فقط در دست اوست و معنا ندارد که مشکلات خود را نزد دیگری ببرید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توجه به صفات الهی، مانع شرک و ورزی و فرزند قایل شدن برای خداست. ۲. توحید، ربوبیت و خالقیت خدا، زمینه‌ساز و فلسفه‌ی پرستش اوست. ۳. به صفات الهی توجه کنید تا غیر او را معبود خود قرار ندهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی انعام به چند صفت دیگر خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۳. لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ چشم‌ها او را در نمی‌یابند؛ و [لی او چشم‌ها را در می‌یابد؛ و او لطیف و] آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا با همه‌ی موجودات جهان تفاوت دارد؛ چرا که برخی موجودات هم دیده می‌شوند و هم می‌بینند (مثل انسان)، برخی نه می‌بینند و نه دیده می‌شوند (مثل صفات درونی ما). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۶ و برخی دیگر دیده می‌شوند، اما کسی را نمی‌بینند (مثل جمادات). تنها کسی که دیده نمی‌شود، اما همه چیز و همه کس را می‌بیند، ذات پاک خداست. «۱» ۲. چشم‌ها خدا را نمی‌بینند؛ زیرا چشم‌های ما تنها اجسام و یا برخی از کیفیات اجسام (مثل رنگ و حجم و ...) را می‌بینند که محدود و مادی‌اند، در حالی که طبق دلایل عقلی، خدا نامحدود است، پس جسم نیست تا دیده شود. در قرآن نیز آمده است که خدا به موسی گفت: «مرا هرگز نمی‌بینی.» «۲» ۳. انسان به چند صورت می‌تواند حقایق را ببیند و شهود و درک کند: گاهی با چشم سر می‌بیند که با این وسیله، نه در دنیا و نه در آخرت، خدا را نمی‌بیند. گاهی با چشم عقل درک می‌کند، که در این صورت خدا را می‌توان با دلایل عقلی درک کرد (البته هر کس در حد قدرت عقل و فکر خود خدا را می‌شناسد). و گاهی برخی چیزها را با دل و قلب خویش شهود می‌کند، که با این وسیله نیز خدا قابل شهود است؛ همان‌طور که در برخی آیات قرآن «۳» و احادیث اهل بیت بدان اشاره شده است. «۴» ۴. خدا «لطیف» «۵» است، یا بدین معناست که ذات پاک او با احساس کسی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۷ درک نمی‌شود و یا این که او آفریننده‌ی چیزهای ریز و ناپیدا و دارای افعالی است که از محیط قدرت ما بیرون است. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز بدین معنا اشاره شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به همه چیز احاطه‌ی علمی دارد، در حالی که دیگران بر او احاطه‌ی علمی ندارند. ۲. خدا را جسمانی و قابل مشاهده‌ی حسی ندانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی انعام به آزادی انسان در دیدن حقایق اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۴. قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ در واقع دلیل‌های بینش آوری از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و هر کس با بصیرت بنگرد، پس به سود خود اوست. و هر کس کور (دل) باشد پس به زیان اوست؛ و من بر شما نگهبان

نیستیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بصائر» جمع «بصیرت» است که در اصل به معنای دیدن است، اما معمولاً در بینش فکری و عقلانی به کار می‌رود؛ و گاهی به تمام اموری گفته می‌شود که سبب درک و فهم مطلب است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۸ اما در آیه‌ی فوق به معنای دلایل و شواهدی است که در آیات گذشته در زمینه‌ی خداشناسی گفته شد؛ پس می‌توان گفت که «بصائر» شامل قرآن نیز می‌شود. ۲. مقصود از بینایی و نابینایی در آیه‌ی فوق، نابینایی و بینایی فکری و عقلی است نه حسی و با چشم سر؛ یعنی چشم عقل و دل برخی افراد نابیناست و حقایق را نمی‌بینند، هر چند ظاهراً بینا هستند. ۳. مفسران در مورد عبارت «پیامبر صلی الله علیه و آله نگهبان و حافظ شما نیست»، دو احتمال داده‌اند: نخست آن که پیامبر می‌فرماید: من تنها وظیفه‌ی ابلاغ رسالت را دارم و حافظ اعمال و مسئول کارهای شما نیستم؛ خدا همه را نگهداری می‌کند و پاداش مناسب به آنها می‌دهد. و دوم آن که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: تنها وظیفه‌ی من بیان منطقی حقایق است و تصمیم نهایی با خود شماست و من مأمور نیستم که با زور شما را به ایمان وادار کنم. البته ممکن است آیه‌ی فوق شامل هر دو معنا شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مردم در انتخاب راه و سود و زیان آزادند. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی و مبلغان دینی پیام‌رسانی است، نه نگهداری و اجبار مردم. ۳. سود و زیان معنوی را با دلیل و آگاهانه انتخاب کنید. ۴. سود و زیان شما به خودتان بازمی‌گردد (پس بنگرید چه راهی را برمی‌گزینید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۹ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجم سوره‌ی انعام به گوناگونی آیات خدا و واکنش منفی مخالفان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۵. وَكَذَلِكَ نُصِرُّكَ الْآيَاتِ وَلَيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلَيُبَيِّنَنَّ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ وَبَدِيسَانِ آيَاتِ (خود) را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم (و مخالفان انکار می‌کنند)؛ و سرانجام می‌گویند: «درس خوانده‌ای!» و عاقبت آن را برای گروهی که می‌دانند، روشن می‌سازیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیات قرآن به صورت‌های گوناگون «۱» برای گروه‌های مختلف مردم با سطوح متفاوت فکری و اجتماعی نازل شده است؛ از این رو تنوع در بیان و استدلال، افراد را آگاه‌تر و پذیرش حق را آسان‌تر می‌کند. ۲. مشرکان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند، و هنوز هم مخالفان اسلام می‌گویند که: پیامبر تعلیماتش را از یهودیان و مسیحیان گرفته است، در حالی که: اولاً، در محیط عربستان درس و مکتبی نبود تا پیامبر از آن‌جا مطالبی فرا گیرد. ثانیاً، مسافرت‌های پیامبر به خارج از جزیره‌ی العرب به قدری کوتاه بود که وقت استفاده‌ی علمی در آن مدت نبود. ثالثاً، اگر پیامبر صلی الله علیه و آله مطالبش را از تورات و انجیل گرفته بود، چرا مطالب تحریف شده و خرافات آن کتاب‌ها در قرآن راه نیافته است. رابعاً، قرآن کریم و پیامبر اسلام بارها در مقابل عقاید یهودیان و مسیحیان موضع‌گیری سرسختانه کردند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر اندازه هم بیانات هدایت‌آمیز روشن شود، باز مخالفان کزروی می‌کنند و تهمت می‌زنند. ۲. آیات الهی را با شیوه‌ها و بیان‌های متنوع برای مردم بیان کنید تا آگاه‌تر شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و ششم سوره‌ی انعام وظایف پیامبر اسلام را در برابر مشرکان مشخص می‌سازد و می‌فرماید: ۱۰۶. اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَأَلِلهِ إِلَهُهُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ از آنچه که از طرف پروردگارت به سوی تو وحی شده، پیروی کن؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و از مشرکان، روی گردان. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، در حقیقت نوعی دل‌داری و تقویت روحی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در عزم آهنین او کم‌ترین سستی حاصل نشود و در برابر مشرکان پایداری کند و از آنان روی برتابد. ۲. آیه‌ی فوق منافاتی با وظیفه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به دعوت مشرکان به اسلام و یا جهاد با آنان ندارد؛ چرا که منظور استقامت بیش‌تر پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر سخنان بی‌اساس مشرکان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای رهبران و مبلغان الهی! در برابر تهمت‌ها و تبلیغات ناروای دشمنان سست نشوید. ۲. یکی از شیوه‌های برخورد با تبلیغات دشمن، بی‌اعتنایی به آنهاست. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی انعام با تأکید بر آزادی انسان‌ها در انتخاب راه می‌فرماید: ۱۰۷. وَلَوْ شَاءَ اللهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، (آنان) شرک نمی‌ورزیدند؛ و تو را بر آنان نگهبان قرار نداده‌ایم؛ و تو حمایتگر آنان نیستی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه می‌فرماید: «پیامبر نگهبان و وکیل مردم نیست.» «۱» این مطلب به معنای نفی

اجبار مردم است، و گر نه پیامبر وظیفه دارد از طریق تبلیغ آزادانه مردم را به سوی کارهای نیک و ترک کارهای بد فراخواند. ۲. سنت الهی آن است که انسان‌ها در انتخاب راه حق و باطل آزاد باشند؛ چرا که ایمان اجباری ارزشی ندارد و باید از طریق استدلال و منطق، در فکر و روح مردم جاری شود؛ از این رو خدا کسی را مجبور نمی‌کند که دست از شرک بردارد و ایمان آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا ایمان اجباری نمی‌خواهد. ۲. ای رهبران الهی و مبلغان دینی! در پی تحمیل دین بر مردم نباشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی انعام مسلمانان را از دشنام دادن به بت‌ها منع می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۸. وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (به معبود) کسانی که غیر از خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید، پس (آنگاه آنان نیز) از روی دشمنی، بدون هیچ دانشی، خدا را دشنام می‌دهند؛ اینچنین برای هر امتی کردارشان را آراستیم؛ سپس بازگشت آنان فقط به سوی پروردگارشان است؛ و آنان را از آنچه همواره انجام می‌دادند، آگاه خواهد ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که گروهی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدید از بت‌پرستی، گاهی بت‌های مشرکان را ناسزا می‌گفتند، اما قرآن کریم این موضوع را ممنوع اعلام کرد. «۱» ۲. با دشنام نمی‌توان کسی را از مسیر غلط بازگرداند؛ دشنام سبب می‌شود که تعصب همراه با جهالت افراد تحریک شود و حتی نسبت به ساحت قدس الهی توهین کنند. چو کردی با کلوخ‌انداز پیکار سر خود را به نادانی شکستی (سعدی) ۳. در احادیث اسلامی بر ممنوعیت دشنام تأکید شده است. در نهج البلاغه می‌خوانیم که امام علی علیه السلام به کسانی که به پیروان معاویه در جنگ صفین دشنام می‌دادند، می‌فرماید: من خوش ندارم که شما فحاش باشید. اگر شما به جای دشنام، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۳ اعمال آنها را برشمرد و حالات آنان را متذکر شوید، به حق و راستی نزدیک‌تر و برای اتمام حجت بهتر است. «۱» ۴. در احادیث اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است که «هر کس ولی خدا را دشنام دهد، خدا را دشنام داده است.» و در احادیث دیگر سفارش شده که به دشمنان فحش ندهید تا به شما ناسزا نگویند. «۲» بنابراین، هر کاری که سبب توهین به مقدسات شود ممنوع است. «۳» ۵. برائت از مشرکان و نفرین به دشمنان، غیر از دشنام است؛ «۴» چون نفرین نوعی دعاست. ۶. زینت یافتن اعمال، در حقیقت آثار عمل خود انسان است؛ یعنی وقتی انسان کاری را مکرر انجام دهد، زشتی آن در نظرش از بین می‌رود و حتی به صورت زیبا و جالبی جلوه می‌نماید و انسان گرفتار نتیجه‌ی سوء عملش می‌شود. ۷. زینت یافتن عمل انسان از آثار عمل خود انسان است اما از آن‌جا که خدا سبب اصلی امور و آفریدگار همه چیز است، همه‌ی تأثیرات به او منتهی می‌شود و به همین دلیل، این‌گونه آثار به خدا نسبت داده می‌شود. گاهی هم این زینت دادن به شیطان نسبت داده می‌شود «۵» چرا که او با وسوسه‌های خود انسان را دچار انحراف می‌کند. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ادب و نزاکت در برابر دشمنان نیز نیکوست. ۲. دشمنان نادان را علیه خود تحریک نکنید که به عقاید شما توهین می‌کنند. ۳. استفاده از دشنام در تبلیغات و مناظرات و نهی از منکر، ممنوع است. ۴. با دشنام و ناسزا نمی‌توان مردم را از مسیر غلط بازداشت و به راه راست هدایت کرد. ۵. به رسوایی خود نزد پروردگار بیندیشید (و دشمنانم ندهید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۵

ادب در قرآن و احادیث

الف) ادب: ۱. ادب کمال مرد است (علی علیه السلام). «۱» ۲. همین اندازه از ادب تو را کفایت می‌کند که از آنچه از دیگران نمی‌پسندی، خودداری کنی (علی علیه السلام). «۲» ۳. ادب آن است که انسان در حد توقف کند و از اندازه‌ی خود تجاوز نکند (علی علیه السلام) «۳». ۴. در بسیاری از آیات قرآن، خدای متعال مردم را با ادب اسلام آشنا می‌کند؛ از جمله: ۱- احترام رهبر اسلام را نگاه دارید و در حضورش صدای خود را بلند نکنید و بر ایشان پیشی نگیرید، که افراد بی‌ادب کم‌خرد هستند (حجرات، ۱-۴). ۲- از افراد نادان روی بگردانید (اعراف، ۱۹۹). ۵. خدا ستمکاران را با بلا ادب می‌کند (علی علیه السلام). «۴» ب) ممنوعیت

دشنام: ۱. به بت‌ها و معبودهای مشرکان دشنام ندهید (انعام، ۱۰۸). ۲. خدا فحش دهنده را دشمن می‌دارد (امام باقر علیه السلام). «۵» ۳. فحش و فحاشی از اسلام نیست (علی علیه السلام). «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۶. ۴. دشنام به مؤمن، فسق و نافرمانی است (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۵. حکایت شده که امام علی علیه السلام شنید که گروهی از یارانش مردم شام را دشنام می‌دهند، فرمود: من نمی‌پسندم که شما دشنام دهید؛ اعمال و حالات آنان را بیان کنید. «۲» ۶. حکایت شده که امام موسی کاظم علیه السلام در مورد دو نفر که به هم دیگر دشنام می‌دادند فرمود: کسی که آغاز کرده ستمکارتر است و گناهش و گناه طرف مقابل به گردن اوست تا این که از مظلوم عذرخواهی کند. «۳» ۷. با مردم به بهترین صورتی که دوست دارید با شما سخن بگویند؛ سخن بگویید، که خدا از افراد لعنت کننده، دشنام دهنده و طعنه زننده بر مؤمنان، در خشم است (امام باقر علیه السلام). «۴» ج) چگونگی برخورد با بی‌ادبان: ۱. حکایت شده که زمانی کسی به قبر دشنام داد و او قصد پاسخ‌گویی داشت؛ امام علی علیه السلام به او دستور داد که وی را رها کند و در مقابل او صبر و سکوت نماید. «۵» ۲. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا پیامبرش را با این آیین تأدیب کرد: «عفو (و مدارا) پیش‌گیر و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادان روی گردان.» (اعراف، ۱۹۹). بعد از آن آیه نازل شد: «تو بر خلق و خوی بزرگی هستی.» (قلم، ۴). «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۷ قرآن کریم در آیهی صد و نهم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۹. وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنِ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَآيُؤْمِنُونَ و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند، که اگر نشانه (معجزه آسا) برای آنان بیاید، قطعاً بدان ایمان می‌آورند؛ بگو: «نشانه‌های (معجزه آسا) فقط نزد خداست؛ و چه چیزی شما را (با درک حسی) متوجه می‌سازد که هر گاه نشانه‌ای (معجزه آسا هم) بیاید، ایمان نمی‌آورند.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند همان‌طور که از پیامبران قبلی معجزات مهمی حکایت می‌کنی، تو نیز کوه صفا را تبدیل به طلا کن، یا برخی مردگان ما را زنده کن، یا فرشتگان را به ما نشان بده و یا خدا و فرشتگان را با خود بیاور. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر برخی از این کارها را انجام دهیم، ایمان می‌آورید؟ گفتند: به خدا سوگند که چنین خواهیم کرد. آن‌گاه مسلمانان نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواستند که این معجزات را بیاورد، شاید مشرکان ایمان آورند. پیامبر صلی الله علیه و آله آماده‌ی دعا کردن شد که پیک وحی فرود آمد و پیام آورد که اگر بخواهی، دعایت مستجاب می‌شود، ولی در این صورت، (اتمام حجت شده و) اگر ایمان نیاورند، همگی سخت کیفر می‌بینند، اما اگر مدتی آنان را رها کنی، برخی از آنان توبه می‌کنند و راه حق را در پیش می‌گیرند؛ و پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۸ آیهی فوق و آیهی بعد از آن در این باره فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از خواسته‌های مشرکان، مثل آوردن خدا، محال و نامعقول بود؛ پس مشرکان در صدد حقیقت‌جویی نبودند، بلکه بهانه‌تراشی می‌کردند تا ایمان نیاورند. ۲. معجزه‌خواهی مشرکان نوعی بهانه‌جویی بود و بیش‌تر می‌خواستند مردم را سرگرم و دچار شک و تردید کنند؛ اگر واقعاً معجزه می‌خواستند، به اعجاز قرآن توجه می‌کردند که بالاترین معجزه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب شعارها و سوگندهای کفار و مخالفان را نخورید (که به دنبال بهانه‌جویی هستند). ۲. معجزات، همه به دست خدا و به فرمان اوست (نه به میل افراد). *** قرآن کریم در آیهی صد و دهم سوره‌ی انعام به کیفرهای مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۰. وَتَقَلَّبُ أَفْتَدَتْهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَٰ مَرَّةٍ وَنَذَرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ و دل‌های آنان و دیدگان‌شان را واژگونه می‌سازیم؛ همان‌گونه که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند؛ و آنان را در حالی که در طغیان‌شان سرگردان می‌شوند، وا می‌گذاریم. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیهی قبل سخن از مشرکان بهانه‌جو بود که در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهانه‌تراشی می‌کردند و ایمان نمی‌آوردند و اینک در این آیه به کیفر آنان و پیامد کردارشان اشاره می‌کند که تغییر بینش و سرگردانی آنهاست. ۲. در آیهی فوق دگرگونی دل‌ها و چشم‌ها به خدا نسبت داده شده است، با این که این امور نتایج اعمال خود

مشرکان است؛ زیرا علت العلل این امور و خالق همه چیز، خداست؛ یعنی خدا در لجاجت، تعصب و گناه، این اثر را قرار داده که تدریجاً درک و بینش انسان را از کار می‌اندازد و یا دگرگون می‌سازد. ۳. هر کس که خدا ره‌ایش کند و هدایتش ننماید، سرگردان می‌شود. آری؛ هر کس بدون چراغ در شب حرکت کند به کزراه می‌رود؛ البته این مجازات نیز نتیجه‌ی کردار خود انسان‌هاست که موجب می‌شود خدا آنها را رها سازد و توفیق هدایت پیدا نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهانه‌تراشی و مخالفت با رهبران الهی موجب دگرگونی بینش و سرگردانی انسان می‌شود. ۲. مراقب باشید که کردار ناپسند شما موجب می‌شود خدا شما را رها سازد و سرگردان شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یازدهم سوره‌ی انعام به لجاجت مشرکان و ایمان ناپذیری آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۱. وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلِئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۰ و اگر (بر فرض) ما فرشتگان را به سوی آنان فرو می‌فرستادیم، و مردگان با آنان سخن می‌گفتند، و همه چیز را برای آنان رویاروی گرد می‌آوردیم، هرگز ایمان نمی‌آوردند؛- جز اینکه خدا بخواهد- و لیکن بیش‌تر آنان نادانی می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در پی بهانه‌تراشی هستند و اگر معجزه‌ای برای آنان آورده شود ایمان نمی‌آورند. اگر آنان واقعاً معجزه می‌خواستند، مهم‌ترین معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن بود که دیده بودند، ولی ایمان نیاورده بودند؛ آنان افرادی نادان «۱» و لجوج هستند. ۲. خدا می‌تواند مشرکان را مجبور سازد که ایمان آورند، اما این خلاف سنت الهی در مورد آزادی و اختیار انسان است؛ علاوه بر آن، چنین ایمانی، هیچ فایده‌ی تربیتی و اثر تکاملی نخواهد داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام، بهانه‌تراش، لجوج و نادان هستند و هر معجزه‌ای ببینند ایمان نمی‌آورند. ۲. رهبران و مبلغان دینی انرژی خود را برای کافران لجوج مصرف نکنند که سودی ندارد. ۳. هر گاه از اراده‌ی منفی مردم سخن می‌گویید، اراده‌ی برتر الهی را فراموش نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوازدهم سوره‌ی انعام به وسوسه‌های شیطان و شیطان صفتان در برابر پیامبران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۲. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَاطِئِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ و این چنین برای هر پیامبری، دشمنی از شرورهای (شیطان صفت) انسان و جن قرار دادیم؛ در حالی که برخی آنان به برخی [دیگر] برای فریب، سخنان آراسته (و بی‌اساس) با اشاره سریع پنهانی القاء می‌کنند؛ و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، آن را انجام نمی‌دادند؛ پس آنان را با آنچه تهمت می‌زنند، واگذار. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وجود شیطان‌ها، برای انسان‌های مؤمن، خیر و نیک است؛ یعنی غیر مستقیم به تکامل انسان کمک می‌کند؛ چون رشد انسان‌ها همواره در تکامل‌ها و تضادهاست و وجود دشمنی نیرومند در بسیج نیروها و تقویت اراده‌ی انسان مؤثر است. ۲. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست جلوی اعمال شیطان‌ها را بگیرد، ولی این کار را نکرده است، تا مردم آزاد باشند و میدانی برای آزمایش و تکامل و پرورش داشته باشند. دروغ می‌گویند و تهمت می‌زنند و با پیامبران مخالفت می‌کنند. ۳. «شیاطین» جمع شیطان است و معنای وسیعی دارد و شامل هر موجود سرکش و طغیانگر و آزاردهنده می‌شود. در آیه‌ی فوق واژه‌ی شیطان به معنای برخی از انسان‌ها و جن‌ها به کار رفته است، اما واژه‌ی «ابلیس» اسم خاص شیطانی است که در برابر آدم علیه السلام قرار گرفت و سجده نکرد. او در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۲ حقیقت رئیس همه‌ی شیطان‌هاست. «۱» ۴. مقصود از «وحی» در این جا اشارات شیطانی و سخنان درگوشی است؛ یعنی آنان که در اعمال و گفتار شیطانی خود، نقشه‌های سرّی دارند، مطالبی را محرمانه به هم دیگر می‌رسانند «۲» و سخنانی فریبنده و زیبا می‌گویند که باطنی زشت دارد. «۳» ۵. آیه‌ی فوق یادآور می‌شود که این مشکلات برای پیامبران پیشین هم وجود داشته است. این نوعی دل‌داری و آرامش روحی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی انسان‌های شیطان‌صفت، در حقیقت شیطان‌هایی هستند که در برابر رهبران الهی صف کشیده‌اند (پس مواظب آنها باشید). ۲. مخالفان رهبران الهی، در تبلیغات درون‌گروهی خود، از کلمات شیوا و زیبا استفاده می‌کنند (تا هم‌دیگر را فریب دهند؛ پس مراقب توطئه‌های آنان باشید). ۳. انسان و حتی شیطان‌ها در انتخاب راه آزادند. ۴. به تبلیغات

شیطان‌ها و شیطان‌صفتان توجه نکنید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۳. ۵. رهبران الهی و مبلغان دینی بدانند که دشمنانی فریبکار از جنیان و انسان‌ها دارند (پس مراقب باشند). *** قرآن کریم در آیهی صد و سیزدهم سورهی انعام به مراحل انحراف و تأثیر تبلیغات فریبندهی شیطان‌صفتان بر منکران معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۳. وَلِتَضَعِيَ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيُرْضَوْهُ وَيُقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ و سرانجام دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به سوی آن (سخن باطل) می‌گراید و عاقبت به آن راضی شوند؛ و سرانجام آنچه را آنان کسب کننده‌اند، بدست می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وسوسه‌ها و تبلیغات شیطانی به تنهایی عامل انحراف نیست، بلکه گوش جان سپردن «۱» و راضی شدن به آنها و عمل کردن طبق آنها، انسان را منحرف می‌سازد. ۲. ایمان به معاد مانع جذب شدن به شیطان‌هاست و انکار معاد زمینه‌ساز افتادن انسان به دام‌های شیطانی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انحراف، گام به گام حاصل می‌شود: اول، گوش جان سپردن به وسوسه‌های شیطانی؛ دوم، راضی شدن بدانها و سوم، عمل کردن براساس آنها. ۲. با معادباوری، از تأثیر وسوسه‌های شیطانی جلوگیری کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۴. قرآن کریم در آیهی صد و چهاردهم سورهی انعام به داوری خدا و حقانیت قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۴. أَفَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْنِعِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ پس آیا غیر خدا را به داوری طلبیم؟! در حالی که او کسی است که کتاب [قرآن] را به تفصیل به سوی شما فرو فرستاده است؛ و کسانی که به آنان کتاب [الهی] داده‌ایم می‌دانند که آن [قرآن] از طرف پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است؛ پس هرگز از تردید کنندگان مباش. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. احتمالاً مشرکان تقاضا داشتند که شخصی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و آنان داوری کند، ولی این کار سزاوار نبود؛ زیرا قرآن به عنوان معجزه با آیات روشن آمده بود، به طوری که هر کس می‌توانست حق و باطل را تشخیص دهد؛ «۲» علاوه بر این، اهل کتاب، با توجه به بشارت‌های پیامبران پیشین، می‌دانستند که قرآن حق است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تردیدی نداشت، اما به او گفته می‌شود شک نداشته باش. در این موارد، در حقیقت مردم مخاطب آیه هستند، ولی برای تأکید مطلب به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود، تا دیگران حساب کار خود را بکنند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۵. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن تردیدناپذیر است، به طوری که مخالفان هم از حقانیت آن آگاه‌اند (اگر چه به ظاهر لجاجت و انکار می‌کنند). ۲. در مورد مسائل دینی، غیرخدا را به داوری نپذیرید. *** قرآن کریم در آیهی صد و پانزدهم سورهی انعام، به تمام شدن کلمه‌ی پروردگار و تغییرناپذیری آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۵. وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَّمْ يُدَلِّ لِكَلِمَتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و سخن پروردگارت بر اساس راستی و عدل تمام شده است؛ هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) او نیست؛ و او شنونده [و] داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «کلمه» «۱» در آیهی فوق، «قرآن یا دین یا وعده‌ی پیروزی به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا همان وعده‌ی تغییرناپذیری سخنان الهی» است. البته این احتمال نیز هست که تمام این موارد، مقصود آیه باشد، اما طبق سیاق آیات و این که در آیهی قبل سخن از قرآن بود، معنای قرآن در این جا مناسب‌تر است؛ یعنی قرآن از هر نظر کامل و بی‌عیب است و مطالب آن همگی صادق و قوانین آن بر اساس عدل است. «۲» ۲. از آیهی فوق برای تحریف‌ناپذیری قرآن استدلال شده است؛ عدم تبدیل و تغییر در کلمات الهی بدان معناست که هیچ کس نمی‌تواند در قرآن تغییر و تبدیلی ایجاد کند و قرآن برای همیشه از دست برد خائنان تحریف‌گر تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۶ محفوظ خواهد ماند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعده‌ها و قوانین الهی و سخنان او تغییرناپذیر است. ۲. سخن الهی (قرآن یا دین اسلام) بر اساس راستی و دادگری کامل شده است. ۳. سخن را براساس راستی و دادگری بنیان نهد، تا دست‌خوش تغییر نشود. *** قرآن کریم در آیهی صد و شانزدهم سورهی انعام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد پیروی از اکثریت منحرف هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۶. وَإِنْ تَطَّعَ أَكْثَرُ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضَعُوا لَكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ و اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ (آنان) جز از گمان پیروی نمی‌نمایند، و جز این نیست که آنان حدس

می‌زنند (و دروغ می‌بافند). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اکثریت دو گونه است: الف) اکثریت عددی، یعنی هنگامی که تعداد زیادتری از افراد یک جامعه دیدگاه خاصی داشته باشند، که امروزه در جهان این اکثریت را ملاک و معیار می‌دانند. ب) اکثریت کیفی، یعنی هنگامی که فرهیختگان، عالمان و دانشمندان و متخصصان یک جامعه دیدگاه خاصی داشته باشند، هر چند از نظر تعداد تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۷ کم‌تر از بقیه‌ی مردم باشند. از آیه‌ی فوق و آیات دیگر استفاده می‌شود که قرآن اکثریت «کیفی» را ملاک می‌داند، نه عددی و کمی را؛ یعنی اگر اقلیتی با ایمان، عالم و برحق هستند نظرشان صحیح و برتر است؛ زیرا اکثریت عددی غیرمتخصص گمانه‌زنی می‌کنند «۱» و از این رو احتمال اشتباه آنان زیاد است و ممکن است قوانین نادرستی تصویب کنند. البته جهان کنونی به طرف نظام اکثریت عددی رفته است؛ چون راه‌های دیگر اشکالات بیش‌تری داشته، یا سیستمی مناسب برای تحقق اکثریت کیفی پیدا نکرده‌اند. «۲» ۲. پیروی از اکثریت عددی دو صورت دارد: اول آن که حقیقت مطلب روشن باشد و اختلافات سلیقه‌ای بین مردم وجود داشته باشد؛ یعنی همه‌ی مردم حق را پذیرفته باشند، اما در مورد راه‌های اجرای آن و مسائل جزئی اختلاف نظر داشته باشند، در این صورت، احترام به نظر اکثریت لازم است. دوم آن که حقیقت اصل مطلب روشن نشده یا پذیرفته نشده باشد و اکثریت و اقلیت در اصل حقیقت اختلاف داشته باشند، که در این صورت، ملاک دلیل عقلی و نقلی است و نظر اکثریت نمی‌تواند حقیقت را ثابت کند. به عبارت دیگر، اکثریت در امور اجرایی و سلیقه‌ای ملاک است، نه در امور عقیدتی و زیربنایی و استدلالی. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گمانه‌زنی و اعتماد به حدس‌ها، یکی از عوامل گمراهی است. ۲. ملاک حقیقت راه خداست، نه اکثریت عددی. ۳. پیروی از نظر و رأی اکثریت غیرمتخصص، لازم نیست؛ چون گاهی انسان را منحرف می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم سوره‌ی انعام به آگاهی بیش‌تر خدا از افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۷. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ برآستی که پروردگارت خود، به کسی که از راهش گمراه گشته، داناتر است؛ و (همچنین) او به (حال) ره یافتگان داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «خدا داناتر است»، اشاره به آن است که انسان‌ها با عقل خود حقایقی را درک می‌کنند و هدایت و گمراهی را می‌فهمند، اما قلمرو شناخت عقل بشری محدود است و گاهی هم دچار خطا می‌شود و نیاز به راهنمایی و رهبری دارد، اما خدا با علم بی‌کران و خطاناپذیر خود به همه‌ی امور داناتر است. ۲. خدا گمراهان و هدایت یافتگان «۱» را بهتر از همه می‌شناسد؛ زیرا هدایت و گمراهی امری درونی است که در بسیاری از موارد، اطلاع از آن (به ویژه در مورد منافقان) مشکل است؛ از این رو هر کس می‌تواند ادعای خلاف واقع کند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا را به دانایی و علمیت بشناسید. ۲. ادعاهای بی‌مورد نکنید که خدا از حال هدایت یافتگان و گمراهان آگاه‌تر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و هیجدهم سوره‌ی انعام به رنگ الهی غذای مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۸. فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ پس اگر به آیات او ایمان دارید، از (گوشت) آنچه نام خدا (به هنگام سر بریدن) بر آن برده شده، بخورید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عبادت‌های مشرکان عرب آن بود که حیوانات را برای بت‌ها قربانی می‌کردند و از گوشت آنها به عنوان تبرک می‌خوردند و از آن‌جا که این عمل قسمتی از آداب بت‌پرستی و شرک بود، قرآن کریم با آن به مبارزه برخاست «۱» و اشاره کرد که از گوشت‌هایی که به نام غیر خدا سربریده شده، نخورید. «۲» ۲. ایمان تنها در ادعا، گفتار و عقیده نیست، بلکه باید در صحنه‌ی عمل نیز آشکار گردد؛ از این رو، کسی که به خدا ایمان دارد، تنها از گوشت‌هایی می‌خورد که نام خدا بر آنها برده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۰ ۳. اعلام نام خدا، در هنگام سر بریدن حیوان، یکی از معیارهای حلال بودن گوشت است. این به خاطر تأثیرات معنوی و اخلاقی و تحکیم پایه‌ی توحید و نفی شرک است که در اعلام نام خدا وجود دارد. آری، غذای مؤمنان نیز جهت‌دار است، بلکه لازم است مسلمانان در همه‌ی امور، جهت‌خداایی داشته باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید، تنها یک مسأله‌ی ذهنی نیست، بلکه در عمل کرد انسان هویدا می‌شود. ۲. تغذیه‌ی حلال، نشانه‌ی ایمان است. «۱» ۳. غذای خود را جهت‌دار کنید و رنگ الهی به آن بزنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و

نوزدهم سوره‌ی انعام قوانین مربوط به گوشت حیوانات را توضیح می‌دهد و با اشاره به نقش هوای نفس و جهل در گمراهی می‌فرماید: ۱۱۹. وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ و شما را چه شده که از (گوشت) آنچه نام خدا بر آن برده شده، نمی‌خورید؟! و حال آنکه بیقین (خدا) آنچه را بر شما حرام کرده، برایتان تشریح نموده است! مگر آنچه را که به (خوردن) آن ناچار شدید، (که در این صورت حرام نیست). و قطعاً بسیاری (از مردم)، بخاطر هوس‌هایشان بدون هیچ دانشی (دیگران را) گمراه می‌سازند؛ براستی که پروردگارت، خود به (حال) تجاوزکاران داناتر است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز هم‌چون آیه‌ی قبل، بر خوردن گوشت تأکید می‌ورزد، اما این دستور واجب نیست، بلکه مقصود بیان مفهوم جمله است؛ «۱» یعنی از گوشت‌هایی بخورید که نام خدا بر آن برده شده و از غیر آن نخورید، که حرام است. «۲» ۲. اضطرار به خوردن گوشت‌های حرام، گاهی در اثر گرفتاری در بیابان و یا گرسنگی شدید و یا مجبور شدن انسان به وجود می‌آید، که در این صورت، استفاده از گوشت‌هایی که نام خدا بر آنها برده نشده، در حد ضرورت جایز است؛ چرا که حفظ جان انسان مهم‌تر است. ۳. یکی از عوامل گمراهی انسان‌ها، هواپرستی جاهلانه است؛ البته هواپرستی غالباً با نادانی و جهل توأم است، اما آیه‌ی فوق، برای تأکید بیش‌تر، این دو را همراه یک‌دیگر آورده است. ۴. علم حقیقی با هواپرستی سازگار نیست و هر جا که با هم سازگار شوند، روشن می‌شود که آن نوعی جهل است، نه علم. ۵. در تفسیرها آمده که آیه‌ی فوق اشاره به این است که مشرکان عرب در مورد خوردن گوشت‌های حیوانات مرده، چنین استدلال می‌کردند که آیا ممکن است حیواناتی را که خودمان می‌کشیم حلال بدانیم، اما آنچه را که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۲ خدای ما کشته است، حرام بدانیم؟ چرا شما مسلمانان از حیواناتی که پروردگارتان کشته است نمی‌خورید؟ «۱» این استدلال مشرکان نوعی سفسطه بود؛ چرا که خدا حیوان مرده را سر نبریده است تا با حیوان سر بریده مقایسه شود؛ علاوه بر، حیوان مرده کانون بیماری‌هاست و غالباً گوشت آن فاسد است از این رو خوردن آن ممنوع است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حرام و حلال، رنگ الهی داشته باشد (و تحریم‌های بی‌اساس نکوهیده است). «۳» ۲. هواپرستی و نادانی از عوامل گمراهی مردم است. ۳. تجاوزکاران تحت نظر خدا هستند (و به حسابشان رسیدگی خواهد شد). ۴. در جایی که جان شما در خطر است، می‌توانید از غذای حرام بخورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیستم سوره‌ی انعام در مورد گناهان آشکار و پنهان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲۰. وَذُرُوا ظَهْرَ الْأَثِمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَثِمَ سَائِجِرُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ وَ گناه را، آشکار و پنهانش را رها کنید، [چرا] که کسانی که گناه را کسب می‌کنند، بزودی در برابر آنچه همواره بدست می‌آوردند، مجازات خواهند شد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «ظاهر و باطن» ممکن است اشاره به گناهان آشکار و پنهان «۱» و یا گناهانی باشد که با اعضای بدن انجام می‌گیرد، در مقابل گناهان درونی، مثل عقیده به شرک. یعنی مفهوم آیه‌ی فوق وسیع است و یک قانون کلی را بیان می‌کند که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود. ۲. تعبیر «کسب گناه» اشاره‌ی لطیفی دارد به این که مردم هم‌چون بازرگانانی هستند که در بازار جهان گام می‌نهند و سرمایه‌ی عمر، عقل و جوانی و نیروهای خود را هزینه می‌کنند و به‌جای آن سعادت و افتخار و یا گناه و عذاب کسب می‌کنند. ۳. تعبیر «به زودی جزای خود را خواهند دید»، ممکن است اشاره به این باشد که قیامت هر چند در نظر بعضی دور است، در حقیقت بسیار نزدیک است. و یا اشاره به این باشد که اکثر مردم، در همین زندگی دنیا، قسمتی از نتایج اعمال زشت خویش را به صورت واکنش‌های فردی و اجتماعی دریافت می‌کنند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام به تربیت و پاکی ظاهری و باطنی، هر دو توجه دارد. ۲. مجازات‌های الهی، پیامد عملکرد شماست. ۳. دست از گناه بردارید، چه آشکارا و چه پنهان. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۴ ۴. دست‌آورد شما در زندگی، گناه‌آلود نباشد (وگرنه گرفتار پیامدهای آن می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و یکم سوره‌ی انعام بار دیگر بر قوانین خوردن گوشت پافشاری می‌کند و با هشدار در مورد توطئه‌های شیطانی می‌فرماید: ۱۲۱. وَلَٰمَّا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يَذْكَرْ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِشْقٌ وَإِنَّ

الشَّيْطَانِ لِيُوْحُونَ إِلَيَّ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيُحِبِّدُوا لَكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ و از (گوشت) آنچه نام خدا بر آن برده نشده، نخورید! و قطعاً این (کار) نافرمانی است؛ و قطعاً شرورهای (شیطان صفت) به سوی دوستانشان اشاره سریع پنهانی القاء می‌کنند، تا با شما ستیز کنند، و اگر از آنان اطاعت کنید قطعاً شما مشرکید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حیوانی که بدون ذکر نام خدا سر بریده شود، حرام است و خوردن گوشت آن جایز نیست. ۲. وحی به معنای اشاره‌ی سریع و مخفیانه است و در این جا مقصود از وحی، همان اشارات سریع و مخفیانه و الهام‌هایی است که شیطان‌ها و شیطان‌صفتان (۱) به دوستان خود می‌کنند تا با مسلمانان مجادله و بحث و ستیز نمایند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بردن نام خدا در هنگام سر بریدن حیوانات، تشریفات نیست، بلکه امری لازم است که ترک آن گناه و نافرمانی است. ۲. اطاعت از الهامات شیطانی، انسان را به شرک می‌کشاند. ۳. بحث و ستیز در قوانین الهی از حربه‌های شیطانی است. ۴. در غذا خوردن، تعهّد دینی و مرزهای اعتقادی را رعایت کنید. ۵. مواظب توطئه‌های شیطانی باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و دوم سوره‌ی انعام به دو گروه مؤمنان نورانی و کافران ظلمانی اشاره می‌کند و با بیان نقش احیاگری ایمان می‌فرماید: ۱۲۲. أَوْ مِنْ كَذَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ و آیا کسی که مرده بود، و او را زنده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که بوسیله آن در (میان) مردم راه برود، همانند کسی است که مثل او در تاریکی‌هاست در حالی که از آن بیرون آمدنی نیست؟! این گونه برای کافران آنچه را همواره انجام می‌دادند، آراسته شده است. شأن نزول: حکایت شده است که ابو جهل، از دشمنان سرسخت اسلام، روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را سخت آزار داد و حمزه، عموی شجاع پیامبر، از ماجرا اطلاع یافت و با ابو جهل به سختی برخورد کرد و کسی جرئت نکرد از ابو جهل دفاع کند. بعد از این ماجرا، حمزه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و مسلمان شد. این افسر رشید اسلام تا واپسین دم حیات از آیین اسلام دفاع کرد و در این راه تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۶ شربت شهادت نوشید. آیه‌ی فوق در باره‌ی این حادثه فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه کافران به مردگانی تشبیه شده‌اند که در تاریکی به سر می‌برند و مؤمنان به زندگانی تشبیه شده‌اند که نور دارند. آری؛ مؤمنان با نور ایمان زنده می‌شوند و کافران هم چون مردگان متحرک هستند. «۲» ۲. در قرآن کریم «مرگ» و «حیات» اعم از مادی و معنوی است؛ یعنی گاهی مرگ به معنای مرگ معنوی و کفر آمده و حیات به معنای ایمان به کار رفته است. آری؛ ایمان یک عقیده‌ی خشک و الفاظ تشریفاتی نیست، بلکه به منزله‌ی روحی است که در کالبد بی جان افراد دمیده می‌شود و چشم آنها را بینا و گوش آنها را شنوای حقایق می‌کند، به طوری که آثار حیات در تمام شئون زندگی انسان مؤمن هویدا می‌شود. ۳. از تعبیر «ما او را زنده کردیم»، استفاده می‌شود که هر چند ایمان آوردن با کوشش خود انسان صورت می‌گیرد، تا کشتی از طرف خدا نباشد، کوشش‌های انسان به جایی نمی‌رسد. آری؛ ارشاد و هدایت در حقیقت کار خداست. «۳» تا که از جانب معشوق نباشد کشتی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد. ۴. مقصود از «نور» در آیه‌ی فوق چیست؟ ممکن است منظور، قرآن یا تعلیمات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یا همان درک تازه و روشن‌بینی خاصی باشد که ایمان به انسان می‌بخشد و افق دید او را گسترش می‌دهد تا از بسیاری از اشتباهات مصون بماند. ۵. در احادیث متعددی حکایت شده که مقصود از نور در آیه‌ی فوق، ولایت، امامت و امام علی علیه السلام است که مردم به وسیله‌ی آنها هدایت می‌شوند و هر کس آنها را نشناسد در تاریکی می‌ماند. «۱» روشن است که این گونه روایات برخی مصادیق کامل نور را در آیه‌ی فوق بیان می‌کند، ولی معنای آیه منحصر به این موارد نیست. ۶. مقصود از جمله‌ی «همانند کسی که مثل او در تاریکی‌هاست»، یا آن است که این افراد چنان در تاریکی بدبختی فرو رفته‌اند که وضعشان ضرب المثلی شده است و یا مقصود آن است که از هستی این افراد چیزی جز یک شبح و قالب و مثال و مجسمه باقی نمانده است و هیكلی بی‌روح و مغزی بی‌فکر دارند. «۲» ۷. در آیه‌ی فوق، واژه‌ی «نور» مفرد ولی واژه‌ی «ظلمات» جمع است؛ زیرا ایمان یک حقیقت است و منبع نور، خدای واحد است و نور رمز وحدت و یگانگی است، اما کفر سرچشمه‌ی پراکندگی و تفرقه است و ظلمت‌های گوناگون، هم چون

شرک، جهل و خرافات را شامل می‌شود؛ حق یکی است اما باطل‌ها بسیارند. ۸. در آیه‌ی فوق بیان شده که اعمال زشت کافران برای آنان آراسته شده تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۸ است؛ یعنی با تکرار اعمال زشت، تدریجاً از زشتی آنها در نظرشان کاسته می‌شود و کم‌کم به صورت کار خوبی جلوه می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان حیات‌آفرین است (و انسان و جامعه را زنده و شاداب می‌کند). ۲. کافران مردگان متحرک هستند. ۳. کفر انسان را به تاریکی‌ها و کژبینی سوق می‌دهد. ۴. اگر می‌خواهید از تاریکی‌ها به سوی نور بروید، ایمان آورید. ۵. با نور الهی (ایمان و قرآن) زنده و پویا شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی انعام به نقش خلافکاران بزرگ در فساد شهرها و خود فریبی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۳. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَوْمٍ أَكْبَرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ و این گونه در هر آبادی گناهکاران بزرگش را قرار دادیم، تا (سرانجام کارشان این شد) که در آنجا به فریب (مردم) پرداختند؛ و [لی جز خودشان را فریب نمی‌دهند و حال آنکه (با درک حسی) متوجه نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل به ابو جهل و ستیز او با اسلام اشاره شد و در این آیه اشاره شده که وجود ابو جهل چیز تازه‌ای نیست و در هر شهری، در برابر حق، چنین مهره‌های فاسدی وجود دارند. ۲. هر کاری با استفاده از امکانات الهی صورت می‌گیرد و خدا سرچشمه‌ی تمام قدرت‌ها و علت العلل است؛ پس همه‌ی کارها را می‌توان به خدا نسبت داد. به همین دلیل در آیه می‌فرماید: «ما در هر شهری بزرگان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۹ گناهکار قرار دادیم». ۳. مفاسد و بدبختی‌های اجتماعی از سردمداران فاسد ملت‌ها سرچشمه می‌گیرد و آنان سرانجام «۱» با انواع نیرنگ‌ها، راه خدا را دگرگون می‌سازند و راه‌زن راه حق می‌شوند و با بندگان خدا نیرنگ می‌بازند. «۲» ۴. سردمداران کفر به خودشان نیرنگ می‌زنند؛ زیرا سرمایه‌های وجودی خویش را در مسیری به کار می‌برند که نه تنها سودی به حال آنها ندارد، بلکه بار مسئولیت آنها را بیش‌تر می‌کند. گر شود بیمار، دشمن با طیب و کند کودک عداوت با ادیب در حقیقت رهن جان خودند راه عقل و جان خود را خود زدند (مولوی) ۵. سردمداران فاسد نه تنها به خود زیان می‌رسانند، بلکه در نادانی هم هستند و نمی‌دانند که به خود نیرنگ می‌زنند و این جهل مرکب است. نیست خفاشک عدو آفتاب او عدو خویش آمد در حجاب (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مکر و تزویر، حربی‌ی خلافکاران بزرگ است. ۲. آموزه‌ی جامعه‌شناختی آیه آن است که عوامل فساد جامعه را در خلافکاران بزرگ جست‌وجو کنید. ۳. پیام روان‌شناختی آیه آن است که رهبران خلافکار، خود فریب و گرفتار جهل مرکب هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۰ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی انعام به انتصابی بودن مقام رسالت و بهانه‌تراشی سردمداران کفر و کفر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۴. وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ و هنگامی که آیه‌ای برای آنان بیاید، می‌گویند: «ایمان نمی‌آوریم، تا اینکه همانند چیزی که به فرستادگان خدا داده شده، به ما (هم) داده شود.» خدا داناتر است که رسالتش را کجا قرار دهد؛ بزودی کسانی را که خلافکاری کردند، به سزای اینکه همواره فریبکاری می‌کردند، در پیشگاه خدا خواری و عذابی شدید خواهد رسید. شأن نزول: حکایت شده که ابو جهل می‌گفت: ما و طایفه‌ی بنی عبد مناف، در همه چیز با هم رقابت داشتیم، تا این که آنان ادعا کردند که پیامبری از میان ما برخاسته که به او وحی می‌شود؛ اما ممکن نیست که ما به او ایمان آوریم، مگر این که بر ما نیز همان گونه وحی شود. «۱» این آیه فرود آمد و با اشاره به این سخنان باطل، به آنها پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اعطای مقام رسالت، وابسته به آمادگی روحی، پاکی ضمیر، فکر بلند، سجایای اصیل انسانی و تقوای فوق‌العاده‌ی افراد است و با این ویژگی‌هاست تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۱ که فرد به مقام عصمت می‌رسد و کسی جز خدا از آن مقام اطلاع ندارد، زیرا صفتی باطنی و درونی است؛ به همین دلیل، انتخاب پیامبران به دست خداست و خدا می‌داند که این رسالت را در چه جایی قرار دهد و به چه کسی عنایت کند. ۲. سردمداران کفر می‌خواستند با کارهای خلاف خود مقام و بزرگی خود را حفظ کنند، ولی در پیشگاه الهی به شدت تحقیر خواهند شد و از آنجا که تلاش آنان در راه باطل، شدید بود، عذاب آنان نیز شدید خواهد بود.

آری؛ جرم افراد با کیفر الهی تناسب دارد. ۳. در واژه‌ی «جرم» اشاره‌ی لطیفی وجود دارد و آن این که انسان در ذات خود پیوندی با حق و پاکی و عدالت دارد و جرم و خلافکاری و گناه، انسان را از این فطرت الهی جدا می‌سازد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقام نبوت، انتصابی آگاهانه است (نه دل‌خواه افراد). ۲. کافران، در برابر رهبران الهی بهانه‌تراشی می‌کنند. ۳. نتیجه‌ی خلافکاری و استکبار در برابر رهبران الهی، ذلت در پیشگاه خداست. ۴. نیرنگ‌بازی نکنید که گرفتار عذاب شدید می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و پنجم سوره‌ی انعام به امدادهای الهی برای حق‌طلبان و سلب توفیق از حق‌ستیزان اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۵ ۲۱۲. فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ و هر کس را که خدا بخواهد راهنمایش کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید؛ و هر کس را که بخواهد (بخاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وا نهد، سینه‌اش را تنگ تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا- برود؛ این گونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از این آیه فراهم ساختن مقدمات هدایت برای گروهی است که خود را برای پذیرش حق آماده می‌کنند، و از بین بردن زمینه‌ی هدایت برای کسانی که با کردار خود، عدم آمادگی خویش را اعلام کرده‌اند؛ پس در حقیقت این مقدمات و هدایت و گمراهی را خودشان خواسته‌اند و در پیمودن مسیر هدایت و گمراهی مجبور نیستند. ۲. واژه‌ی «سینه» در این آیه کنایه از روح و فکر انسان است و مقصود از گشاده ساختن آن، همان وسعت روح و بلندی فکر و گسترش افق عقل آدمی است. «۱» آری؛ پذیرش حق، به ایثار و گذشتن از منافع شخصی نیاز دارد، که جز صاحبان ارواح وسیع و افکار بلند برای آن آمادگی ندارند. این نکته‌ی روان‌شناختی مهمی است که قرآن بیان کرده است. ۴. کافران لجوج، فکرشان بسیار کوتاه و روحشان کوچک و ناتوان است و کم‌ترین گذشتی در زندگی ندارند. «۲» آری؛ ضیق صدر (: تنگی سینه) یکی از کیفرهای الهی است. ۵. شرح صدر یکی از مواهب الهی است که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داده شده تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۳ بود. «۱» حکایت شده: هنگامی که آیه‌ی فوق فرود آمد، از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند، شرح صدر چیست؟ پیامبر فرمودند: «نوری است که خدا در قلب هر کس بخواهد می‌افکند و در پرتو آن، روح او وسیع و گشاده می‌شود.» باز پرسیدند: آیا شرح صدر نشانه‌ای دارد که با آن شناخته شود؟ فرمودند: «آری نشانه‌اش توجه به سرای جاویدان و دامن برچیدن از زرق و برق دنیا و آماده شدن برای مرگ است، پیش از آن که مرگ فرا رسد.» «۲» آری کسی که به ضیق صدر و تنگی روح و کوتاهی فکر مبتلا شود، نمی‌تواند جز دنیا را ببیند، ولی کسی که شرح صدر و روح گشاده و فکری بلند دارد، حقایق جهان دیگر را به راحتی می‌پذیرد و برای آن آماده می‌شود. ۶. در حدیثی نیز از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا هنگامی که بخواهد به کسی خیری عطا کند، به او شرح صدر برای اسلام می‌دهد؛ و هنگامی که چنین شد، زبانش به حق گشوده می‌شود و قلبش با حق پیوند می‌خورد؛ پس طبق حق عمل می‌کند و هنگامی که این گونه شد اسلام او کامل می‌شود و اگر با این حال بمیرد از مسلمانان حقیقی است. اما هنگامی که خدا نخواهد به کسی خیری عطا کند، او را به حال خود وا می‌گذارد، پس سینه‌اش تنگ می‌شود و اگر حق را به زبان بگوید، قلبش با آن پیوند نمی‌خورد و در نتیجه، بدان عمل تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۴ نمی‌کند «۱» ۷. در این آیه انسان‌های بی‌ایمان به کسانی تشبیه شده‌اند که می‌خواهند در آسمان بالا روند. این تشبیه چند وجه شبه دارد: الف) رفتن به آسمان کار مشکلی است و پذیرش حق نیز برای کافران لجوج مشکل است. ب) رفتن به آسمان سبب سختی تنفس می‌شود، چون اکسیژن در لایه‌های بالای جو زمین کم‌تر است؛ پذیرش حق برای انسان‌های کافر نیز سبب تنگی سینه می‌شود. ۸. صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «بیان این تشبیه در آن روز که هنوز این واقعیت علمی (تنگی نفس در آسمان، در اثر کمبود اکسیژن) به ثبوت نرسیده بود، در حقیقت از معجزات علمی قرآن محسوب می‌شود.» «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قبول حق نیاز به زمینه‌ی درونی و ظرفیت روحی دارد که خدا به انسان‌های مؤمن عطا می‌کند. ۲. کم‌ظرفیتی روحی، نوعی پلیدی درونی است که انسان‌های بی‌ایمان گرفتار آن می‌شوند. ۳. اگر هدایت الهی را

می‌طلبید، در پی شرح صدر (و ظرفیت‌های وحی بالاتر) باشید. ۴. مطالب را با مثال‌های محسوس برای مردم بیان کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۵ قرآن کریم در آیهی صد و بیست و ششم سوره‌ی انعام به راه مستقیم الهی و رابطه‌ی آیات الهی با بیداردلی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۶. وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَضَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ و این راه راست پروردگار توست؛ یقین آیات (خود) را برای گروهی که پند می‌گیرند، تشریح کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از راه مستقیم الهی در این آیه، «اسلام و قرآن» و یا «سنت الهی در مورد امداد حق‌طلبان و سلب توفیق از حق‌ستیزان» است که در آیهی قبل مطرح شد. ۲. آیات الهی برای همه‌ی انسان‌ها آمده و بیان شده اما گروهی که بیداردل و اهل تذکر و توجه باشند، از آن بهره می‌برند و افراد غافل کم‌تر استفاده می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه راست و آیات الهی برای بیداردلان واضح است. ۲. اگر می‌خواهید از آیات الهی بهره ببرید، بیداردل و اهل توبه و تذکر باشید. *** قرآن کریم در آیهی صد و بیست و هفتم سوره‌ی انعام به موهبت‌های الهی بیداردلان نیک‌کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۷. لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَيَّتُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت خواهد بود؛ و به [پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند، او سرپرست (و یاور) آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان وقتی در آرامش است که رهبر و سرپرست او شخصی کریم و عادل و مکان او نیز امن باشد. برای انسان‌های بیداردل، هم خانه‌ی امن و امان فراهم آمده و هم این افتخار نصیب آنان شده که سرپرستی‌شان با خدا باشد؛ البته همه‌ی این پاداش‌ها به خاطر اعمال نیک مؤمنان بیداردل است. ۲. واژه‌ی «سلام» در اصل به معنای سلامتی از هر آفت ظاهری و باطنی است و سلامت حقیقی فقط در بهشت است؛ چون در آنجا بقای بدون فنا، غنای بدون فقر، عزت بدون ذلت، و سلامت بدون ناراحتی و بیماری است. «۱» در آنجا از جنگ، خون‌ریزی، خشونت، رقابت‌های ناسالم و طاقت فرسا، دروغ و تهمت و حسد و کینه و غم و اندوه خبری نیست و از هر نظر آرامش در انتظار انسان است. ۳. تعبیر «نزد پروردگارشان» نوعی لطف و مرحمت الهی را می‌رساند که این خانه‌ی سلامت، در نزد پروردگار آنهاست؛ و در «سایه‌ی لطف پروردگار بودن» از نعمت‌های دیگر بالاتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیداردلان، در سایه‌ی لطف الهی و تحت سرپرستی اویند. ۲. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). ۳. اگر الطاف الهی را می‌طلبید، بیداردل و نیک‌کردار باشید. *** قرآن کریم در آیهی صد و بیست و هشتم سوره‌ی انعام به سودجویی گمراهان از هم‌دیگر و فرجام عذاب آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۷ ۱۲۸. وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَمَعَشَرَ الْجَنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِّنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِّنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْت لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ و در روزی که (خدا) همه آنان را گرد می‌آورد، (می‌گوید): ای گروه (شیاطین) جن، یقین از انسان (ها) پیروان فراوان یافتید. و پیروان آنان از میان انسان [ها] می‌گویند: «[ای پروردگار ما! برخی از ما از برخی [دیگر] بهره برداری کردیم؛ و به سرآمدمان که برای ما مقرر داشتی، رسیدیم.» (خدا) می‌گوید: «آتش جایگاه شماست؛ در حالی که در آن ماندگارید، مگر آنچه خدا بخواهد.» براستی که پروردگارت فرزانه‌ای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه صحنه‌ای از قیامت را یادآوری می‌کند که گروه‌هایی «۱» از شیطان‌های جن و انسان‌های پیرو آنان در برابر هم ایستاده‌اند و از آنان پرسش می‌شود. حکایت این جریان به آنان هشدار می‌دهد که تنها به این چند روز زندگی دنیا ننگرند و به پایان کار نیز بیندیشند. ۲. واژه‌ی «جن» در اصل به معنای موجود ناپیداست و «ابلیس»، همان شیطان معروفی که آدم علیه السلام را فریب داد، نیز از جنس جن «۲» و رئیس شیطان‌هاست. آری؛ جن‌ها هم مثل انسان‌ها مکلف و مختار هستند و کیفر و پاداش دارند. ۳. شیطان‌های جنی و انسان‌های پیرو آنها از هم‌دیگر بهره می‌برند؛ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۸ یعنی آن رهبران فاسد بر آنان حکومت می‌کنند و به وسیله‌ی پیروان خویش، اهداف خود را دنبال می‌کنند و انسان‌های منحرف نیز بر اثر وسوسه‌های شیطانی از کارهای زشت خود لذت می‌برند. ۴. جمله‌ی «مگر آنچه خدا بخواهد»، یا اشاره به آن است که خدا هر گاه بخواهد می‌تواند عذاب را تغییر دهد و سلب قدرت از او نشده است و یا اشاره به آن است که برخی از این افراد استحقاق عذاب طولانی ندارند و ممکن است

مشمول عفو الهی قرار گیرند. «۱» ۵. وقتی مرگ همه‌ی افراد رسید و رستاخیز برپا شد، «۲» دادگاه و بازخواست الهی علنی است و همه‌ی انسان‌ها و جن‌ها یک‌جا جمع‌آوری می‌شوند. ۶. در پایان آیه‌ی فوق دو صفت «حکمت» و «علم» خدا آورده شده که شاید اشاره به آن باشد که بخشش بر اساس حکمت و حساب است و خدا به خوبی از موارد آن آگاه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روزگرد آمدن همگان و پاسخ‌گویی و کیفر گمراهان است. ۲. انگیزه‌ی شیطان‌صفتان و پیروان آنها، کام‌گیری و بهره‌برداری از هم‌دیگر است. ۳. اراده‌ی الهی آزاد و براساس حکمت و علم است. ۴. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب الهی نشوید، پیرو و دوست شیطان نباشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۹ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و نهم سوره‌ی انعام به سنت الهی در مورد ستمگران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۹. وَكَذَلِكَ نُؤَلِّی بَعْضَ الظَّالِمِیْنَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا یَكْسِبُونَ و اینگونه برخی ستمگران را به (سزای) آنچه همواره بدست می‌آوردند، بر برخی [دیگر] می‌گماریم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیروان شیطان‌ها «ظالم» اند؛ چه ظلمی بالاتر از این که انسان، با قبول رهبری شیطان‌صفتان، خود را از تحت ولایت خدا خارج سازد. ۲. صحنه‌ی رستاخیز صحنه‌ی واکنش‌ها و عکس‌العمل‌هاست و آنچه در آن‌جا وجود دارد، انعکاسی از اعمال ما در این دنیاست؛ هر کس در دنیا از ولایت خدا خارج شود و تحت ولایت شیطان‌ها قرار گیرد، در آخرت نیز تحت ولایت همان‌ها قرار می‌گیرد. ۳. آیه‌ی فوق اشاره به این سنت الهی است که سرانجام، ستمکاران در دره‌ی بدبختی سقوط خواهند کرد و نتیجه‌ی اعمال خویش را خواهند دید. ۴. برخی از مفسران آیه‌ی فوق را مربوط به دنیا و تسلط ستمگران بر هم‌دیگر دانسته‌اند و بر آن‌اند که کام‌جویی‌ها، زمینه‌ساز سلطه‌ی ستمگران است و این نتیجه‌ی رفتار خود مردم است. ۵. در احادیث آمده است: کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند و کسانی که حقوق مالی خمس و زکات را نپردازند و کسانی که به ستمگران کمک کنند، کیفرشان تسلط ستمگران بر آنان است. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (گاهی) تسلط ستمکاران بر افراد، نتیجه‌ی کردار آنهاست. ۲. ستمکاران را به ستمکاران واگذارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی‌ام سوره‌ی انعام به اتمام حجت الهی بر مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۰. یَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ یَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ یَقُصُّونَ عَلَیْكُمْ آیَاتِی وَیُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ یَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا وَعَزَّیْتَهُمُ الْحَیْوةُ الدُّنْیَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَفِرِیْنَ (در قیامت خدا می‌فرماید: ای گروه جن و انسان! آیا فرستادگانی از شما برایتان نیامد که آیات مرا برای شما حکایت می‌کردند، و به شما نسبت به ملاقات این روزتان هشدار می‌دادند؟! (آنان) می‌گویند: «بر زیان خودمان گواهی می‌دهیم.» و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داد. و به زیان خودشان گواهی می‌دهند که آنان (خود) کافر بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سد بزرگ راه سعادت انسان‌ها، دل‌بستگی و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر مظاهر جهان ماده است که انسان را به زنجیر اسارت می‌کشاند و او را به هر گونه ستم و خودخواهی و طغیان فرا می‌خواند. ۲. جن‌ها مثل انسان‌ها مکلف هستند و فرستادگانی به سوی آنان رفته‌اند که می‌بایست به ندای آنان پاسخ مثبت می‌دادند و ایمان می‌آوردند. پیامبران و فرستادگان جن، ممکن است از جنس خود آنها بوده باشند- همان‌طور که در برخی احادیث اشاره شده است «۱»- و یا پیامبران بشر مأمور تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۱ دعوت آنان شده باشند. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه‌ی انسان‌ها و جن مبعوث شده‌اند و قرآن و اسلام برای همه حجت بوده است. این حقیقت از آیات سوره‌ی جن و برخی احادیث به خوبی استفاده می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریبکاری دنیا مانع‌اند پذیرایی است و افراد را به کفر می‌کشاند. ۲. به هشدارهای رهبران الهی و آیات خدا توجه کنید (تا در رستاخیز پشیمان نشوید). ۳. رهبران و مبلغان دینی آیات الهی را بر مردم بخوانند و در مورد رستاخیز به آنان هشدار دهند (تا حجت تمام شود). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و یکم سوره‌ی انعام به یک سنت و قانون کلی الهی در مورد نابودی شهرها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۱. ذَٰلِكَ أَنْ لَّمْ یَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا غَافِلُونَ این (اتمام حجت بدان سبب است) که پروردگارت نابود کننده (مردم) آبادی‌ها به ستم نبوده، در حالی که اهلیش غافل باشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود آیه آن است که خدا ستمکاران را، در حال غفلت و پیش از فرستادن پیامبران و اتمام حجت، مجازات

نمی‌کند؛ و یا این است که خدا افراد غافل را از روی ستم کیفر نمی‌دهد؛ چون کیفر دادن افراد در حال غفلت ظلم است و خدا برتر از آن است که ستم کند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۲ البته مانعی ندارد که آیه به هر دو معنا اشاره داشته باشد. ۲. آیه‌ی فوق به این سنت و قانون کلی الهی اشاره دارد که خدا نخست با فرستادن پیامبران راه را نشان می‌دهد و هشدار می‌دهد و اتمام حجت می‌کند و چنانچه مردم پس از آن انکار و لجاجت کردند، کیفرشان می‌دهد. این سنت الهی است و در آیات دیگر قرآن نیز مطرح شده است. «۱» ۳. کیفرهای الهی به خاطر مقام ربوبیت خداست؛ یعنی رب بودن و تربیت نمودن و پرورش بندگان اقتضا دارد که گاهی برخی افراد را مجازات کند تا دیگران درس عبرت بگیرند و تربیت شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب بدون بیان و هشدار، ناپسند و ستم است. ۲. افراد غافل را تنبیه نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۳

غفلت و راه‌کارهای زدودن آن

الف) اقسام غفلت: ۱. غفلت از خدا (گمراهی) (اعراف، ۱۷۹)؛ ۲. غفلت از آیات و نشانه‌های الهی (یونس، ۷ و ۹۲)؛ ۳. غفلت از آخرت (روم، ۷). ب) عوامل غفلت‌زا: ۱. تفکر نکردن و ژرف‌اندیش نبودن (اعراف، ۱۷۹)؛ ۲. به چشم بصیرت ننگریستن (اعراف، ۱۷۹)؛ ۳. (حقایق را) نشنیدن و به گوش جان نسیردن (اعراف، ۱۷۹)؛ ۴. به اموال و فرزندان مشغول شدن (و دنیا را هدف خود قرار دادن) (منافقون، ۹)؛ ۵. تسلط شیطان بر انسان (مجادله، ۱۹ و مائده، ۹۱). ج) عوامل بیداری و راه‌کارهای نجات از غفلت: ۱. به یاد خدا افتادن و زیاد ذکر گفتن (اعراف، ۲۰۱ و احزاب، ۴۱)؛ ۲. تقوا و پارسایی (اعراف، ۲۰۱)؛ ۳. توجه به آیات الهی (بقره، ۲۲۱)؛ ۴. یادآوری نعمت‌های الهی (احزاب، ۹)؛ ۵. تفکر در مثال‌های قرآن (ابراهیم، ۵)؛ ۶. کتاب الهی (قصص، ۴۳)؛ ۷. توجه به هشدارهای پیامبران (قصص، ۴۶)؛ ۸. خردورزی (آل عمران، ۷ و بقره، ۲۶۹)؛ ۹. مشکلات و مصایب (اعراف، ۱۳۰)؛ ۱۰. نماز (طه، ۱۴). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و دوم سوره‌ی انعام به فرجام نیکوکاران و بدکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳۲. وَلِكُلِّ دَرَجَتٍ مَّمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّكَ بِغَفْلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ وَ برای هر یک (از این گروه‌ها) رتبه‌هایی است، (که ناشی می‌شود) از آنچه انجام دادند؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهند غافل نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه بار دیگر به این حقیقت اشاره دارد که تمام مقام‌ها و مراتب انسان، نتیجه‌ی کردار خود اوست. قیامت که بازار مینو نهند منازل به اعمال نیکو دهند (سعدی) ۲. در آیه‌ی فوق با بیان علم الهی و عدم غفلت خدا از اعمال انسان‌ها، به این مطلب اشاره دارد که خدا همه را می‌داند و به هر کس آنچه را لیاقت دارد می‌دهد. ۳. مقصود از «درجه» در آیه‌ی فوق تنها مراتب رُشد و کمال نیست، بلکه مراحل سقوط (: درکات) را هم شامل می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سعادت و شقاوت شما وابسته به کردار خودتان است (پس بنگرید که چه می‌کنید). ۲. اعمال خود را همواره تحت نظارت پروردگار بدانید (و به هوش باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۵ قرآن کریم در آیات صد و سی و سوم و صد و سی و چهارم سوره‌ی انعام با اشاره به صفات الهی و قطعی بودن وعده‌های او و هشدار به انسان‌های خلافکار می‌فرماید: ۱۳۳ و ۱۳۴. وَ رَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنَّ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ* إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ وَ پروردگارت توانگر [و] دارای رحمت است؛ اگر بخواهد، شما را (از میان) می‌برد؛ و هرگونه بخواهد بعد از شما جانشین می‌سازد؛ همان‌گونه که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورد.* قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود، آمدنی است؛ و شما عاجز کننده (خدا) نیستید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه هشدار می‌دهد که گناهگاران است که باید در همین دنیا نیز بیم داشته باشند؛ چرا که هلاک کردن آنان برای خدا بسیار آسان است. او می‌تواند آنها را هلاک کند و انسان‌های دیگری را جانشین آنها سازد. ۲. در آیه‌ی فوق دو صفت «توانگری و رحمت الهی» بیان شده است که اشاره به این دارد که تغییر اقوام براساس بی‌نیازی خدا از آنهاست و اگر شما را هلاک نکرده به خاطر لطف اوست. ۳. خدا از همه چیز حتی از عبادات ما بی‌نیاز است؛ پس دستورات عبادی او، برای رشد خود ماست. ۴. ربوبیت و مربی بودن و پرورش دیگران،

همراه با بی‌نیازی مری و عطوفت و مهربانی او مطلوب است. ۵. کسی را می‌توان عاجز کرد که قدرتش از قدرت انسان کم‌تر باشد، اما تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۶ خدایی که قدرت بی‌نهایت دارد، هیچ‌گاه عاجز و ناتوان نمی‌شود (۱) و به تمام وعده‌های خود، از جمله جای‌گزینی اقوام، می‌تواند عمل کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بقای اجتماعات بشری به اراده‌ی الهی بستگی دارد. ۲. خدا توانگری مهربان است که می‌خواهد شما را تربیت کند. ۳. (خدا را نیازمند خود و عبادت و هدایت خویش ندانید که) جای‌گزینی ملت‌ها برای خدا آسان است. ۴. وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیر است و شما نمی‌توانید مانع او شوید. ۵. به قدرت الهی و ناتوانی خود توجه کنید (و نافرمانی ننمایید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و پنجم سوره‌ی انعام از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مشرکان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۳۵. قُلْ يٰ قَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنِّیْ عَامِلٌ فَاَسُوْفُ تَعْلَمُوْنَ مَنْ تَكُوْنُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُوْنَ بگو: «ای قوم! هر چه مقدور شماست انجام دهید، که من (هم) انجام می‌دهم. و در آینده خواهید دانست چه کسی فرجام (نیک) سرای (آخرت) برایش خواهد بود؛ برآستی که ستمکاران رستگار نمی‌شوند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۷. ۱. این آیه به مخالفان ستمگر اسلام هشدار می‌دهد که خدا شما را رها کرده تا هر چه می‌توانید انجام دهید، ولی از عاقبت کار خویش بهراسید؛ زیرا به سعادت و رستگاری نخواهید رسید و به‌جای فرجام نیک، فرجام عذاب‌آلودی خواهید داشت. ۲. ظالمان سرانجام به رستگاری، پیروزی و سعادت نمی‌رسند؛ چرا که ظلم برخلاف قانون عدالت عمومی جهان آفرینش است و فرجامش شکست و دوزخ است. ۳. آیه‌ی فوق خطاب به «مشرکان کافر» است، ولی به‌جای واژه‌ی «کافرون» از واژه‌ی «ظالمون» استفاده شده است. این تعبیر نشان می‌دهد که کفر و انکار حق، نوعی ظلم آشکار است. (۱) آری؛ کافر هم به خویشتن ستم نموده و خود را از رشد و کمال باز داشته و هم به جامعه‌ی بشری ستم نموده و به انحراف مردم کمک کرده است. ۴. ملاک موفقیت، سرانجام کار و حسن عاقبت است، نه جلوه‌های زودگذر فعلی. (۲) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (کفر و ستمکاری، فرجام نیکی برای انسان رقم نمی‌زند. ۲. موفقیت افراد را با ملاک فرجام نیکو و رستگاری محک بزنید. ۳. ای رهبران و مبلغان دینی! در برابر کافران لجوج و ستمگر موضع‌گیری منفی کنید و آنان را رها سازید و به آنها هشدار دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و ششم سوره‌ی انعام آداب خرافی مشرکان را نکوهش می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۶. وَ جَعَلُوا لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْاَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هٰذَا لِلّٰهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هٰذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ اِلَى اللّٰهِ وَ مَا كَانَ لِلّٰهِ فُهْوٌ يَّصِلُ اِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُوْنَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۸ و (مشرکان) برای خدا، سهمی از آنچه (او) از زراعت و دام‌ها آفریده، قرار دادند؛ و بر اساس پندارشان گفتند: «این (سهم) برای خداست، و این (سهم دیگر) برای شریکان (یعنی بت‌های) ماست.» و آنچه برای شریکانشان بود، پس به خدا نمی‌رسد، و [لی آنچه برای خدا بود، پس آن به شریکانشان می‌رسد، چه بد داوری می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حکایت شده که مشرکان مقداری از محصولات کشاورزی و حیوانات خود را برای خدا قرار می‌دادند و برای مهمان‌ها و فقرا مصرف می‌کردند و مقداری را هم برای بت‌ها قرار می‌دادند و آن را به خادمان بت‌ها می‌بخشیدند (و خودشان هم از این قربانی‌ها استفاده می‌کردند). (۱) آنان اگر می‌دیدند سهم خدا بهتر شده است، آن را با سهم بت‌ها تعویض می‌کردند و می‌گفتند: «خدا نیازی به این امور ندارد.» و این به خاطر محبت شدید آنها به بت‌ها بود (۲) و نشان می‌دهد که آنها برای خدا به اندازه‌ی بتی بی‌جان ارزش قایل نبودند. آیه‌ی فوق به این عقاید و خرافات اشاره کرده، آنها را سرزنش و محکوم می‌کند. این گونه عقاید و عادات انحطاط فکری بزرگی به شمار می‌آید. (۳) ۲. تعبیر «شُرَكَائِنَا» می‌رساند که آنان بت‌ها را شریک اموال و سرمایه‌ی زندگی خویش می‌دانستند. تعبیر «از آنچه خدا خلق کرده است»، در حقیقت اشاره‌ای به ابطال عقیده‌ی مشرکان است؛ چون چیزی که مخلوق خداست، اصل آن برای خداست و نمی‌توان از آن سهمی برای خدا قرار داد و دیگران را شریک او گردانید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۹. ۳. در آیه‌ی فوق آمده است: «آنچه مال شریک‌های آنان بود به خدا نمی‌رسید و آنچه برای خدا بود به شریکان آنها می‌رسید.» برخی از مفسران برآنند که این جمله ادامه‌ی سخن مشرکان است و مقصود آن است که هرگاه بر اثر

حادثه‌ای آسیبی به سهم خدا می‌رسید، می‌گفتند: مهم نیست و خدا بی‌نیاز است، اما اگر به سهم بت‌ها آسیبی می‌رسید، از سهم خدا به جای آن قرار می‌دادند و می‌گفتند بت‌ها نیاز بیش‌تری دارند. «۱» احتمال دارد این جمله معترضه و سخن خدا باشد و مقصود آن است که «آنچه برای بت‌ها قرار دادند که به خدا نمی‌رسد و آنچه را هم برای خدا قرار دادند، به خاطر شرک ورزیدن و عدم خلوص نیتشان، به خدا نمی‌رسد و خدا آن را برای شریک‌ها و بت‌های آنان و می‌گذارد.» همان‌طور که در برخی احادیث آمده است، خدا می‌فرماید: «من شریک خوبی هستم؛ هر کس برای من و غیر من عمل کند، (همه‌ی) آن عمل را برای غیر خودم و می‌گذارم.» «۲» ۴. گرچه کشاورزان و دام‌داران در پرورش دام‌ها و زراعت نقش دارند، اما نقش اصلی از آن خداست که خالق آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک‌ورزی ریشه در خرافات و داوری‌های ناپسند دارد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۰. ۲. خدا کارهای شرک‌آلود را نمی‌پذیرد. ۳. شرک‌ورزید که کارهای نیک شما نیز بر باد می‌رود. ۴. از آفریده‌های خدا برای خدا قرار ندهید و شرک‌ورزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هفتم سوره‌ی انعام به فرزندکشی و پیامدهای منفی آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳۷. وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتِيلٌ أُولَٰئِكَ لِيُزَيِّنُوا لِبُرْسُوٰئِهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ وَ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْبِرَّ فَزَيِّنُوا لِبُرْسُوٰئِهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ وَ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْبِرَّ فَزَيِّنُوا لِبُرْسُوٰئِهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (سراجم) آنان را به هلاکت افکنند؛ و تا (در نهایت) دینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، آن را انجام نمی‌دادند؛ پس آنان را با آنچه (به دروغ) می‌بندند، و اگذار! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان فرزندانشان را نذر بت‌ها می‌کردند، یا برای آنها قربانی می‌نمودند، آری؛ جامعه‌ی انسانی، بدون تربیت الهی و ارتباط با خدا، آن‌قدر سقوط می‌کند که حتی فرزندان خود را پای بت‌های سنگی و چوبی قربانی می‌کند و آن را نوعی عبادت به شمار می‌آورد. قرآن کریم با این خرافات مبارزه کرد. ۲. مقصود از آراستن و زینت دادن اعمال، یا آن است که به خاطر علاقه به بت‌ها دست به فرزندکشی می‌زدند. یا این که خادمان بت‌ها مردم را به کشتن و قربانی کردن فرزندانشان تشویق می‌کردند. و یا این که زنده به گور کردن دختران که در میان طایفه‌ی «بنی تمیم» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۱ رایج شده بود، پیام بت‌ها معرفی می‌شد. «۱» البته مانعی ندارد که هر سه مطلب مقصود آیه باشد. ۳. در این آیه بیان شده که فرزندکشی چند پیامد دارد: الف) موجب هلاکت انسان‌ها می‌شود؛ چون نسل انسان را نابود می‌سازد. ب) فرزندکشی برای بت‌ها خرافه‌ای است که اگر با عنوان یک آیین دینی مطرح شود، آموزه‌های اصیل دینی را زیر سؤال می‌برد. ج) فرزندکشی گناهی است که موجب رها و سرگردان شدن انسان می‌گردد؛ یعنی زمینه‌های هدایت و توفیق را از بین می‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آراستن خرافات، عامل هلاکت و سقوط انسان‌ها و مشتبه شدن دین و التقاط است. ۲. خدا هدایت اجباری مردم را نمی‌خواهد (و آنان را در انتخاب راه حق و باطل آزاد گذارده است). ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی وقت خود را صرف مشرکان لجوج نسازند (بلکه به سراغ افراد مستعد بروند). ۴. با فرزندکشی مبارزه کنید که خرافه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هشتم سوره‌ی انعام نمادهای فرهنگ جاهلی عرب را برشمرده و ریشه‌یابی می‌نماید با آنها مبارزه می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۸. وَ قَالُوا هٰذِهِ اَنْعَمٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا اِلَّا مَنْ نَّشَأَ بِرَعْمِهِمْ وَ اَنْعَمٌ حَرَمَتْ ظُهُورُهَا وَ اَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ اِسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَفْتَرَاءً عَلَيْهِمْ سِيَئَاتِهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۲ و (مشرکان) بر اساس پندارشان گفتند: «این، دام‌ها و زراعتی (که مخصوص بت‌هاست، برای همه) ممنوع است؛ که [نباید] از آنها بخورد، جز کسی که ما می‌خواهیم؛ و (اینها) دام‌هایی است که (سوار شدن بر) پشت آنها ممنوع شده است؛ و (نیز) دام‌هایی است که (هنگام سر بریدن) نام خدا را بر آنها نمی‌زدند؛ در حالی که به او (دروغ) می‌بندند (و می‌گفتند: این احکام، همه از ناحیه اوست). بزودی (خدا) آنان را بخاطر آنچه همواره (به دروغ) می‌بستند، کیفر می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه نیز برخی از افکار و عقاید و اعمال خرافی عصر جاهلیت عرب را به تصویر می‌کشد و فرهنگ زمانه‌ی مشرکان صدر اسلام را معرفی و با آن مبارزه می‌کند تا اصلاح شود. ۲. مشرکان گوشت برخی حیوانات و برخی محصولات کشاورزی را بر خود و دیگران حرام کرده بودند؛ «۱» چون

آنها را سهم بت‌ها قرار داده بودند و فقط خادمان بت‌ها و بت‌خانه‌ها حق استفاده از سهم بت‌ها را داشتند. در آیه‌ی ۱۳۶ سوره‌ی انعام نیز به این سهم اشاره شد. ۳. مقصود از حیواناتی که سوار شدن بر آنان حرام بود ظاهراً همان حیواناتی است که با عنوان «سائبه و حام» در آیه‌ی ۱۰۳ مائده از آنها نام برده شد؛ یعنی حیواناتی که به خاطر تولید فرزندان زیاد، مورد حمایت قرار می‌گرفتند و آزاد می‌شدند و کسی حق سوار شدن بر آنها را نداشت. ۴. ممکن است مقصود از حیواناتی که نام خدا بر آنان برده نمی‌شد، همان حیواناتی باشد که در هنگام سر بریدن، نام بت‌ها بر آنها برده می‌شد و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۳ یا حیواناتی که سوار شدن بر آنها را برای حج ممنوع کرده بودند. «۱» در هر دو صورت این حکم خرافی و بدون دلیل بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبنای خرافات، پندار و تهمت زدن به خداست. ۲. قرآن با فرهنگ‌های خرافی مخالف است و مبارزه می‌کند. ۳. با خرافات جاهلی و فرهنگ‌های غلط مخالفت کنید و آنها را افشا نمایید. ۴. تهمت‌زنندگان بر خدا در امان نیستند و به زودی کیفر اعمال خود را می‌بینند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و نهم سوره‌ی انعام به برخی دیگر از سخنان خرافی مشرکان و نمادهای فرهنگ زمانه‌ی عرب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۹. وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَزْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بَزَعِمِهِمْ وَأَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهُمْ وَأَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ (مشرکان) گفتند: «آنچه در شکم این دام‌هاست، مخصوص مردان ماست، و بر همسران ما ممنوع است؛ و [لی اگر مردار باشد، پس آنان (هم) در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر وصف آنان را به ایشان می‌دهد؛ [چرا] که او فرزانه‌ای داناست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه نیز، یکی دیگر از نمادهای فرهنگ جاهلی عرب را برمی‌شمارد و با آن مبارزه می‌کند؛ قرآن در پی نفی عناصر منفی فرهنگ زمانه و جای‌گزینی عناصر الهی به جای آن، یعنی فرهنگ‌سازی جدید است. ۲. مشرکان جنین زنده‌ی حیوانات را می‌خوردند، ولی به جنین مرده‌ی حیوانات میل زیادی نداشتند؛ از این رو همسران خود را در خوردن آن شریک می‌کردند. ولی اولاً، این حکم هیچ‌گونه فلسفه و دلیلی نداشت؛ ثانیاً، بسیار زشت و زننده بود که همسران خود را در گوشتی که غالباً فاسد بود شریک می‌کردند؛ و ثالثاً، این حکم نوعی تبعیض آشکار، میان جنس مرد و زن بود. «۱» ۳. مقصود از «وصف» در آیه‌ی فوق همان توصیفی بود که مشرکان از خدا می‌کردند و این‌گونه تحریم‌ها را به او نسبت می‌دادند. و یا منظور همان صفت و حالتی است که بر اثر تکرار گناه، در شخص گناهکار پیدا می‌شود و او را مستحق مجازات می‌نماید؛ که در این صورت، آیه اشاره به تجسم اعمال و حالات انسان به صورت کیفرهای الهی در قیامت است. «۲» ۴. «صفت حکیم و علیم» در پایان آیه اشاره به این است که خدا از کردار و گفتار و تهمت‌های ناروای آنان با خبر است و بر اساس حکمت آنان را مجازات می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با عناصر منفی فرهنگ زمانه‌ی عرب مخالف است. ۲. با سخنان و عقاید خرافی مبارزه کنید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۵ ۳. با تبعیض‌های ناروا بین زن و مرد مبارزه کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهلم سوره‌ی انعام نمادهای فرهنگ خرافی و جاهلی را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۰. قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَاءَ رِزْقِهِمْ عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ بیقین کسانی زیان کردند، که فرزندان‌شان را از روی سبک‌سری بدون هیچ دانشی کشتند؛ و آنچه را خدا به آنان روزی داده بود ممنوع کردند، در حالی که بر خدا (دروغ) می‌بستند؛ بیقین گمراه شدند، و ره یافته نبودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم، با تمام قامت و رساترین دلیل‌ها، در برابر خرافات عرب جاهلی ایستاد و فرهنگ زمانه را اصلاح کرد. این آیه نیز فرزندکشی و ممنوعیت برخی غذاها را محکوم و به دلایل منطقی این محکومیت اشاره می‌کند. ۲. از ابن عباس، شاگرد تفسیری امام علی علیه السلام، حکایت شده که گفت: اگر کسی بخواهد مقدار عقب‌ماندگی اقوام جاهلی را بداند، آیات سوره‌ی انعام را بخواند. «۱» ۳. در این آیه برای مشرکانی که فرزندان خود را می‌کشتند، چند ویژگی و پیامد برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: الف) سفاهت و سبک‌سری؛ ب) نادانی و انجام دادن کارهای غیر علمی؛ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۶ ج) زیانکاری که شامل زیان‌های عاطفی، اجتماعی و معنوی می‌شود؛ د) گمراهی و هدایت نشدن. ۴. آیه‌ی فوق در مورد تحریم نابه‌جای برخی حیوانات و غذاها،

مشرکان را نکوهش می‌کند و چند نکته را تذکر می‌دهد: الف) این‌ها نعمت‌های خدا برای آنان و لازمه‌ی حیاتشان بود، ولی آنها قانون خدا را زیر پا گذاشتند و نعمت‌های الهی را بر خود حرام کردند. ب) مشرکان این‌گونه تحریم‌ها را به خدا نسبت دادند، در حالی که خدا چنین دستوری نداده بود و این تهمت بر خدا بود. ج) این تهمت‌ها و تحریم‌ها برخاسته از گمراهی بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عقاید و اعمال خرافی برخاسته از گمراهی و موجب زیانکاری انسان است. ۲. کارهای سبک‌سرانه و غیرعلمی نکنید که زیانکار می‌شوید. ۳. غذاهای حلال را بر خود حرام نکنید که نوعی تهمت بر خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و یکم سوره‌ی انعام به یادآوری نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت می‌پردازد و اسراف را ممنوع اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۱. وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَةٍ وَ غَيْرِ مَّعْرُوشَةٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مَخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَانَ مُتَشَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ ءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ وَ اوست که باغ‌هایی (با درختان) داربست دار، و بدون داربست و درخت خرما، و زراعت با خوردنی‌های متفاوت، و زیتون و انار، همگون و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۷ ناهمگون را پدید آورد. از ثمر [ات آن، به هنگامی که به بار می‌نشیند، بخورید؛ و حق آن را به روز برداشتش بپردازید؛ و زیاده‌روی نکنید؛ [چرا] که او اسرافکاران را دوست ندارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت یاد شده است که چگونه از آب و خاک، میوه‌های متنوع و باغ‌های رنگارنگ با درختان برافراشته و غیربرافراشته سر برآورده است. «۱» برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت‌کردگار ۲. یادآوری میوه‌هایی از قبیل نخل، زیتون و انار، یا به خاطر اهمیت و فواید آنها و یا از باب ذکر مثال و مصداق است. البته درخت انار و زیتون، با این که از نظر ظاهری تشابه دارند، از نظر میوه و خواص غذایی با هم تفاوت دارند. ۴. «اسراف» به معنای تجاوز از حد اعتدال است و در این جا می‌تواند به معنای اسراف در خوردن یا اسراف در بخشش باشد؛ یعنی بخشش‌های شما طوری نباشد که خود و فرزندانان فقیر شوید. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به این مطلب اشاره شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۸. ۵. تعبیر «از میوه به هنگامی که به ثمر نشست، بخورید.» ممکن است اشاره به این باشد که به مجرد این که میوه‌ها و ثمرات درختان و زراعت آشکار می‌شود، خوردن آنها جایز است، اگر چه حق مستمندان را هنوز نپرداخته باشند، ولی موقع درو محصول و چیدن میوه‌ها، باید حقوق مستمندان را بپردازند. ۶. مقصود از حقی که باید در موقع درو محصول و چیدن میوه پرداخت، زکات نیست؛ چون حکم زکات در سال دوم هجری فرود آمد و سوره‌ی انعام مکی است. پس مقصود همان انفاق‌های مستحبی است که به بینوایان داده می‌شود؛ یعنی هنگامی که بینوایان در موقع چیدن میوه‌ها حاضر شدند، چیزی از میوه‌ها را به آنان بدهید. به استصحاب این عمل در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است. «۱» ۷. تعبیر «یوم» (: روز) در آیه‌ی فوق ممکن است اشاره به آن باشد که بهتر است چیدن میوه‌ها و درو محصول در روز انجام شود تا مستمندان نیز حاضر شوند و قسمتی به آنها داده شود؛ یعنی هم‌چون افراد بخیل، شبانه این کار را انجام ندهند که کسی باخیر نشود. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز بر این مطلب تأکید شده است. «۲» ۸. میوه‌ها را نارس مصرف نکنید و از میوه‌هایی که به صورت طبیعی رسیده است بخورید. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعه در مورد درختان، باغ‌ها، زراعت‌ها و میوه‌ها و تنوع آنها، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۹ درس خداشناسی بیاموزید. ۲. در چیدن محصولات و مصرف آنها، حق محرومان را بپردازید. ۳. اسراف و زیاده‌روی نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و دوم سوره‌ی انعام با اشاره به فواید حیوانات، نسبت به پیروی از شیطان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۴۲. وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَهُ وَ فَوْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَ (او کسی است که) از دام‌ها (حیوانات بزرگ) باربر، و حیوانات کوچک (ی که از پشم آنها فرش می‌بافند، آفرید.) از آنچه خدا به شما روزی داده است بخورید؛ و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید؛ [چرا] که او دشمنی آشکار برای شماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دو نعمت الهی اشاره شده که نشانه‌های خدا هستند: یکی حیوانات بزرگ باربر و دوم حیوانات کوچک که از پشم و پوست آنها فرش‌هایی به دست می‌آید «۱» و از گوشت آنها مصرف می‌کنیم که

آن هم رزق الهی است. ۲. شیطان از سیاست گام به گام استفاده می‌کند و وسوسه‌های شیطانی، انسان را گام به گام از خدا دور می‌کند «۲» و کم‌کم گرفتار خرافات و انحراف می‌سازد؛ برای مثال، نخست افراد را به مجالس گناه و گناهان کوچک تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۰ می‌کشاند و سپس به سوی گناهان بزرگ‌تر سوق می‌دهد تا این که به کفر و شرک می‌رساند. ۳. در آیه‌ی فوق به دشمنی آشکار شیطان با انسان اشاره شده که از آغاز خلقت انسان دشمنی خود را اعلان و حتی با انسان اعلام جنگ کرد «۱» ولی با این حال برخی از انسان‌ها فریب او را می‌خورند و گام به گام در دام او گرفتار می‌آیند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما سر سفره‌ی خدا هستید؛ پس، از دشمنان او پیروی نکنید. ۲. سیاست شیطان، انحراف تدریجی و گام به گام شماست (پس مواظب باشید). ۳. با مطالعات زیست‌شناسی، خداشناس تر شوید. ۴. دشمن اصلی خود را بشناسید و از او پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و سوم سوره‌ی انعام برای ردّ خرافات و تحریم‌های بت پرستان، چهار جفت از حیوانات حلال گوشت را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۴۳. تَمَيِّزَهُ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالَّذِينَ حَرَّمُوا مَا آتَيْنَاهُم مِّنَ الضَّأْنِ عَلَيْهِ أَزْوَاجٌ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ تَبْتُونُ يَبْغُونَ بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ هشت زوج (از دام‌ها آفرید) از میش دو تا و از بز دو تا؛ بگو: «آیا [خدا] دو نر را حرام کرده، یا دو ماده را؟! یا آنچه رَحِمَ دو ماده آن را در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۱ برگرفته است؟! اگر راستگوید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید)، بر اساس علم به من خبر دهید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصل در مورد چهارپایان، جواز و اباحه و حلال بودن گوشت آنهاست و ممنوعیت و حرمت گوشت هر حیوان دلیل خاص می‌خواهد. ۲. قرآن کریم در مقابل تحریم‌های بی‌دلیل گوشت برخی حیوانات توسط مشرکان ایستاده است و با بیان روشن و صریح از آنان دلیل می‌طلبد، تا خرافات و فرهنگ غلط جاهلیت را از جامعه بزاید. ۳. در این آیه از هشت زوج یاد شده است «۱» که مقصود، یا چهار نوع حیوان نر و چهار نوع حیوان ماده است «۲» و یا چهار جفت حیوان اهلی و وحشی؛ همان‌طور که در برخی روایات از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است. «۳» ۴. در هنگام خبر دادن از حلال و حرام الهی، علم (عادی) لازم است؛ یعنی سخنی که همراه با دلیل اطمینان‌بخش باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ممنوعیت و تحریم هر حیوانی دلیل می‌خواهد (وگرنه خرافه است). ۲. از خرافه پرستان و مخالفان اسلام دلیل بخواهید. ۳. دلایل علمی را معیار صحت مطالب قرار دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و چهارم سوره‌ی انعام برای مبارزه با خرافات مشرکان، چهار جفت دیگر از حیوانات حلال گوشت را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۴۴. وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَالَّذِينَ حَرَّمُوا مَا آتَيْنَاهُم مِّنَ الضَّأْنِ عَلَيْهِ أَزْوَاجٌ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّأَ اللَّهُ بِهِدَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ و از شتر دو تا و از گاو (هم) دو تا (آفرید)؛ بگو: «آیا [خدا] دو نر را حرام کرده یا دو ماده را؟! یا آنچه رَحِمَ دو ماده آن را در برگرفته است؟! یا هنگامی که خدا شما را به این (تحریم) سفارش کرد، (شما) شاهد بودید؟! و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، برای اینکه مردم را بدون هیچ دانشی گمراه سازد؟! برآستی که خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم با تمام قامت و با بیانی روشن، به مبارزه با خرافات فرهنگ زمانه می‌پردازد. این آموزه‌ای راهبردی برای پیروان قرآن است که در برابر خرافات و تحریم‌های نابه‌جا و فرهنگ‌های غلط بایستند و مبارزه کنند. ۲. حرام نمودن گوشت حیوانات، تنها به دست خدایی است که آفریدگار آنهاست و این از طریق وحی الهی فهمیده می‌شود که مشرکان بت پرست به آن دست‌رسی ندارند؛ از این رو از آنان پرسش می‌شود: شما که دلیل نقلی ندارید، آیا ادعا می‌کنید که به هنگام صدور این دستورات حاضر بوده‌اید؟ و البته جواب این پرسش نیز منفی است؛ پس ثابت می‌شود که مشرکان در مورد خرافاتی که ادعا می‌کردند، هیچ دلیلی نداشتند و دروغ‌گو بودند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۳ ۳. دروغ بستن به خدا یکی از بزرگ‌ترین ستم‌هاست؛ «۱» چون اولاً، ستم به مقام مقدس پروردگار است، و ثانیاً ستم به بندگان خداست که گمراه می‌شوند، چون دروغ بستن بر خدا، یکی از وسایل گمراه کردن مردم است، و ثالثاً، ستم بر خویشتن است، چون شخص دروغ‌گو خود را گرفتار عذاب می‌کند. «۲» ۴. هدایت و گمراهی جنبه‌ی اختیاری دارد و عوامل و مقدمات آن، از خود

انسان شروع می‌شود. هنگامی که کسی ستم کرد خدا حمایت و هدایت خود را از او دریغ می‌دارد، و او در بیراهه‌ها سرگردان می‌شود و هدایت نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت ناروا به خدا دادن و تحریم‌های نابه‌جا، گناه و ستمکاری است. ۲. با دروغ‌پردازی جاهلانه مردم را به گمراهی نکشاند. ۳. اگر می‌خواهید از هدایت الهی بهره ببرید، ستمکاری نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و پنجم سوره‌ی انعام به برخی از حیوانات حرام گوشت و موارد استثنا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۵. قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مَحْرَمًا عَلَىٰ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْلَهُ تَفْسِيرِ قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۴ أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمٍ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطَرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ بگو: «در آنچه به سوی من وحی شده، هیچ (غذای) حرامی بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد، نمی‌یابم! جز اینکه مرداری باشد یا خون ریخته شده، یا گوشت خوک، چرا که این (ها) پلید است، یا (حیوانی که) از روی نافرمانی، [به هنگام سر بریدن، نام غیر خدا بر آن بانگ زده شده است.]] و [لی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس (گاهی بر او نیست)؛ چرا که پروردگارت، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گوشت‌های حرام دو دسته‌اند: نخست گوشت‌هایی که به خاطر پلیدی و زیان‌های بهداشتی و تنفر طبع انسان حرام شده‌اند که به آنها رجس گفته می‌شود، مثل گوشت خوک و مردار؛ دوم گوشت‌هایی که ممکن است زیان بهداشتی نداشته باشند، اما از نظر اخلاقی و معنوی حرام‌اند، چون نشانه‌ی بیگانگی از خدا و دوری از مکتب توحیداند، مثل گوشتی که در هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن برده شده، «۱» که با عنوان فسق «۲» از آن یاد شد. «۳» ۲. مقصود از «پلید» چیزی است که مایه‌ی تنفر طبع انسان است؛ مثل مردار، خون و گوشت خوک، که منبع آلودگی‌ها و سرچشمه‌ی زیان‌های مختلف بهداشتی است «۴» و خوردن آنها در اسلام ممنوع شده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۵. هرگاه انسان گرسنه شد و غذای حلال نداشت و ناچار شد، می‌تواند از گوشت‌ها و غذاهای حرام استفاده کند، به شرط آن که لذت‌جویی نکند و بیش از اندازه‌ی ضروری مصرف ننماید. «۱» ۴. حرمت و ممنوعیت گوشت مردار و خون در قرآن چهار مرتبه مطرح شده است؛ دوبار در سوره‌های مکی و دوبار در سوره‌های مدنی، که به ترتیب نزول، این اولین مرتبه‌ی آن است. «۲» ۵. آیه می‌فرماید: چیزهای حرام، در میان غذاها و حیوانات، این‌ها هستند، نه خرافاتی که مشرکان بافته‌اند (غذاهای حرام و حیوانات حرام گوشت دیگری نیز وجود دارد که در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت آمده است). «۳» ۶. اصل در حیوانات، حلال بودن آنهاست، مگر آن که از قرآن یا سنت، حرام بودن حیوانی ثابت شود. ۷. خون ریخته شده حرام است، اما خون‌هایی که در لابه‌لای موی‌رگ‌ها و گوشت‌ها باقی می‌ماند، حرام نیست. شاید حکمت این حکم آن باشد که خون ریخته شده معمولاً در معرض هوا و میکروب قرار می‌گیرد، اما خون تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۶ داخل گوشت این گونه نیست؛ علاوه بر آن که جدا کردن خون‌های مویرگ‌ها بسیار مشکل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل، حلال بودن غذاهاست مگر آن که دلیلی بر حرمت آن بیاید. ۲. از غذاهای غیربهداشتی و آلوده به خرافات دوری گزینید. ۳. قانون اهم و مهم را رعایت کنید؛ حفظ جان انسان مهم‌تر از حکم حرمت مردار و خوک است. ۴. از موارد استثنای قانون سوء استفاده نکنید؛ حتی در هنگام ضرورت نیز، کام‌جویی و زیاده‌روی در خوردن چیزهای حرام ممنوع است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و پنجم سوره‌ی انعام به مجازات یهودیان با ممنوعیت برخی غذاها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۶. وَ عَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ وَ بَر كَسَانِي كِه يَهُودِي شَدْنْد، هِر (حِيَوَان) نَاخْن دَارِي رَا حِرَام كَرْدِيم؛ وَ اَز گَاو وَ گُوسْفَنْد، پِيِه آن دُو رَا بَر آنان حِرَام كَرْدِيم؛ مَگَر آنچِه بَر پِشْت آن دُو وَ يَا بَر رُودِه‌هَاسْت، يَا آنچِه بَا اسْتِخْوَان دَر آمِيخْتِه اسْت؛ اِين رَا بِه سَزَاي سْتَم كَرْدَنشَان بِه آنان كِيفِر دَادِيم؛ وَ قَطْعًا مَ رَا سْتِگُويِيم. نَكْتِه‌هَآ وَ اِشَارِه‌هَآ: ۱. دَر آيَات قَبْل سَخْن اَز بَدْعْت‌هَآ وَ خِرَافَات مَشْرَكَان بُوْد كِه بَرخِي غذاها و حيوانات را بدون دليل بر خود حرام کرده بودند، سپس آيه‌ی قبل، غذاها و حيوانات حرام گوشت را از منظر اسلام برشمرد و اين آيه غذاها و حيواناتی را بر شمرده است که بر يهوديان حرام شده بود، تا روشن شود که احکام خرافاتی تفسیر قرآن مهر جلد

ششم، ص: ۲۴۷ مشرکان با قوانین دین یهود نیز سازگار نیست. ۲. تمام حیواناتی که سم چاک «۱» نیستند، اعم از چهارپایان یا پرندگان، بر یهودیان حرام شده بود و نیز «پیه» گاو و گوسفند بر آنان حرام شد. در تورات کنونی نیز همین مطالب اجمالاً آمده است. «۲» ۳. این غذاها و حیوانات بدان سبب بر یهودیان حرام شد که آنان مرتکب ستمکاری شدند. از آیات سوره‌ی نساء استفاده می‌شود که سبب تحریم این غذاها چند چیز بوده است که عبارت‌اند از: ستم بر بینوایان، جلوگیری از دعوت پیامبران، رباخواری و خوردن به ناحق اموال مردم. «۳» ۴. جمله‌ی «ما راست گویانیم» در آیه‌ی فوق، ممکن است اشاره به این نکته باشد که حقیقت مطلب در مورد ممنوعیت این غذاها، همین بود که ما گفتیم، نه آن که برخی یهودیان به دروغ بیان می‌کنند. «۴» ۵. احکام الهی از یک دیدگاه به سه بخش تقسیم می‌شوند: الف) احکامی که بر اساس مصلحت و مفسده‌ی واقعی قرار داده شده‌اند؛ مثل اکثر احکام دین اسلام که این‌گونه است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۸ ب) احکامی که برای امتحان افراد صادر می‌شود؛ مثل دستور سر بردن اسماعیل علیه السلام. ج) احکامی که جنبه‌ی کیفری دارد و از عذاب‌های خدا به شمار می‌آید؛ مثل ممنوعیت برخی غذاها بر یهودیان که در آیه‌ی فوق برشمرده شد. «۱» ۶. یکی از کیفرهای خدا برای ملت‌های سرکش و ستمکار، قرار دادن تنگنای معیشتی و اقتصادی است که از طریق وضع قوانین صورت می‌پذیرد؛ البته روشن است که در میان هر ملتی افراد نیکوکار و ستمکار هستند، ولی هنگامی که ستمکاران غالب شدند، یا از طرف نیکوکاران منع نشدند، همگی گرفتار کیفر می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محاصره‌ی اقتصادی یکی از شیوه‌های تنبیه ستمکاران است. ۲. بر یهودیان ستمکار سخت بگیرید تا مجازات شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و هفتم سوره‌ی انعام با بشارت رحمت الهی و هشدار به مخالفان می‌فرماید: ۱۴۷. فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَسِعَتْهَا وَلَا يَرُدُّ بَأْسَهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ و (ای پیامبر) اگر تو را تکذیب کنند، پس بگو: «پروردگار شما، صاحب رحمتی گسترده است؛ و [لی سختی (مجازات) او از گروه خلافکاران دفع شدنی نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به خوبی عظمت تعلیمات قرآن را روشن می‌کند که پس از این تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۹ همه خلافکاری مشرکان، باز هم آنان را طرد نمی‌کند، بلکه نخست راه بازگشت را می‌گشاید. ۲. اشاره به رحمت وسیع الهی و تعبیر محبت‌آمیز «پروردگار شما» برای تشویق مخالفان به بازگشت به سوی خدا و توبه است. ۳. آخرین جمله‌ی آیه‌ی فوق، برای جلوگیری از جسارت و طغیان مخالفان اسلام، آنان را با مجازات الهی تهدید می‌کند. یعنی در این آیه از شیوه‌ی تشویق و تهدید با هم استفاده شده است تا در مخاطب تأثیر روانی و تربیتی بیش‌تری داشته باشد. این شیوه‌ی تربیتی قرآن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رحمت خدا بر عذاب او مقدم است. ۲. ای رهبران الهی! آمادگی شنیدن تکذیب مخالفان باشید. ۳. با مخالفان دین هم، برخوردی خیرخواهانه و تشویق‌آمیز داشته باشید. ۴. ای مربیان تربیتی و مبلغان دینی و رهبران الهی! برای تربیت و هدایت مردم، هم از تشویق استفاده کنید و هم از تهدید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و هشتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی مشرکان برای فرار از مسئولیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۸. سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ کسانی که شرک ورزیدند، بزودی می‌گویند: «اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، ما و پدرانمان شرک نمی‌ورزیدیم، و هیچ چیزی را ممنوع تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۰ نمی‌کردیم.» کسانی (هم) که پیش از آنان بودند همین‌گونه، (پیامبران را) تکذیب کردند، تا سرانجام (طعم) سختی (مجازات) ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست، پس آن را برای ما بیرون آورید.» [شما] جز از گمان پیروی نمی‌کنید، و جز این نیست که شما حدس می‌زنید، (و دروغ می‌بافید). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد جمله‌ی «اگر خدا می‌خواست ما مشرک نمی‌شدیم»، دو احتمال داده‌اند: الف) مشرکان به جبر عقیده داشتند و می‌گفتند هر کاری که ما می‌کنیم، به خواست خدا و بر اساس جبر است. «۱» ب) مشرکان مدعی بودند، سکوت خدا در برابر بت‌پرستی و تحریم غذاها، دلیل بر رضایت اوست؛ چرا که اگر او راضی نبود می‌بایست به نوعی ما را از این کارها باز می‌داشت. «۲» ۲. مشرکان می‌خواستند با بهانه‌ی جبرگرایی از

مسئولیت‌های خویش فرار کنند و خود را از گناهانشان تبرئه کنند و همه چیز را به خواست خدا نسبت دهند، در حالی که وجدان هر کس گواهی می‌دهد که انسان در اعمال و افکار خویش آزاد است و همین مشرکان هیچ‌گاه مجرمی را به دلیل جبر گرایی، رها نمی‌کردند. ۳. مشرکان باید آوری این که پدران ما نیز مشرک بودند، می‌خواستند عقاید خویش را باستانی و با دوام جلوه دهند و بگویند: این شرک و احکام خرافی ما چیز تازه‌ای نیست و همواره چنین بوده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۱. ۴. این آیه از مشرکان دلیل علمی می‌طلبد و آنان را به خاطر گمانه‌زنی و پیروی از حدس و گمان سرزنش می‌کند. آری؛ این افتخار اسلام و قرآن است که از مخالفان خود نیز مدرک و دلیل می‌طلبد، یعنی هر انسانی باید تابع دلیل باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جبر گرایی، نوعی گمانه‌زنی است که دلیل علمی ندارد. ۲. مشرکان با جبر گرایی اعمال و عقاید خرافی خود را توجیه می‌کنند، ولی فرجام آنان عذاب آلود است. ۳. رهبران الهی و اکنش‌های مخالفان را پیش‌بینی کنند و آماده‌ی پاسخ‌گویی به شبهات آنان باشند. ۴. از خرافه پرستان و مشرکان دلیل علمی بخواهید (تا محکوم شوند). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و نهم سوره‌ی انعام به دلیل رسای الهی و قدرت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۹. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ بگو: «پس فقط دلیل رسا برای خداست. و اگر (بر فرض خدا) می‌خواست، حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می‌کرد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از فواید حجت «۱» و دلیل روشن آن است که جلوی عذر تراشی را می‌گیرد و راه هر گونه بهانه‌جویی را می‌بندد و کسی نمی‌تواند بگوید: «نمی‌دانستم» یا این که «خدا با سکوت خویش اعمال کسی را امضا کرده است.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۲ از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا در روز رستاخیز به انسان می‌فرماید: آیا می‌دانستی؟ اگر بگوید: آری، می‌فرماید: چرا به آنچه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگوید: نمی‌دانستم، می‌گوید: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرو می‌ماند و این است معنای حجت بالغه «۱» (و دلیل رسا). «۲» ۲. از امام کاظم علیه السلام حکایت شده که «خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهان. حجت آشکار پیامبران و امامان هستند، و حجت پنهان، عقل‌ها هستند. «۳» ۳. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که فرمود: «ما (اهل بیت) حجت رسا هستیم.» «۴» روشن است که این گونه احادیث مصادیق بارز و مجسم حجت را بیان می‌کنند. ۴. اگر خدا بخواهد، می‌تواند «۵» تمام انسان‌ها را به اجبار هدایت کند، ولی چنین ایمانی فاقد ارزش و برخلاف حکمت و مصلحت است و نمی‌تواند رشد و تکامل و سعادت انسان را تضمین کند. آری؛ فضیلت و تکامل انسان در آن است که راه هدایت را با اراده و اختیار خویش بییماید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برنامه‌های الهی بر اساس دلیل رسا استوار است. ۲. خدا، هدایت اجباری و سلب آزادی بشر را نمی‌خواهد. ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی برنامه‌ها را بر اساس دلیل رسا و اختیار بشر بنیان نهند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاهم سوره‌ی انعام با اشاره به دلیل خواهی اسلام و نقش هواپرستی در انحرافات می‌فرماید: ۱۵۰. قُلْ هَلْ مَسَّ شُهَدَاءَ كُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِنَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ بگو: «گواهانتان را بیاورید، آن کسانی که گواهی می‌دهند، در واقع خدا این (ها) را حرام کرده است!» و اگر آنان (به دروغ) گواهی دهند، تو با آنان گواهی مده؛ و پیروی مکن از هوس‌های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند و آنان که برای پروردگارشان همتا قرار می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. چرا این آیه در ابتدا از مشرکان گواهی می‌طلبد و در انتهای آیه شهادت آنان را نمی‌پذیرد؟ در دادگاه، شهادت معتبر و بی‌طرفانه پذیرفته می‌شود، اما گواهی یکی از دو طرف دعوی به نفع خودش، پذیرفته نمی‌شود؛ چون این گواهی عین ادعای اوست، همان‌طور که گواهی دروغ‌پردازان پذیرفته نمی‌شود؛ و گواهی مشرکان هر دو اشکال فوق را دارد. ۲. تکذیب‌ها و تحریم‌های غذاها توسط مشرکان، احکامی ساختگی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۴ است که از هوس‌های آنان سرچشمه می‌گیرد و انکار کردن قیامت، هواپرستی و شرک‌ورزی آنها، «۱» گواه این مطلب است. ۳. آیه‌ی فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار می‌دهد که پیرو هوس‌های مشرکان نباشد. این هشدار در حقیقت به مردم است و در ظاهر خطاب به پیامبر اسلام صلی الله

علیه و آله گفته شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام دین منطق و برهان است و حتی از مخالفان خود نیز دلیل و گواه می‌طلبد. «۲»

۲. هواپرستی سرچشمه‌ی انحرافات عقیدتی و اجتماعی است. ۳. در مقام داوری، هر گواهی‌ای مفید نیست. گواهی مدعی به نفع خود و نیز گواهی دروغ‌گویان را نپذیرید. ۴. مواظب باشید که گواهی دروغ دیگران شما را به اشتباه نیندازد و پیرو هوس‌های آنان نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و یکم سوره‌ی انعام قوانین اصولی پروردگار یا فرمان‌های پنج‌گانه‌ی خدا را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۱. قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِّنْ إِمْلَاقِنَّ نَزْرُقِكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لَا- تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مِمَّا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطْنَ وَ لَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۵ بگو: «بیایید، آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، (برایتان) بخوانم (و پیروی کنیم): اینکه هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ و فرزندانان را از فقر نکشید؛ ما، شما و آنان را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک [کارهای زشت نشوید، آنچه آشکار است از آنها، و آنچه پنهان است؛ و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است، جز به حق نکشید؛ این (چیزی است که خدا) شما را به آن سفارش کرده، تا شاید شما خردورزی کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیات بعد، ده قانون اساسی و خردپسند مطرح شده است که پنج مورد در این آیه آمده است: ممنوعیت شرک، لزوم نیکی به پدر و مادر، ممنوعیت فرزندکشی، ممنوعیت اعمال زشت آشکار و پنهان و ممنوعیت آدم‌کشی. ۲. دستورات پنجگانه‌ای که در آیه‌ی فوق آمده و در اسلام مورد توجه گسترده واقع شده، مخصوص اسلام نیست، بلکه در ادیان الهی دیگر نیز وجود داشته است؛ همان‌طور که نمونه‌ی ناقص آن را در ده فرمان تورات می‌بینیم. «۱» ۳. قوانینی که در آیه‌ی فوق آمده است از مستقلات عقلیه به شمار می‌آید؛ یعنی مطالبی است که عقل انسان به روشنی آنها را درک می‌کند و می‌پذیرد. در پایان آیه نیز آمده است «تا شاید خردورزی کنید.» «۲» ۴. آیه‌ی فوق، پس از بیان ممنوعیت شرک، بلافاصله نیکی به پدر و مادر را ذکر نمود و حتی آن را قبل از دستورات مهم دیگر آورد. این نشان دهنده‌ی اهمیت حق پدر و مادر از منظر اسلام است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۶. ۵. جالب این است که موارد شرک، قتل فرزند، قتل افراد و اعمال زشت را به صورت نهی بیان کرد، ولی در مورد پدر و مادر نفرمود آنان را اذیت نکنید، بلکه امر کرد و فرمود: «به آنان نیکی کنید.»؛ یعنی نه تنها آزار آنان حرام است، بلکه نیکی به پدر و مادر لازم است. چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ‌افکن و پیل تن‌گر از عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من نکردی در این روز بر من جفا که تو شیرمردی و من پیرزن (سعدی) ۶. به پدر و مادرتان، بدون واسطه و مستقیماً، خودتان نیکی کنید. این تعبیر علاوه بر آن که نکته‌ای عاطفی در بردارد، اهمیت موضوع را بیش‌تر می‌رساند. «۱» ۷. مردم دوران جاهلیت، دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند و فرزندان پسر خویش را نیز به خاطر فقر به قتل می‌رساندند. خدا آنها را از این کار بازداشت و فرمود رزق آنها با خداست. متأسفانه در عصر ما نیز اعمال جاهلی به نوعی دیگر تکرار می‌شود و برخی افراد، کودکان خود را در مرحله‌ی جنینی سقط می‌کنند و بهانه‌های واهی و جاهلانه‌ای می‌آورند و گاهی نیز به کمبود مواد غذایی استدلال می‌کنند. مخور هول ابلیس تا جان دهد هر آن کس که دندان دهد نان دهد (سعدی) ۸. در آیه‌ی فوق آمده بود که «به گناهان زشت «۱» نزدیک نشوید.» این تعبیر شدت پرهیز و دوری را می‌رساند و در مورد گناهانی مثل عمل منافی عفت (زنا) به کار می‌رود که نزدیک شدن به آنها وسوسه‌انگیز است و انسان را به انحراف می‌کشاند. ۹. در آیه‌ی فوق بیان شده که به «گناهان زشت آشکار و پنهان» نزدیک نشوید. برخی از مفسران، گناهان آشکار را مفاصد ظاهر اجتماعی و گناهان پنهان را آلودگی‌های روحی و درونی انسان می‌دانند که اسلام می‌خواهد انسان از هر دو نوع آلودگی نجات یابد. ۱۰. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که «مقصود از گناه آشکار، عمل منافی عفت (زنا) است و منظور از گناه پنهان، دوستی‌های نامشروع و مخفی است.» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق‌های روشن آیه را بیان می‌کنند، ولی مفهوم آیه منحصر در این امور نیست. ۱۱. آیه‌ی فوق و آیات بعد چیزهای حلال و جایز را برنشمرد، بلکه حرام‌ها را بیان نموده است؛ چرا که

اصل در همه چیز حلال بودن آنهاست، مگر چیزهایی که ثابت شود حرام و ممنوع‌اند. ۱۲. تعبیر «پروردگارتان بر شما حرام کرد»، می‌تواند اشاره به آن باشد که ممنوعیت‌هایی که در آیه آمده است، جنبه‌ی پرورشی و تربیتی برای انسان دارد که از مقام ربوبیت خدا ناشی شده است. ۱۳. کشتن دیگران جایز نیست (و از گناهان کبیره است) مگر به حق باشد؛ یعنی اگر کسی قاتل باشد، قصاص و کشتن او، با شرایط خاص، جایز تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۸ بلکه گاهی لازم است؛ چون حق است و از خون‌ریزی‌های دیگر جلوگیری می‌کند و سبب امنیت جامعه می‌شود؛ پس معیار خوب و بد بودن قتل، حق بودن یا نبودن آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناهان اساسی که در اسلام ممنوع شده، سفارش الهی و مورد قبول خرد انسان است. ۲. انحرافات عقیدتی (مثل شرک)، اخلاقی (مثل پدر و مادر آزاری) و اجتماعی ممنوع است. ۳. از قوانین و محرمات الهی پیروی کنید (نه از خرافات). ۴. فقر را بهانه‌ای برای فرزندکشی قرار ندهید که خدا روزی‌دهنده‌ی همه‌ی شماست. ۵. به زشت‌کاری نزدیک نشوید (که گرفتار آن می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و دوم سوره‌ی انعام چهار قانون اساسی دیگر را بیان می‌کند و با اشاره به عدالت اقتصادی و گفتاری و شیوه‌ی برخورد با یتیمان می‌فرماید: ۱۵۲. «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ إِلَّا- نُكِّلْتُمْ نَفْسًا إِلَّا- وَسَعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و به ثروت یتیم، نزدیک نشوید، جز به آن (روشی) که آن نکوتر است، تا به حد رشدش برسد؛ و پیمان‌ها و ترازو را بر طبق دادگری، کاملاً ادا کنید؛ هیچ شخصی را جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم؛ و هنگامی که سخنی می‌گویید، پس عدالت را رعایت نمایید، و گر چه در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد؛ و به پیمان خدا وفا کنید؛ این [ها] است که [خدا] شما را تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۹ به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما متذکر شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل پنج قانون اساسی و خردپسند بیان شد و اینک در این آیه نیز چهار قانون دیگر از این منشور جهانی الهی را بیان می‌شود که عبارت‌اند از: الف) «جز به قصد اصلاح، به مال یتیمان نزدیک نشوید، تا هنگامی که به حد بلوغ برسند». ب) «حق پیمان‌ها و وزن را با عدالت ادا کنید». و کم فروشی نکنید. ج) «به هنگام سخن گفتن (در داوری و شهادت و مانند آن) عدالت را رعایت کنید (و از مسیر حق منحرف نشوید)، هر چند در مورد خویشاوندان شما باشد». د) «به پیمان الهی وفا کنید» ۱) و آن را نقض نکنید». ۲. آیه‌ی فوق از ما می‌خواهد که در مورد حقوق و اموال یتیمان به بهترین روش عمل کنیم؛ به طوری که سود مادی و معنوی او تأمین شود؛ یعنی اموال او هم نگهداری گردد و هم رشد یابد و نیز مصالح او رعایت گردد و وسایل رشد یتیم فراهم شود. ۳. اگر یتیمان به رشد کافی رسیدند، می‌توان اموال آنها را در اختیار خودشان گذاشت. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از «رشد» همان زمان بلوغ است و چنانچه پس از بلوغ رشد کافی نکرد و سفیه یا ضعیف (العقل) بود، سرپرست یتیم مالش را به او ندهد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۰. قرآن کریم چند بار کم‌فروشی را منع کرده است و قوم حضرت شعیب، به خاطر این گناه، گرفتار عذاب شدند. در این آیه نیز بر رعایت پیمان‌ها و ترازو تأکید شده که در حدّ توان، عدالت رعایت شود. «۱» ۵. اصولی هم چون «رعایت عدل و وفای به عهد»، در نهاد و فطرت آدمی نهفته است و هر کس آنها را می‌پذیرد و فقط یادآوری به او کافی است؛ زیرا این‌ها قوانین خردپسند و اساسی است. «۲» در برخی احادیث آمده است که این آیات سوره‌ی انعام از آیات محکم قرآن است و نسخ و تغییر در آن راه نیافته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رعایت حال کودکان بی‌سرپرست، عدالت اقتصادی، عدالت گفتاری و وفای به پیمان، از امور ضروری است. ۲. در مورد یتیمان دقت کنید و به بهترین روش عمل کنید (تا حقوق آنان تأمین شود). ۳. عدالت، معیاری اساسی در امور اقتصادی و سخن گفتن است. ۴. تکلیف انسان‌ها به اندازه‌ی توانایی آنهاست (پس هر که توانا تر است، تکلیفش سنگین تر است). ۵. هر کس به اندازه‌ی توانایی خود عدالت اقتصادی را رعایت کند، که خدا چیزی فراتر از توان انسان نمی‌خواهد. ۶. در گفتارها (و شهادت و داوری) تحت تأثیر عواطف خویشاوندی قرار نگیرید (و رابطه را بر ضابطه مقدم ندارید) و عدالت را زیر پا نگذارید. «۳» *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و سوم

سوره‌ی انعام قانون اساسی دیگری را بیان می‌کند و با اشاره به عوامل وحدت و اختلاف می‌فرماید: ۱۵۳. «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَيْنَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنید؛ و از راه‌ها [ی دیگر] پیروی نکنید، که شما را از راه او پراکنده می‌سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در دو آیه‌ی قبل و این آیه، مجموعاً ده قانون زیربنایی و خردپسند اسلام بیان شده است. این قوانین از نفی شرک، که سرچشمه‌ی همه‌ی اختلافات و مفاصد و محرمات الهی است، شروع شد و با نفی اختلاف، که نوعی شرک عملی است، پایان یافت. ۲. راه مستقیم خدا یکی بیش‌تر نیست، اما راه‌های انحرافی متعدد است. راه مستقیم ما را به یک مقصد می‌رساند که همان خداست و موجب وحدت مردم می‌شود، ولی راه‌های انحرافی ما را به مقاصد غیر الهی و شرک آمیز می‌رساند و موجب اختلاف مردم می‌شود. ۳. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که «راه مستقیم (راه) پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امامان از فرزندان او هستند.» (۱) روشن است که این گونه احادیث در حقیقت بیان مصداق کامل و روشن راه مستقیم است. ۴. در روایات تاریخی آمده است که دو تن از بزرگان مدینه به شهر مکه آمدند و به سفارش مشرکان، پنبه در گوش خود گذاشتند تا صدای پیامبر تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۲ اسلام صلی الله علیه و آله را نشوند، اما در هنگام طواف پشیمان شدند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و به سخنان او گوش دادند. آن حضرت آیات سه‌گانه‌ی فوق را بر آنان خواندند. آنان منقلب شدند و مسلمان گشتند و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درخواست نماینده‌ای برای تبلیغ در مدینه کردند. ایشان «مُصْعَبُ بْنُ عُمَيْرٍ» را همراه آنها فرستادند و سرانجام چهره‌ی مدینه دگرگون شد. (۱) ۵. برخی مفسران از «ابن مسعود»، صحابه بزرگوار، حکایت کرده‌اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای توضیح آیه‌ی فوق از روش نمایشی و تصویری استفاده کردند؛ یعنی با دست، خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند: «این راه مستقیم است که یکی بیش‌تر نیست.» سپس خطوطی به اطراف ترسیم کردند و فرمودند: «این‌ها راه‌های متعددی است که به هر یک از آنها، شیطانی دعوت می‌کند.» آن‌گاه آیه‌ی فوق را قرائت کردند. (۲) ۶. تعبیر «این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش می‌کند»، در آیات سه‌گانه‌ی فوق سه بار آمده است. با این تفاوت که در مرتبه‌ی اول با جمله‌ی «شاید تفکر کنید.» و در مرتبه‌ی دوم با جمله‌ی «شاید متذکر شوید.» و در مرتبه‌ی سوم با جمله‌ی «شاید خودنگه‌دار و با تقوا شوید.» همراه شده است. این تعبیرات، گویا اشاره به آن است که انسان هنگام دریافت قانون، در مرحله‌ی اول، درک و تعقل می‌کند، در مرحله‌ی بعد، یادآوری و جذب می‌کند و در مرحله‌ی سوم، خودنگه‌داری و تقوا، عمل می‌کند. (۳) تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروی از راه مستقیم الهی، زیربنای وحدت جامعه‌ی بشری است. ۲. پیروی از راه‌های متفرق و غیر الهی، سبب تفرقه‌ی مردم می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و چهارم سوره‌ی انعام به تورات و ویژگی‌ها و اهداف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۴. «ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَ تَفْصِيلاً لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّعَلَّهِمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» سپس به موسی کتاب [الهی] دادیم، برای اینکه (نعمت خود را) بر کسی که نیکی کرده تمام کنیم؛ و هر چیز (مورد نیاز) را تشریح کنیم، و رهنمود و رحمتی باشد؛ تا شاید آنان به ملاقات پروردگارش ایمان بیاورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا نخست به پیامبران پیش از موسی علیه السلام، قوانین دهگانه‌ای را ابلاغ کرد، سپس به موسی کتاب الهی داد و این برنامه‌ها و تمامی مطالب لازم را در آن شرح داد؛ (۱) یعنی این قوانین دهگانه‌ی خردپسند، که در سه آیه‌ی قبل بیان شد، اصول اساسی ادیان بزرگ بوده است. ۲. آیین موسی علیه السلام تمام و کامل بود؛ زیرا هر دینی برای مردم زمان خود کامل و جامع است و خدا دین ناقص نازل نمی‌کند؛ اما هر آیینی که در یک زمان کامل بود، نسبت به زمان‌ها و مردم عصر بعد ناقص است؛ مانند برنامه‌ی آموزشی دبستان که در جای خود کامل است، اما نسبت به برنامه‌ی دبیرستان ناتمام است و دلیل آمدن پیامبران متعدد با کتاب‌های مختلف، همین است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۴ البته دین اسلام که آخرین دین است، یک دین کامل و همیشگی برای همه‌ی بشریت است. ۳. در تورات، هر آنچه برای هدایت مردم زمان موسی علیه

السلام لازم بود، تشریح شده است. آری؛ تورات اصلی، برای نیکوکاران که به بهترین صورت به آن عمل می‌کردند، مظهر رحمت و هدایت الهی بود. «۱» ۴. مقصود از ملاقات پروردگار، ملاقات حسی و دیدن با چشم نیست؛ چرا که خدا جسم نیست تا دیده شود؛ مقصود یک نوع شهود باطنی و ملاقات معنوی و روحانی است که بر اثر تکامل انسان، در قیامت صورت می‌گیرد. برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود مشاهده‌ی پادشاهان و کیفرهای خدا در جهان دیگر است. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. «۲» ۵. مسائل مربوط به قیامت در تورات اصلی به اندازه‌ی کافی بیان شده بود و در تورات کنونی نیز، در موارد نادری، به معاد اشاره شده است، «۳» اما به نظر می‌رسد که در اثر تحریف دنیاپرستان، اکثر مطالب مربوط به «معاد» حذف شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهداف پیامبران الهی «معادباوری» است. ۲. کتاب‌های آسمانی مظهر رحمت الهی و موجب هدایت مردم است. ۳. اگر رحمت و هدایت می‌طلبد، از کتاب‌های الهی پیروی کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۵

ده فرمان قرآن

قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و پنجم سوره‌ی انعام به قرآن و ویژگی‌های آن و عوامل رحمت‌آفرین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۵. وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَ این کتابی خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ پس از آن پیروی کنید، و خود را از مخالفت آن حفظ کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در واژه‌ی «مبارک» دو عنصر نهفته است: یکی قوی و ثابت بودن و دوم رشد دائمی داشتن. قرآن هم دارای مطالبی اساسی و استوار است و هم با گذشت زمان اسرار آن کشف و مطالب جدید آن جلوه‌گر می‌شود. «۱» ۲. قرآن فقط کتاب دیدنی و خواندنی نیست، بلکه برنامه‌ی عمل انسان است و اگر از آن پیروی شود، سعادت انسان را تأمین می‌کند. ۳. دو چیز سبب می‌شود که باران رحمت الهی بر انسان ببارد: یکی پیروی از قرآن و دیگری تقوا و خودنگهداری؛ به عبارت دیگر، اطاعت از حق و اجتناب از باطل. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برکت و رحمت از ویژگی‌های قرآن است. ۲. قرآن را برنامه‌ی زندگی و مقتدای خود قرار دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و ششم سوره‌ی انعام به نقش قرآن در پاسخ‌گویی به بهانه‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۶. أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَ إِن كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَفْلِينَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۶ (ما قرآن را فرو فرستادیم مبادا) بگوئید: «کتاب [الهی] تنها بر دو دسته پیش از ما [یهودیان و مسیحیان فرود آمد، و در واقع ما از (مطالعه و) درس آنان غافل بودیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممکن بود که مشرکان بهانه بگیرند که اگر از فرمان خدا سرپیچی کردیم، به خاطر آن بود که کتاب او در دست دیگران بود و به دست ما نرسیده بود. ولی خدای متعال در آیه‌ی فوق پاسخ قاطعی به این بهانه‌جویی‌ها می‌دهد و یادآور می‌شود که ما قرآن را برای شما فرو فرستادیم تا کسی نتواند بهانه‌تراشی کند. ۲. «درس» یکی از مراحل استفاده از کتاب‌های الهی است و عناصری هم‌چون بقای اثر، تمرین، مطالعه‌ی مکرر و کهنه شدن مطلب در آن نهفته است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با نزول قرآن، حجت بر همگان تمام شده است و بهانه‌تراشی سودی ندارد. ۲. از درس و مطالعه‌ی مکرر کتاب‌های الهی غافل نشوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و هفتم سوره‌ی انعام بار دیگر به بهانه‌های مشرکان پاسخ داده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۱۵۷. أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَصَدَّ عَنْهُمْ بَيْنَهُمْ مِّن رَّبِّكَمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ [مبادا] بگوئید: «ما اگر (بر فرض) کتاب [الهی] هم بر ما فرو فرستاده می‌شد، حتماً از آنان ره یافته‌تر بودیم.» پس یقین، دلیل روشن (قرآن)، و رهنمود و رحمتی از جانب پروردگارتان برای شما آمد. و چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را دروغ انگاشته، و از آن روی برتابد؟! بزودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب روبرتافتن (بدون دلیل) شان، با عذاب بدی کیفر خواهیم داد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، منعکس‌کننده‌ی حس خود برترینی مشرکان و ادعای بی‌اساس آنهاست، که نژاد عرب را از دیگران

برتر می‌دانستند و می‌گفتند: اگر کتابی الهی بر ما فرود آید، ما از دیگران هدایت یافته‌تریم، «۱» اما قرآن کریم در برابر این ادعاها می‌ایستد و پاسخ قاطعی به آنان می‌دهد. ۳. تکرار تعبیر «روی گرداندن» «۲» به خاطر روشن ساختن این حقیقت است که تمام گرفتاری‌های مشرکان از روی گردانی بدون فکر آنها از آیات الهی سرچشمه می‌گیرد و اگر دست کم، به عنوان یک پژوهشگر، به جست و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۸ جو و تفکر می‌پرداختند، گرفتار این عذاب شدید نمی‌شدند. «۱» ۲. در آیه‌ی فوق به سه ویژگی و صفت قرآن کریم اشاره شده است: الف) یبینه، یعنی قرآن دلیل روشن و روشنگر است. «۲» ب) هُدی، یعنی قرآن مایه‌ی هدایت و راه‌نمایی انسان‌هاست. ج) رَحْمَةٌ، یعنی قرآن منشأ رحمت و نزول برکات الهی است. ۴. روی گردانی از قرآن کریم و تکذیب آیات الهی، ستم به خویشان و جامعه است؛ چرا که با این کار انسان هم خود را از رشد و کمال محروم می‌سازد، و هم سبب محرومیت مردم از این چشمه‌ی رحمت و هدایت می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن، دلیلی روشن، هدایتگر، رحمت‌زا و اتمام حجت بر بهانه‌جویان است. ۲. یکی از بزرگ‌ترین ستم‌ها روی برتافتن از قرآن کریم و تکذیب آیات الهی است. ۳. با وجود قرآن بهانه‌جویی نکنید. ۴. روی برتافتن از قرآن فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و هشتم سوره‌ی انعام به برخی دیگر از بهانه‌های مشرکان و عواقب آنها اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۹ ۱۵۸. هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟! (اما) روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت (پدید) آید، شخصی که قبلاً ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است، ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو: «منتظر باشید! که ما (هم) منتظریم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در حقیقت انتظار امر محالی را می‌کشیدند؛ چون آمدن خدا و مشاهده‌ی او امری محال است. «۱» آنان بهانه‌تراشی می‌کردند تا ایمان نیاورند. ۲. در آستانه‌ی رستاخیز، که نشانه‌های هولناک قیامت نمایان می‌شود و یا هنگامی که بلاهای دنیوی نازل می‌گردد، «۲» همه‌ی افراد از ترس ایمان می‌آورند و به انجام کارهای نیک مایل می‌شوند، اما این ایمان اجباری و اضطراری سودی ندارد. حتی کسانی که فقط ایمان آورده، ولی عمل نیک انجام نداده‌اند نیز ایمانشان سودی نخواهد داشت. ۳. ایمان بدون عمل نیک، سبب نجات انسان نمی‌شود؛ اگر کسی تمام دستورات دینی را زیر پا بگذارد و در طول عمر خود به آنها عمل نکند، این تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۰ دلیل روشنی است بر نداشتن ایمان واقعی. ۴. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از آیه‌ی فوق، روز قیام امام منتظر، حجه بن الحسن عسگری (عج) است؛ سپس بعضی آیات و نشانه‌هایی را که در آیه‌ی فوق بیان شده، بر نشانه‌های قیام امام عصر (عج) تطبیق کرده‌اند. «۱» البته این گونه احادیث برخی مصادیق روشن آیه‌ی فوق را بیان می‌کنند، ولی الفاظ آیه مطلق است و می‌تواند شامل نشانه‌های قیامت و ظهور امام عصر (عج) و غیر آن باشد. و شاید ظهور امام عصر (عج) نیز یکی از مصادیق آیات الهی و نشانه‌های نزدیک شدن قیامت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان بهانه‌جو بودند، نه حقیقت‌جو؛ و از این رو درخواست‌های نامعقول می‌کردند. ۲. مخالفان تا دیر نشده است ایمان بیاورند، که در آستانه‌ی قیامت، ایمان و عمل اضطراری سودی ندارد. ۳. مخالفان دین منتظر (عذاب الهی) باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و نهم سوره‌ی انعام به تفرقه افکنان در دین هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵۹. إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۱ در حقیقت کسانی که دینشان را پراکنده ساختند، و گروه گروه گردیدند، تو هیچ چیزی (از رابطه) با آنان نداری؛ کارشان تنها با خداست؛ سپس [خدا] از آنچه همواره انجام می‌دادند، با خبرشان می‌سازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل سخن از راه مستقیم الهی بود و این که راه پیامبر صلی الله علیه و آله راه مستقیم توحید است که همیشه یگانه است در این آیه برای تأکید بر همان مطلب، اشاره کرده که تو با تفرقه‌افکنان و کسانی که از راه‌های مختلف در دین بدعت می‌گذارند، ارتباطی نداری؛ چون آنان با مکتب و راه یگانه‌ی تو

ارتباطی ندارند. راه آنان، راه تفرقه است و راه تو راه توحید و یگانگی. ۲. آیه‌ی فوق ممکن است اشاره به مشرکان باشد که دچار اختلاف و تفرقه در آیین خود شده بودند، و یا اشاره به گروه‌های تفرقه‌افکن امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که بر اثر تعصبات و ریاست‌طلبی‌ها، به تفرقه روی آوردند. «۱» آیه‌ی فوق با احتمال اول سازگارتر است، «۲» اما محتوای آن یک مطلب عام است که شامل همه‌ی تفرقه‌اندازان می‌شود. «۳» ۳. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از گروه‌های مذکور در آیه، کسانی هستند که از راه امام علی علیه السلام جدا و به گروه‌های مختلفی تقسیم شدند. «۴» در برخی دیگر از احادیث آمده است که مقصود، گمراهان و شبه‌افکنان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۲ و بدعت‌گذاران امت اسلام هستند. «۱» البته این‌گونه احادیث، در حقیقت، برخی مصادیق بارز آیه را بیان می‌کند و موجب انحصار محتوای آیه در افراد خاص نمی‌شود و آیه شامل همه‌ی تفرقه‌افکنان مسلمان و غیر مسلمان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هر گونه تفرقه‌افکنی بیزار است. ۲. انشعاب‌های مذهبی و دسته‌بندی‌های اجتماعی، ریشه در انحرافات و بدعت‌هایی دارد که ربطی به بنیان‌گذار دین ندارد. ۳. رهبران الهی از تفرقه‌افکنان دوری گزینند. ۴. تفرقه‌افکنی نکنید که سروکارتان با خداست. ***

قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصتم سوره‌ی انعام به قانون ده برابر شدن پاداش کار نیک و قانون کیفر مساوی گناه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۰. *مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ* هر کس (کار) نیکی آورد، پس برایش ده برابر مثل آن (پاداش) است؛ و هر کس (کار) بدی بیاورد، پس جز همانند آن کیفر نخواهد شد؛ و آنان مورد ستم واقع نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن کریم پاداش کارهای نیک چند گونه بیان شده است. در آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی قصص می‌خوانیم که پاداش کار خیر بهتر از آن است. در آیه‌ی فوق می‌خوانیم که پاداش کار نیک ده برابر آن است؛ در آیه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۳ ۲۴۵ سوره‌ی بقره می‌خوانیم که پاداش کار نیک انفاق هفتصد برابر می‌شود؛ و در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی زمر می‌خوانیم که استقامت و صبر، پاداش بی حساب دارد. این اختلاف مراتب پاداش به خاطر اختلاف درجات افراد و کیفیت اخلاص و مقدار تلاش آنهاست، که پاداش ده برابر حداقل آن است؛ همان‌طور که در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام اشاره شده که مراتب پایین پاداش برای مسلمان، و مراتب بالای آن برای مؤمن است و هر چه ایمان قوی‌تر باشد، پاداش بیش‌تر می‌شود. «۱» ۲. جمله‌ی «هر کس کاری آورد»، اشاره دارد که کار نیک و بد انسان در قیامت از او جدا نمی‌شوند، و همواره با اوست. از این تعبیر استفاده می‌شود که موضوع آیه‌ی فوق در دادگاه عدل الهی تحقق می‌یابد، و گر نه، در دنیا ممکن است گناهان انسان بخشوده و یا تبدیل به نیکی شود. «۲» ۳. خدا نهایت لطف را به بندگانش دارد که همه‌ی امکانات را در اختیارشان قرار می‌دهد و به کار نیک آنان ده برابر پاداش می‌دهد در حالی که برای نافرمانی‌شان کیفر مساوی می‌دهد. آری؛ خدا در پاداش دادن براساس فضل و بخشش خود و در کیفر دادن بر اساس عدل خود عمل می‌کند و بر کسی ستم روا نمی‌دارد. ۴. ابوذر غفاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت کرده که فرمودند: خدا می‌فرماید: کارهای نیک را ده برابر پاداش می‌دهم یا بیش‌تر، و کارهای بد را تنها یک برابر کیفر می‌دهم، یا می‌بخشم؛ پس وای به حال آن کس که یکان او بر دهگان او پیشی گیرد «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۴ (یعنی گناهانش از نیکی‌هایش افزون شود). ۵. در آیه‌ی فوق آمده است که «کیفر کار بد به همان اندازه است.»؛ پس چرا کیفر خوردن یک روز روزه‌ی ماه مبارک رمضان، شصت روز روزه است؟ در این‌گونه مجازات‌ها، میان گناه و کیفر مساوات عددی نیست، بلکه کیفیت عمل معیار است؛ یعنی احترام یک روز روزه‌ی ماه رمضان به اندازه‌ای است که با شصت روز از ماه‌های دیگر برابری می‌کند؛ همان‌گونه که کارهای نیک در ماه رمضان نیز ثواب بیش‌تری دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به شما لطف دارد و به کار نیک شما پاداش بیش‌تری می‌دهد. ۲. خدا ستمکار نیست و در مجازات افراد، کیفر را مساوی گناه قرار می‌دهد. ۳. کار نیک کنید تا ده برابر جایزه بگیرید. ۴. هر کس را به اندازه‌ی خلافت‌کاری‌اش کیفر دهید، نه بیش‌تر. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و یکم سوره‌ی انعام به پیام اصلی ادیان الهی، یعنی توحید و حق‌گرایی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱۶۱. قُلْ إِنِّي هَدَاخ رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ بگو: «در حقیقت پروردگارم مرا به راه راست راهنمایی ام کرده؛ که دینی استوار [و] آیین ابراهیم حق گراست؛ و [او] از مشرکان نبود.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «قل» (بگو) که در آیه‌ی فوق آمده و در قرآن کریم، به ویژه سوره‌ی انعام، زیاد تکرار شده است، نشان می‌دهد که اولاً، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خود سخن نمی‌گوید، بلکه حامل پیام الهی است. ثانیاً، این واژه نشان دهنده‌ی حفظ اصالت قرآن توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که هیچ‌گونه تغییری در الفاظ قرآن نمی‌داد و حتی کلمه‌ی امر «قل» (بگو) را برای ما بازگو می‌کرد. ثالثاً، در سوره‌ی انعام که خطاب به مشرکان است، این تعبیر نوعی پاسخ الهی به انحرافات و توقعات بی‌جای مشرکان است. ۲. عرب‌ها به ابراهیم علیه السلام علاقه‌ی خاصی داشتند و حتی آیین خود را با عنوان آیین ابراهیم معرفی می‌کردند. آیه‌ی فوق این پندار آنها را باطل کرد و فرمود ابراهیم مشرک نبود، بلکه او فردی حق‌گرا و دارای دینی استوار بود. «۱» ۳. در حدیثی از امام حسین و امام سجاد علیه السلام و امام باقر آمده است که ما و شیعیان ما بر دین ابراهیم هستیم. «۲» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق روشن و کامل آیه را بیان می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخنان و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نظرهای شخصی او نیست، بلکه متن وحی الهی است. ۲. اساس ادیان الهی و راه اصلی پیامبران یکی است که همان توحید و حق‌گرایی است. ۳. رهبران و مبلغان دینی هدف و پیام خود را به روشنی برای مردم بیان کنند. ۴. به راه پیامبران بزرگ الهی و راه توحید بروید و از شرک دوری گزینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و دوم و صد و شصت و سوم سوره‌ی انعام ترنم توحید را در تمام زندگی سریان می‌دهد و می‌فرماید: ۱۶۲ و ۱۶۳. قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ بگو: «براستی نماز و [سایر] عباداتم و زندگی‌ام و مرگم، برای خدایی است، که پروردگار جهانیان است. * هیچ‌همتایی برای او نیست؛ و به این (کار) مأمور شدم؛ و من نخستین مسلمانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان می‌تواند ترنم توحید را در سراسر زندگی و مرگ خویش جاری سازد و در همه‌ی کارهای زندگی‌اش قصد قربت کند و آنها را برای خدا انجام دهد، تا همه کارهایش نوعی عبادت به شمار آید. ۲. عبادات و زندگی و مرگ انسان برای خداست، ولی این‌ها فایده‌ای برای پروردگار ندارد؛ چون او نیازمند اعمال ما نیست؛ پس تنها سود آن برای خود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۷ انسان است و موجب تکامل او می‌گردد. «۱» ۳. یادآوری نماز به صورت ویژه و جدا کردن آن از مناسک و عبادات «۲» دیگر، نشان‌دهنده‌ی اهمیت نماز و اخلاص در آن است. ۴. این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما از آن جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله الگو و اسوه‌ی ماست، ما نیز می‌توانیم مثل او، همه‌ی هستی، مرگ و حیات و عباداتمان را برای خدا قرار دهیم. ۵. در آیات قرآن بر مسلمان بودن و تسلیم بودن پیامبران الهی تأکید شده است. نوح علیه السلام می‌گوید: «من مأمورم که از مسلمانان باشم.» «۳» ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام می‌گویند: «خدایا ما را برای خودت مسلمان قرار بده.» «۴» و یوسف علیه السلام می‌گوید: «مرا مسلمان بمیران.» «۵» ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌گوید: «من اولین مسلمان هستم.» «۶» ۶. واژه‌ی «مُسْلِم» به معنای کسی است که در برابر فرمان خدا تسلیم باشد و اولین مسلمان بودن پیامبر صلی الله علیه و آله، یا از نظر کیفیت و اهمیت اسلام ایشان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۸ است، که از همگان بالاتر است، یا این که او اولین فرد از امت اسلام بود که پیشگامی کرد و مسلمان شد و یا این که در عالم ارواح، پیامبر اسلام اولین کسی بود که به دعوت حق پاسخ مثبت داد و تسلیم شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اخلاص در کارها، زندگی و مرگ توحیدی و دوری از شرک، از دستورات الهی است. ۲. رهبران الهی در پیمودن راه و عمل به فرمان الهی پیش‌گام باشند. ۳. هم‌چون رهبر اسلام، ترنم توحید را در سراسر زندگی خویش جاری سازید. ۴. همه‌ی هستی خود را نثار دوست کنید و از غیر او روی برتایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و چهارم سوره‌ی انعام به دو قانون کلی و سنت الهی در مورد دست‌آورد انسان‌ها و لزوم مسئولیت‌پذیری آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۴. قُلْ أَعْبُدُوا اللَّهَ أُنْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا

تَكْتِيبَ كُلِّ نَفْسٍ إِلَّا- عَلَيْهَا وَلَا- تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ بگو: «آیا جز خدا، پروردگاری بجویم، در حالی که او پروردگار هر چیزی است؟! و هیچ شخصی جز بر زیان خویش (گناهی) کسب نمی کند؛ و هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی دارد؛» سپس فرجام شما فقط به سوی پروردگارتان است؛ و شما را (نسبت) به آنچه همواره در آن اختلاف می کردید، خبر خواهد داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران حکایت کرده‌اند که گروهی از مشرکان خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: «تو از آیین ما پیروی کن، اگر آیین ما خطا بود، گناه تو بر گردن ما باشد.» آیه‌ی فوق به آنان پاسخ داد که هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۹ نمی کشد. «۱» ۲. مضمون این آیه، قانون کلی است که هیچ کس بدون جهت و ارتباط، بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد و هر کس مسئول اعمال خویش است. عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت من اگر نیکم و گریه، تو برو خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت (حافظ) اما گاهی ممکن است انسان عامل و سبب عمل دیگران شود و در کیفر یا پاداش آن شریک گردد؛ برای مثال، طبق احادیث، هر کس در بنیان گذاری سنت و روش نیک یا بدی دخالت داشته باشد، در پاداش و کیفر تمام کسانی که بدان عمل می کنند شریک خواهد بود. «۲» ۳. در این آیه به یک قانون کلی دیگر نیز اشاره شده که «هر کس عمل بدی انجام می دهد، جز علیه خودش نیست؛ و کیفر عمل بد را خودش تحمیل خواهد کرد.» این قانون کلی با احادیث فراوانی که در مورد اهدای ثواب یا نیابت در اعمال نیک برای مردگان یا دیگران آمده است، منافات ندارد؛ چرا که: اولاً، این اعمال نیک و اهدای ثواب به نفع دیگران است- نه به ضرر آنان- پس از موارد آیه خارج است. و ثانیاً، پاداش کارهای نیک افراد بر دو گونه است: قسم اول، تکامل روح و جان است که قابل واگذاری به غیر نیست، و قسم دوم، ثواب آن است که در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۰ برابر عمل به نیکوکار تعلق می گیرد، که این ثواب قابل هدیه دادن به مردگان و دیگران هست. «۱» ۴. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که از وجدان‌های انسان‌ها پرسش می کند و پاسخ آن را به عهده‌ی شنونده می گذارد. همان‌طور که در آیه‌ی فوق می پرسد: آیا غیر از خدا پروردگاری طلب کنم، در حالی که او پروردگار و مربی هر چیزی است؟ آری؛ خدا پروردگار و مربی همه چیز است و این همان توحید در ربوبیت نامیده می شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پروردگاری را انتخاب کنید که پروردگار جهانیان است. ۲. از افشاگری رستخیز بهراسید و اختلاف نکنید. ۳. مسئولیت عمل هر کس با خود اوست. ۴. خلافتکاری نکنید که فقط به زیان خود شماست. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی انعام به ارزش و موقعیت انسان در جهان و امتحان آدمیان با تفاوت‌های آنان اشاره می کند و می فرماید: ۱۶۵. وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْخَلْقَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضُكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغُكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ و او کسی است که شما را جانشینانی (در) زمین قرار داد؛ و رتبه‌های برخی از شما را بر برخی [دیگر] برتری داد، تا شما را در [مورد] آنچه به شما داده، بیازماید؛ براستی که پروردگارت زود کیفر است؛ و قطعاً او تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۱ بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به ارزش و موقعیت انسان در جهان اشاره کرده تا انسان‌ها ارزش خود را بدانند و در برابر بت‌های گوناگون سجده و کرنش نکنند؛ پس آیه‌ی فوق تکمیل کننده‌ی مباحث آیات قبل در مورد نفی شرک است. ۲. تفاوت‌های انسان‌ها به دو دسته تقسیم می شود: بخش اول، تفاوت‌هایی است که بر اثر تبعیض، بی‌عدالتی، نابرابری، ستم و فقدان امکانات به وجود می آید که سبب فقر و ثروت، علم و جهل، و بیماری و سلامتی گروهی از مردم می شود. این تفاوت‌ها غالباً زاییده‌ی استثمار، استعمار و ستم ستمکاران است و مقصود آیه‌ی فوق این تفاوت نیست. این‌ها تبعیض‌هایی است که بر بشر تحمیل شده و باید از بین برود. بخش دوم تفاوت‌ها مربوط به ساختمان وجودی افراد و استعدادها و امکانات درونی آنان است؛ انسان‌ها هم‌چون اندام یک گیاه هستند که ساقه، برگ، گل و ریشه دارد و هر کدام در جای خود نیکو و تکمیل کننده‌ی یک‌دیگرند و اگر در جامعه‌ی انسانی این تفاوت‌ها وجود نداشته باشد و همه‌ی مردم یکسان باشند، یک جامعه‌ی بی‌روح و مرده تشکیل می شود که فاقد تکامل و تحرک است. این گونه تفاوت‌ها

مقصود آیه‌ی فوق است. ۳. هدف از آزمایش انسان‌ها در برنامه‌های الهی، همان «تربیت و پرورش» است؛ یعنی هر انسانی بر اساس وظیفه‌ای که به عهده دارد، با استعداد متفاوتی ایجاد شده و در همان راستا تربیت و تکامل می‌یابد و امتحان خود را پس می‌دهد. ۴. قرآن کریم بارها از انسان به عنوان «خلیفه و نماینده‌ی خدا در زمین» یاد کرده است. «۱» این تعبیر اشاره به مقام والای انسان و موقعیت ویژه‌ی او در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۲ جهان دارد. «۱» برخی از مفسران برآن‌اند که مقصود از تعبیر فوق در این آیه، جانشین شدن انسان‌های هر عصری، به جای انسان‌های گذشته است. «۲» ۵. تعبیر خلیفه و جانشین و نماینده‌ی خدا در زمین، می‌تواند بیان‌کننده‌ی این حقیقت باشد که انسان مالک حقیقی ثروت‌ها، استعدادها و مواهب الهی نیست که هرگونه بخواهد در آنها تصرف کند، بلکه نماینده و جانشین خداست و فقط در قلمروی که او اجازه داده حق تصرف دارد؛ از این روست که اسلام، هم در مورد درآمد ثروت و هم در مورد مصرف آن نظارت و قانون‌گذاری می‌کند و در اقتصاد اسلامی برای این موارد قیود و شرایطی گذاشته شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان خلیفه و جانشین حاکم جهان است (نه اسیر جهان). ۲. مواهب، استعدادها و امتیازات انسان‌ها (برای فخرفروشی و تکبر نیست، بلکه) وسیله‌ی آزمایش انسان‌هاست. ۳. خدا هم زودکیفر و هم آمرزنده و بخشایش‌گر است (تا شما مستحق کدام‌یک باشید). ۴. در طول زندگی، خود را در حال آزمایش بدانید (و تلاش کنید که موفق شوید). «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۳

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوة، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المكتبة العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبه‌الدین شهرستانی، مطبعة الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیه، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۴ ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامی (منشورات علمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید

ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمد هادی معرفت، مؤسسة التمهيد، قم، الطبعة الاولى، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الى الامام الحسن بن علي العسكري عليه السلام، قم، مؤسسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لكتاب الله المنير، محمد الکرمی، قم، مطبعة العلمية، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسرون، دکتر محمد حسین ذهبي، دارالکتب الحديث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون في ثوبه القشيب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۵ اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهيد في علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحيد، شيخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمي، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحيد، محمد بن علي ابن بابويه، قم، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول في اعراب القرآن و صرفه و بيانه، محمود صافي، دار الرشيد دمشق و موسسه الاميان بيروت، بی تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعبيات)، محمد بن محمد بن اشعث، مكتبة النينوى الحديثه، تهران، بی نو، بی تا. ۳۵. الخصال، شيخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمي، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطيب، عبدالغني، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدر المنثور في تفسیر الماثور، جلال الدين عبدالرحمن ابن ابی بكر السيوطي، دارالفكر، بيروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالة الذهبية (طب الرضا عليه السلام)، امام رضا عليه السلام، انتشارات خيام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان في علوم القرآن، الزركشي، بدر الدين محمد بن عبدالله، دار المعرفة، بيروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحيفة السجادية، امام زين العابدين عليه السلام، نشر الهادي، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقيم الى ستحقى التقديم، علي بن يونس نباطي بياضي، انتشارات كتابخانه حيدريه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون في القرآن الكريم، نذير حمدان، دمشق- بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدير في الكتاب و السنة و الادب، عبدالحسين احمد الاميني النجفي، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الكافي، ثقة الاسلام كليني، محمد بن يعقوب، تحقيق علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقي، احمد بن ابی عبدالله، دارالكتب الاسلاميه، چاپ دوم، ۱۳۳۰ هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۶. ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات في غريب القرآن، ابوالقاسم حسين بن محمد راغب اصفهاني، تهران، المكتبة الرضويه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولين دانشگاه و آخرين پیامبر، دکتر سيد رضا پاک نژاد، تهران، کتابفروشی اسلاميه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سيد محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البيت في الكتاب المقدس، احمد الواسطي، مطبعة الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسه الوفاء بيروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الكبرى في فضائل آل محمد صلى الله عليه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشي نجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موريس، ترجمه مهندس ذبيح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجيل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوة، امام خمینی، سيد احمد فهري، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاريخ قرآن کریم، دکتر سيد محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاريخ الرسل و الملوك (تاريخ طبري)، محمد بن جرير طبري، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، حسینی استر آبادی، سيد شرف الدين علي، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسين قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحرير الوسيلة، روح الله موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل

- الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱.
- تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۷ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین، سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبه الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبدالله الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۸. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمآلهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، بی تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفه، الطبعة الثانية. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داوریناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۹ جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجة بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی،

۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامی، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاء‌الدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۰ النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفه، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح الله کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب فروشی اسلامی، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعة الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۱. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائره المعارف اسلامی، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبه الفقیه، قم. کتاب حاضر

نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمة علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، مرکز العربی الکتاب، بی تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح الله خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادئ العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبه الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۲ ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسه علوم القرآن، دمشق، الطبعة السابعة، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود آلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح الله، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسه توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید الله، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیره النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبه العربیة، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج البلاغه، عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهدی التزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عیدالله قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۳ ۱۵۱. صحیفه نور، روح الله موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمه للطباعة و النشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدة الداعی، ابن فهد حلّی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلّی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبه الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی جا، بی نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسن) سعید، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلا-کر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات

قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، بی تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبدالله بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۴ است در چاپخانه اسلامی به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمّه فی معرفه الائمه علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبه بنی هاشمی، تبریز، بی نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایه الاصول، آخوند محمد کاظم خراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنز الفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیه الله علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۵ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیه الله حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجره، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰.

وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۷ فهرست کتاب‌های منتشر شده دکتر محمد علی رضائی اصفهانی ردیف نام کتاب انتشارات سال ۱ در آمدی بر تفسیر علمی قرآن (دو چاپ) سوره ۲۱۳۷۵ شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم (بوستان کتاب) ۳۱۳۷۶ رابطه علم و دین در غرب پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۴۱۳۷۹ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (چهار چاپ) (دو جلد) کتاب مبین - انتشارات تفسیر و علوم قرآن ۵۱۳۸۰ آموزه‌های تربیتی عاشورا (دو چاپ) شهید مسلم ۶۱۳۸۰ انس با قرآن (دو چاپ) شهید مسلم ۷۱۳۸۰ روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن (دو چاپ) مرکز جهانی علوم اسلامی ۸۱۳۸۲ مناهج و اتجاهات للتفسیر القرآن مرکز جهانی علوم اسلامی ۹۱۳۸۳ شگفتی‌های اعجاز آمیز قرآن نشر معارف ۱۰ ۱۳۸۳ نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم دار الذکر ۱۱۱۳۸۴ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۱ ترنم مهر) تفسیر و علوم قرآن ۱۲۱۳۸۴ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۲ شمیم مهر) تفسیر و علوم قرآن ۱۳۱۳۸۴ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۳ باران مهر) تفسیر و علوم قرآن ۱۴۱۳۸۴ تفسیر مقدماتی مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۵۱۳۸۴ تفسیر قرآن مهر (سوره یوسف) تفسیر و علوم قرآن ۱۶۱۳۸۵ تفسیر قرآن مهر (سوره ی توبه) تفسیر و علوم قرآن ۱۷۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۵) علوم مهر تفسیر و علوم قرآن ۱۸۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۶) دانش مهر تفسیر و علوم قرآن ۱۹۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۷) روابط دختر و پسر (۱) تفسیر و علوم قرآن ۲۰۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۸) روابط دختر و پسر (۲) تفسیر و علوم قرآن ۲۱۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۹) پیامبر مهر (۱) تفسیر و علوم قرآن ۲۲۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۱۰) پیامبر مهر (۲) تفسیر و علوم قرآن ۲۳۱۳۸۵ منطق ترجمه قرآن مرکز جهانی علوم اسلامی ۲۴۱۳۸۶ شگفتی‌ها و اعجاز‌های علمی قرآن تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۶ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۸ فهرست ترجمه کتاب‌های دکتر محمد علی رضائی اصفهانی ردیف نام کتاب زبان مترجم ۱ منطق تفسیر (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن عربی قاسم بیضاوی (کعبی) ۲ منطق تفسیر (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن اردو غلام محمد ۳ انس با قرآن تایلندی محمد شریف ۴ آموزه‌های تربیتی عاشورا تایلندی محمد شریف ۵ انس با قرآن اردو سید باقر رضا کاظمی ۶ شگفتی‌های و اعجاز‌های علمی قرآن آذری مقصود سائل اف ۷ تفسیر قرآن مهر (سوره یوسف) آذری سید طهماسب جوادی زاده ۸ روابط دختر و پسر (۱ و ۲) آذری رامیل عظیم اف ۹ تفسیر مقدماتی آذری طغرل بابایف ۱۰ منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر عربی ابو خمیس و ازرقی ۱۱ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۱ و ۲) عربی ساعدی ۱۲ آموزه‌های تربیتی عاشورا اردو هندی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۹ انتشارات تفسیر و علوم قرآن تقدیم می‌کند: الف: کتاب‌های منتشر شده: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱) ترنم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۲) شمیم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۳) باران مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۴. پرسش‌های قرآنی جوانان (۴) شبنم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۵. پرسش‌های قرآنی جوانان (۵) دانش مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۶. پرسش‌های قرآنی جوانان (۶) علوم مهر - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۷-۸. پرسش‌های قرآنی جوانان (۷ و ۸) روابط دختر و پسر (۱ و ۲) - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۹-۱۰. پرسش‌های قرآنی جوانان (۹ و ۱۰) پیامبر مهر (۱ و ۲) - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۱. فلسفه احکام (۲) حکمت‌ها و اسرار نماز - احمد اهتمام ۱۲. آموزه‌های عاشورا - محمدعلی رضایی اصفهانی ۱۳. تفسیر قرآن مهر، سوره یوسف علیه السلام - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۴. تفسیر قرآن مهر، سوره توبه - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۵. تفسیر قرآن مهر، ج ۱، سوره حمد و بقره (تا آیه ۱۴۱) - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۶. تفسیر قرآن مهر، ج ۲، سوره بقره (از آیه ۱۴۲ تا آخر) - محمدعلی

رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۷. تفسیر قرآن مهر، ج ۳، سوره آل عمران - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۸. تفسیر قرآن مهر، ج ۴، سوره نساء - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۹. تفسیر قرآن مهر، ج ۵، سوره مائده - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲۰. مراحل انس با قرآن - دکتر محمد فاکر میبیدی ۲۱-۲۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (جلد ۱ و ۲) - دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی ۲۳. مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، دکتر محمدجواد اسکندرلو ۲۴. قرآن و هنر، دکتر علی نصیری ۲۵. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان ۲۶. اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و محسن ملاکاطمی ۲۷. قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۰۰ ب: کتاب‌های در دست انتشار: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۱)، مهدویت در قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۲)، مهر مهدوی، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۳)، قرآن و خاورشناسان، دکتر محمد حسن زمانی ۴. فلسفه احکام (۱) حکمت‌ها و اسرار احکام بهداشتی اسلام - احمد اهتمام ۵. فلسفه احکام (۳) خداشناسی از راه کیهان‌شناسی - احمد اهتمام ۶. ترجمه آموزشی قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۷. ترجمه تفسیری قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۸. قرآن و علوم پزشکی - حسن رضا رضایی ۹. قرآن و مدیریت - محسن ملاکاطمی ۱۰. سیمای سوره‌های قرآن - محمدعلی رضایی اصفهانی ۱۱. تفسیر جوان، محمد علی رضایی اصفهانی ۱۲. امام حسین پیشوای روشنایی‌ها، دکتر علی نصیری یادآوری: مراکز پخش کتاب‌های فوق در صفحه شناسنامه همین کتاب آمده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۰۱ شیوه‌های خرید کتاب‌های انتشارات الف: خرید حضوری: به مراکز پخش که در شناسنامه کتاب موجود است مراجعه فرمایید. ب: خرید غیرحضوری: ۱. از طریق فاکس: ۰۲۷۷۳۹۰۰۲ - ۰۲۵۱۰۲۰۲. بوسیله نامه: با آدرس‌های مراکز پخش، موجود در شناسنامه کتاب مکاتبه فرمایید. تذکرات: ۱. کتاب‌های فوق جهت ترویج فرهنگ قرآنی و دینی آماده‌سازی شده است، از این رو با حداقل قیمت در اختیار قرآن دوستان قرار می‌گیرد. ۲. برای هر یک از این کتاب‌ها مسابقه علمی طراحی شده که در جلسات، ارس و ... قابل اجراست. ۳. در صورتی که مایل به خرید کتاب‌های فوق هستید مبلغ آن را به شماره حساب جاری ۱۰۱۰۵۳ ۱۵۳۱ بانک تجارت شعبه صفائیه قم به نام آقای نصرالله سلیمانی واریز و فیش آن را برای ما ارسال کنید تا کتاب‌ها به آدرس شما پست شود. (هزینه پست به عهده مرکز است)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار - ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از

حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر

که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

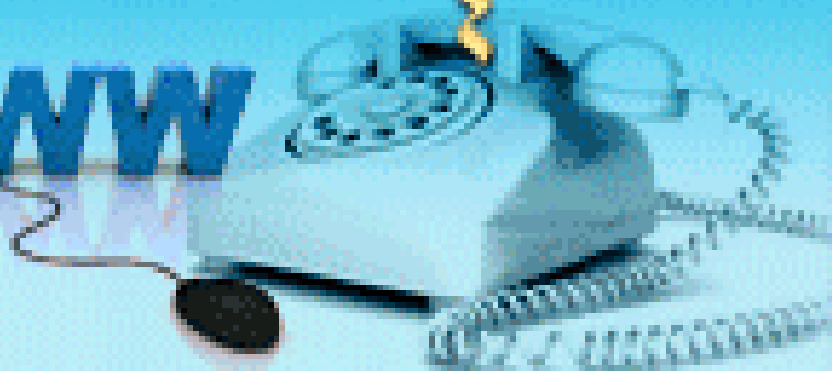


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

